



دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان

۶۷

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



غارهای باستان‌شناختی گیلان

ولی جهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتابخانه مرکزی  
دانشگاه تبریز

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

غارهای باستان‌شناختی کیلان

تبرستان  
www.tabarestan.info

---

سرشناسنامه	: جهانی، ولی ۱۳۵۱ -
عنوان و پدیدآور	: غارهای گیلان / ولی جهانی.
مشخصات نشر	: رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۴ ص.
شابک	: ۲ - ۵۲۰ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
موضوع	: غارها -- ایران -- گیلان
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ غ ۲ / ج ۹۴ / ۷۸ / ۶۰۸ GB
رده‌بندی دیویی	: ۵۵۱/۴۴۷۰۹۵۵
شماره کتابخانه ملی	: ۴۶۳۹۷۰۱

---



دانشگاه تبریز، آذربایجان

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

غارهای باستان‌شناختی کیلان

ولی جهانی



فهرست ابلیه

---

● غارهای باستان‌ساختی گیلان

---

● **ولی جهانی**

---

● سرپرست مجموعه: فرامرز طالبی

---

● چاپ نخست: ۱۳۹۶ ● شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه ● شماره نشر: ۶۲۱

---

● آماده‌سازی و نسخه‌برداری: کارگاه نشر فرهنگ‌ابلیا

---

● استفاده پژوهشی از این اثر با ذکر مأخذ آزاد است.  
هرگونه استفاده تجاری از این اثر، به هر شکل، بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

---

● **نشر فرهنگ‌ابلیا؛** رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاجت، شماره ۴۹

---

● تلفن: ۳۳۳۴۴۷۲۳ ۳۳۳۴۴۷۲۲ - ۰۱۳ ● دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳

---

● پست الکترونیکی: **Email:nashreilia@yahoo.com**

---

● سایت‌های اطلاع‌رسانی: **www.artguilan.ir, www.farhangeilia.ir**

یادداشت شورای پژوهشی دانشنامه

ایران زمین، پهنه‌ی گسترده‌ای است با اقلیم‌ها، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون. شناخت و معرفی این اقلیم‌ها، نقشی بسزا در شکل‌گیری فرهنگ ملی دارد.

دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان بر آن است تا با معرفی ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی این بخش از سرزمین ایران، گامی کوچک در شناخت فرهنگ بومی و ملی بردارد.

این مجموعه با همراهی و همدلی گروهی از پژوهشگران فرهیخته و با همت حوزه‌ی هنری گیلان و دوستان‌مان در انتشارات فرهنگ‌ایلیا به سرانجام رسیده است. تلاش همه‌ی آنان را ارج می‌نهم.

فرامرز طالبی      مسعود پورهادی  
شادی میرزائزاد موحد

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



نشانی اینترنتی

[www.artguilan.ir](http://www.artguilan.ir)

مرکز پخش

۰۱۳ - ۳۳۳۴۵۵۷۱

۰۱۳ - ۳۳۲۶۵۵۲۴

بادداشت حوزدی همری کیلان

گیلان بی هیچ گزافه و گمان، یکی از کهن‌سالترین زیستگاه‌ها و خاستگاه‌های فرزندان ایران زمین است. این سرزمین سحرانگیز و خرم چون رشک بهشت، فراخنای تاریخ ایران و فرازگاه تاریخ تشیع ایران است. گیلان از دیرین روزگاران، پناهگاه گریزندگان از ستم خلفا بوده و چه بسیار از دین داران و پناه‌آورانی که در این دیار بالیدند و با یاری مردمان آن، حکام جور و ستم را از تخت فروکشیدند.

این دیار همان دیاری است که علویان را از تیغ ستم خلفای اموی و عباسی پاس داشت، همان دیاری است که بیگانگان یونانی، عرب و ترک هرگز نتوانستند بر آن دست یازند و از آن باج ستاند.

ولی امروز از گیلان بزرگ چه مانده است جز نشانه‌هایی در دل کتاب‌های تاریخ و بناهایی که رو به ویرانی‌اند و یادها و نواحی در باورها و آیین‌ها و آوایی که بر زبان مردان و زنان این دیار به زیبایی نشسته‌اند و بر شیوه‌های زیست مردم سامان دلالت دارند.



برای شناخت آنچه از این میراث بزرگ مانده است، باید گام‌های استوار برداشت و دستاورد پژوهش‌ها و تحقیقات اندیشمندان را گردآوری و به نسل جوان و نسلی که فردای این دیار از آن اوست، سپرد.

شناخت و بازکاوی این زوایای آشکار و پنهان از سال‌ها پیش اساسی‌ترین دغدغه‌ی فکری و فرهنگی ما بود و امروز دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان گامی کوچک ولی محکم در راستای رسیدن به این هدف است.

این مجموعه حاصل تحقیقات و پژوهش‌های جمعیتی از گیلان‌شناسان زبده است. پُر بی‌راه نیست که برنامه‌ریزان بتوانند نتایج این مطالعات و پژوهش‌ها در روند توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای ترسیم چشم‌انداز آینده‌ی استان سود برند.

بر خود فرض می‌دانم از تمامی کوشندگان این کار سترگ، به ویژه محققان و پژوهندگان، ناشر گرامی و شورای محترم پژوهشی دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان تقدیر نمایم و سپاس‌گزارِ دوستانی باشم که مشوق ما برای ادامه‌ی این راه هستند.

غلامرضا فاسمی

## فهرست

تبرستان  
www.tabarestan.info

یادداشت حوزه‌ی هنری گیلان / ۷

مقدمه / ۱۱

پیشینه‌ی مطالعات باستان‌شناختی / ۱۴  
دشواری‌های بررسی‌های باستان‌شناختی غارهای گیلان / ۱۶  
شناخت دوره‌های زندگی انسان / ۱۷

شهرستان آستارا / ۱۹

غار کُهیِل / ۱۹ / غار خانقاه / ۲۱ / غار دوستاخ‌خانه (زندان) / ۲۲

شهرستان تالش / ۲۳

غار گنج‌خانه / ۲۳

شهرستان رضوان‌شهر / ۲۴

غار سلاش / ۲۴

شهرستان ماسال / ۲۵

غار آویشو / ۲۵

شهرستان فومن / ۲۷

غار تاوه‌لاس / ۲۷ / غار بوزخانه / ۲۸ / پناهگاه‌های صخره‌ای دشته گیلهرس ماسوله / ۲۹ / پناهگاه  
صخره‌ای می‌کشان / ۳۰ / غار خون‌فوشه / ۳۱

شهرستان رودبار / ۳۲

غار چَپَلک / ۳۲ / غارهای دربند رشی (سی‌دشت) / ۳۶ / پناهگاه صخره‌ای خلوشت / ۴۱ / غارهای  
مالحان / ۴۴ / غار اسپهبدان / ۴۷ / پناهگاه اسپهبدان / ۴۸ / غار دیورش / ۴۹ / پناهگاه صخره‌ای تاج  
دربند / ۵۱ / پناهگاه صخره‌ای ذکابر / ۵۲ / غار درفک (نوچا، توچال) / ۵۳ / غارهای عمودی درفک  
/ ۵۵ / غار چشمه‌باد (یلی بولاغی) / ۵۵ / غار بابو / ۵۸ / غار آبدر / ۵۸ / غار ولی‌گورد / ۵۸ / غار  
یسکابن / ۶۱ / غار سنگاب / ۶۲ / غارهای هشت‌دری / ۶۲

### شهرستان سیاهکل ۶۵

غار یرشلمان ۶۵ / غارهای تاریخی دیارجان ۶۸ / غار دیارجان (۲) ۷۲ / غار گیلارکش ۷۵ /  
پناهگاه عروس تله ملومه ۷۶ / تونل دست کن ملومه ۷۶ / غار لوآلی ۷۷ / غار دعاکوه ۸۰ / غار  
کش کوه ۸۰ / سازه دست کن زیرزمینی میکال ۸۰ / پناهگاه صخره‌ای پیرکوه ۸۴ / غارهای  
پیشکیل جان ۸۴ / غار چهل ستون ۸۶

### شهرستان لاهیجان ۸۷

غار سرچشمه ۸۷

### شهرستان لنگرود ۸۸

غارهای باستانی لیارود ۸۸

### شهرستان رودسر ۹۰

غار اسب طولیه ۹۰ / غار گل لوک سجیران ۹۱ / غار ورن ۹۵ / غار سلوکدره ۹۶ / غار  
رزگردن ۹۶ / غارهای جواهردشت ۹۷ / غار آسمانرود ۹۸ / غارهای دلیجان ۹۹ / پناهگاه  
صخره‌ای آسیابدره ۱۰۰ / غار آرگم ۱۰۱ / غار گرمابدشتخانه ۱۰۱

### شهرستان املش ۱۰۴

غار بزطلابن ۱۰۴ / غار قلایسر بویه ۱۰۸ / پناهگاه صخره‌ای پرشی ۱۱۲ / غار چنبول دشت  
۱۱۳ / پناهگاه‌های صخره‌ای کشمش ۱۱۳ / پناهگاه صخره‌ای سیدسرا ۱۱۴ / غار هفت‌خُم‌تله  
سیاه‌کوه ۱۱۶ / غار طلابن گورج ۱۱۷ / غار سیدسرا ۱۱۷ / پناهگاه صخره‌ای وادار ۱۲۰ / غار  
کاکرود ۱۲۱ / پناهگاه صخره‌ای اسک ۱۲۳

حاصل سخن ۱۲۴

جدول ۱۲۷

کتاب‌نامه ۱۳۳

نمایه ۱۳۷

چکیده انگلیسی ۱۴۱

## مقدمه

در دوران پیش از تاریخ، انسان از راه جمع‌آوری میوه و غله‌های وحشی و نیز از راه شکار گذران زندگی می‌کرد. زندگی این چنین مستلزم جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌های پی‌درپی به دنبال آذوقه و شکار حیوانات وحشی بود. در چنین شرایطی، انسان اولیه امکان اسکان یافتن در یک محل خاص را نداشت و برای بیتوته‌ی موقت خود، مکان‌هایی نظیر غارها، پناهگاه‌ها و شکاف طبیعی کوه‌ها و صخره‌ها را برای در امان ماندن از خطر حمله‌ی حیوانات درنده و دوری از گزند سرما و باد و باران انتخاب می‌کرد. بی‌شک زندگی در غارها و اردوگاه‌ها، برای انسان پیش از تاریخ، امری بسیار خطرناک بود.

سابقه‌ی زیست‌بشر در گیلان بر اساس داده‌های حاصل از آخرین مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی و دیرین‌شناسی، تا حدود ۲۳۰,۰۰۰ سال قبل تعیین و تایید شده است. تحقیقات چندساله‌ی اخیر در چند محوطه‌ی پیش از تاریخی و بعضی غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای و سنگی گیلان، گواه این ادعا است. ابزارهای سنگی و استخوان‌های انسانی مربوط به چند هزار سال قبل، ما را به این حقیقت رهنمون می‌کند که بر خلاف گمان‌های رایج، سکونت انسان در این سرزمین، بسیار قدیم‌تر از تصورهای معمول است.

شروع عصر نوسنگی و گذر از مرحله‌ی شکار و گردآوری خوراک و ورود به مرحله‌ی استقرار اولیه و یا تشکیل روستاها و آغاز یک‌جانشینی، مرحله‌ای است که بحث ما از آن آغاز می‌شود. انسان ابزارساز با ساخت اولین سازه‌های معماری، هرچند ساده و ابتدایی، گام مهمی برداشت.

در گذشته، دوره‌ی سنگ در شمال کشور (گیلان) متسبب به اکتشافات

غارهای هوتو، کمر بند، علی‌تپه و کی‌آرام بود که عمده‌ی این پژوهش‌ها (پارینه‌سنگی) در استان‌های گلستان و مازندران متمرکز بود.

برای شناخت محل سکونت جوامع انسانی در طول دوره‌ی پلیستوسن در گیلان، پژوهش‌هایی از سال ۱۳۸۰ در مناطق مختلف استان انجام شد. حاصل آن به دست آوردن اطلاعاتی است که تا حدودی مسکونی بودن جوامع انسانی را در دوره‌های مختلف پارینه‌سنگی در این ناحیه تأیید می‌کند. از سال ۱۳۸۰ که مسئولیت مستندسازی آثار فرهنگی - تاریخی اداره‌ی کل میراث فرهنگی گیلان بر عهده این‌جانب گذاشته شد، بر آن بودم تا اکثر آثار تاریخی استان گیلان از گردنه‌ی حیران تا بخش چابکسر را با همکاری کارشناسان میراث فرهنگی گیلان مورد بررسی و شناسایی قرار دهیم. تاکنون بیش از ۱۰۱ غار و پناهگاه صخره‌ای که دارای آثار مسکونی بوده است، مورد شناسایی و مستندسازی قرار گرفته است. دسترسی به این غارها بسیار مشکل و طاقت‌فرسا بود، چرا که اکثر غارها در صخره‌های صعب‌العبور و کنار رودخانه‌های بدون دسترسی به جاده قرار دارند و دسترسی به آن‌ها بدون یاری راهنمایان محلی امکان‌پذیر نبود. این غارها پس از کشف، شناسایی و مستندسازی، توسط هیأت‌های مختلف ایرانی، خارجی و سایر پژوهشگران، مورد بازدید و بررسی قرار گرفت.

در این کتاب، غارهای عمدتاً باستان‌شناختی گیلان به تفکیک هر شهرستان، از غرب به شرق گیلان معرفی شده است. قدمت و تاریخ غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای را، براساس مواد فرهنگی - تاریخی از قبیل سفال، سنگ و استخوان که در اثر بررسی، گمانه‌زنی و کاوش در داخل آن‌ها صورت گرفته، تعیین نمودیم. از آن‌جا که حجم این کتاب امکان معرفی و توصیف همه‌ی غارها را نمی‌دهد، از این رو مهم‌ترین غارهای هر شهرستان مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان، فهرست غارها و پناهگاه‌هایی که تا سال ۱۳۹۲ مورد شناسایی قرار گرفته‌اند،

به صورت جدول شده است. قابل ذکر است که دو غار آویشو و چشمه‌باد، با وجود آن‌که در شما غارهای باستان‌شناختی قرار ندارند، اما به دلیل اهمیت آن‌ها، در این پژوهش گنجانده شده‌اند.

در این کتاب تا حدودی به وضعیت غارهای باستانی گیلان و نحوه‌ی انجام بررسی آن‌ها اشاره شده است. در نتیجه بعد از کشف، شناسایی و مستندسازی، مجدداً غارهای باستانی گیلان توسط هیئت‌های مختلف ایرانی، خارجی و سایر پژوهشگران مورد بازدید و بررسی قرار گرفت. در این جا لازم می‌دانم از دکتر فریدون بیگلری، رئیس بخش یارینه‌سنگی موزه ملی ایران باستان به خاطر در اختیار گذاشتن منابع مربوط به این دوره و مشاوره در خصوص تاریخ‌گذاری تعدادی از محوطه‌های مربوط به این دوره تقدیر و تشکر کنم. و نیز از دست‌اندرکاران حوزه‌ی هنری گیلان و دوستان و همکاران دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان و همه‌ی عزیزانی که در تهیه و تدوین این کتاب، به من یاری رساندن، سپاسگزارم.

ولی جهانی

### پیشینه‌ی مطالعات باستان‌شناختی

تا پیش از سال ۱۳۸۰ هیچ‌گونه مطالعه‌ای درباره‌ی عصر سنگ در سواحل جنوبی دریای خزر (استان گیلان) انجام نشده بود و کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی، صرفاً بر روی گورستان‌های باستانی صورت می‌گرفت. از این نگاه، برای تاریخ گیلان قدمتی حدوداً ۳۵۰۰ ساله تخمین زده شده بود.

نخستین محوطه‌ی بررسی شده، در شرق رودخانه‌ی سفیدرود و در پناهگاه صخره‌ای خل‌وشت است. این محوطه در سال ۱۳۷۹ توسط فریدون بیگلری و حسین عبدی مورد بررسی قرار گرفت و ۲۰ قطعه ابزار سنگی از آن جمع‌آوری شد (بیگلری و عبدی، ۱۳۸۰: ۶۸).

محوطه‌ی باستانی گنج‌پر دومین محوطه‌ی شناسایی شده در کرانه‌ی باختری سفیدرود است که توسط فریدون بیگلری و سامان حیدری شناسایی شد و نتایج بررسی این محوطه‌ی پارینه‌سنگی در مجموعه‌ی گزارش‌های فصلی چهار هیئت مشترک ایران - ژاپن به زبان انگلیسی منتشر شد (Biglari & Haydari, 2004: 76-78). این محوطه، بار دیگر در سال ۱۳۸۴ توسط فریدون بیگلری و سونیا شیدرنگ مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه تعداد ۱۸ قطعه ابزار سنگی مربوط به این دوره کشف شد (بیگلری، ۱۳۸۴).

از دیگر بررسی‌هایی که منجر به کشف و شناسایی تعداد دیگری از غارها شد می‌توان به بررسی در حوضه‌ی رودخانه‌ی شاهرود (عمارلو) توسط یوسف فلاحیان اشاره کرد که به شناسایی غارهای باستانی چپلک، پناهگاه اسکابن، غار ولی‌گورد و... منجر شد (فلاحیان، ۱۳۸۲).

طرح مستندسازی آثار فرهنگی - تاریخی استان گیلان به سرپرستی نگارنده از سال ۱۳۸۴ - ۱۳۸۰ در مناطق مختلف گیلان انجام و موجب شد بخش عمده‌ای از غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای در مناطق مختلف گیلان ثبت و شناسایی شود. ثبت ۱۲ غار در فهرست آثار ملی کشور از دستاوردهای این طرح است. پس از آن هیئت مشترک ایران و روس به سرپرستی درویانکو و محسن زیدی، به مدت

چهار روز سواحل جنوبی دریای خزر را مورد بررسی قرار دادند، اما در استان گیلان شواهدی دال بر وجود استقرارهای پارینه‌سنگی پیدا نکردند.

در سال ۱۳۸۶ تفاهم‌نامه‌ای بین سازمان میراث فرهنگی با دانشگاه هان یانگ کره جنوبی امضا شد و این هیئت مشترک موفق شدند در فصل اول ۱۳ غار<sup>۱</sup>، ۴ پناهگاه و ۳ تراس و در فصل دوم ۲۷ غار، ۴ پناهگاه و یک تراس را که از قبل شناسایی و مستندسازی شده بودند، مورد بازدید و بررسی قرار دهند. سپس گمانه‌زنی در غار دربند B در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ به سرپرستی دکتر بیگلری از موزه‌ی ایران باستان و با معاونت نگارنده از میراث فرهنگی گیلان آغاز شد.<sup>۲</sup> هدف از مطالعات میدانی و گمانه‌زنی، کسب اطلاعاتی از تاریخچه‌ی شکل‌گیری این غارها و رسوبات باستانی آنها، خصوصاً لایه یا لایه‌های حاوی بقایای استقرارهای پارینه‌سنگی قدیم و گاه‌نگاری آنها، بررسی ویژگی‌های صنعت سنگ

---

۱. غارها به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. غارهای طبیعی ۲. غارهای دست‌کن.

غارهای طبیعی به چند گروه تقسیم می‌شوند:

- الف. غارهای تشکیل شده در اثر نفوذ آب در طبقات آهکی،
- ب. غارهایی که در اثر زلزله یا چین خوردگی زمین به وجود می‌آید،
- ج. غارهای تشکیل شده از آبشارها و امواج،
- د. غارهای آتشفشانی یا گدازه‌ای،
- ه. غارهای بادی،
- و. غارهای یخی.

غارهای دست‌کن که تعداد آنها در ایران بسیار زیاد است برای هدف‌های خاصی کنده شده‌اند. عده‌ای بر این عقیده‌اند که این گونه مکان‌ها را نمی‌توان جزء غارها محسوب کرد و عده‌ای دیگر معتقدند که چون هرگونه حفره‌ای در کوه یا سطح زمین را می‌توان غار نامید. غارهای دست‌کن را می‌توان از نظر کاربرد به سه دسته تقسیم کرد: ۱. زندگی و دفاع ۲. آیین‌های مذهبی ۳. معدن (بیگلری، جهانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۶).

۲. لازم به ذکر است، طرح پژوهشی گمانه‌زنی غارهای دربند اولین بار در سال ۱۳۸۴ توسط بیگلری و نگارنده در زمان زنده‌یاد دکتر آذرنوش از محل اعتبارات استانی به پژوهشکده باستان‌شناسی ارسال شد. طرح مذکور مورد تصویب اعضای پژوهش قرار گرفت اما متأسفانه با جابجایی مدیریت در پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، این طرح به اجرا در نیامد.



آن، الگوهای کاربری غار توسط گروه‌های پارینه‌سنگی، چگونگی استفاده از منابع اطراف، میزان نقش انسان در انباشت بقایای جانوری در غار و دیگر عوامل مؤثر در این روند، همچنین نوع پوشش و شرایط اقلیمی منطقه، هم‌زمان با استقرار پارینه‌سنگی است (بیگلری، جهانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

### دشواری‌های بررسی‌های باستان‌شناختی غارهای گیلان

یکی از مشکلات عمده در مطالعه‌ی مجموعه‌های پارینه‌سنگی استان گیلان، عدم کشف داده‌های فرهنگی - تاریخی مربوط به دوره‌های مختلف پارینه‌سنگی در گیلان و کمبود اطلاعات درباره‌ی مصنوعات سنگی است. تاکنون بیش از ۱۰۰ غار، پناهگاه یا سایت باز در این استان مورد شناسایی قرار گرفته است که از آن میان می‌توان به پنج مورد شامل گنج‌پر (بیگلری، حیدری، ۱۳۸۲)؛ دربند (جهانی: ۱۳۸۴) و (بیگلری، جهانی: ۱۳۸۴)؛ یرشلمان (جهانی: ۱۳۸۰) و (کیدونگ بای و باقریان و جهانی: ۱۳۸۶)؛ چپلک (فلاحیان: ۱۳۸۲) و (جهانی: ۱۳۸۴) و (کیدونگ بای و جهانی و باقریان: ۱۳۸۷)؛ مالحان (جهانی: ۱۳۸۵) و (کیدونگ بای و باقریان و جهانی: ۱۳۸۷) اشاره کرد. البته برخی غار دیارجان را متسبب به همین دوره می‌دانند که نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. اسناد و شواهد درباره‌ی پارینه‌سنگی بسیار ناچیز و اندک است. از جمله مشکلات دیگر مربوط به این دوره، عدم انجام کاوش‌ها و گمانه‌زنی باستان‌شناسی دوره‌ی پارینه‌سنگی در داخل غارهای باستانی گیلان را می‌توان عنوان کرد. هیئت مشترک ایران و کره در چند نقطه از غارهای گیلان (یرشلمان: ۱۳۸۷ و چپلک: ۱۳۸۸) اقدام به حفر گمانه‌های آزمایشی کرد، ولی چون کار در کوتاه‌ترین زمان انجام شد، نتیجه‌ی خوبی از آن حاصل نشد. سپس این طرح در سال ۱۳۹۱ مورد موافقت مجدد قرار گرفت و نخستین پژوهش‌های باستان‌شناسی غار در بند B برای اولین بار پس از یک سده از فعالیت باستان‌شناسی انجام شد و نتایج بسیار خوبی دربر داشت. از معضلات دیگر عدم اطلاعات کافی دوره‌ی پارینه‌سنگی در شرایط اقلیمی و آب و هوایی است، چون غارهای باستانی گیلان همیشه در طول ادوار مختلف محل امن و یا مکانی موقتی برای دامداری

است که زمستان‌ها در دشت و کوه‌های میان‌بند می‌گذرانند. آن‌ها در بهار و تابستان به مناطق بالادست و ییلاق‌ها مهاجرت می‌کردند و چوپانان جهت نگهداری گله‌ها، در کوه‌های میان‌بند یا مراتع نیاز به سرپناه داشتند و تنها جایی که می‌توانست محل راحت و امن برای این چوپانان باشد، همین غارهای باستانی بوده‌اند. لذا این افراد، هر ساله در فواصل مختلف به صورت موقت در داخل غارها اطراق می‌کردند و چه‌بسا گوسفندان را هم در مواقعی که باران می‌آمد در داخل غارها پناه می‌دادند و سطح غارها پوشیده از فضولات دامی و آشامیده بوده است. هر ساله چوپانان پس از بازگشت مجدد به داخل غارها، نیاز به جابجایی خاک داشتند و از این لحاظ می‌خواستند هم فضایی بیشتری برای زندگی خودشان داشته باشند و هم مکان بزرگ‌تری برای گله‌های خود تدارک بینند و از این طریق تمام خاک و رسوب داخل غارها را به بیرون می‌ریختند و به این طریق اکثر مواد فرهنگی یا ابزار سنگی داخل غارها را به بیرون پرت می‌کردند و موجب از بین رفتن بخشی از اطلاعات و داده‌های مربوط به داخل غارها می‌شدند.

### شناخت دوره‌ای زندگی انسان

از آغاز تکوین نظام علمی باستان‌شناسی، از اصطلاحاتی استفاده شد که هر یک دارای معنی و مفهوم خاصی بود و به تدریج و با پیشرفت‌هایی که در روش‌های تحقیق و پژوهش‌های میدانی به وقوع پیوست، بر تعداد آن افزوده گشت و گاه در کاربرد آنها هم تغییراتی رخ داد. این روند همچنان ادامه دارد و یکی از دلایل پویایی علم باستان‌شناسی هم می‌تواند همین امر باشد. اگر اصطلاحاتی مانند «عصر حجر و دوران غارنشینی» و امثال آن در چند دهه‌ی قبل کاربرد داشتند، امروزه اصطلاحاتی مانند «پارینه‌سنگی» «نوسنگی»، گردآوری غذا و تولید غذا و یا استقرار در روستاها و مانند آن، مفاهیم متداول در بررسی‌های تحلیلی پژوهش‌های میدانی هستند (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

جدیدترین طبقه‌بندی براساس کاوش‌های باستان‌شناسی و به‌دست آوردن ابزارهای سنگی از انسان‌های ابتدایی صورت می‌گیرد و بر پایه‌ی آن، دوره‌های

فرهنگی در ادامه‌ی دوره‌های زمین‌شناسی قرار می‌گیرد که به شرح زیر است:

الف) دوره‌ی پالئولیتیک Palaeolithic (عصر پارینه‌سنگی) عصر حجر از ۲ میلیون سال پیش تا حدود ۱۸ هزار سال پیش).

ب) دوره‌ی مزولیتیک Mesolithic (عصر میان سنگی) از ۱۸ هزار سال پیش تا حدود ۱۰ هزار سال پیش).

ج) دوره‌ی نئولیتیک Neolithic (عصر نوسنگی) از ۱۰ هزار سال پیش تا حدود ۶ تا ۷ هزار سال پیش.

د) دوره‌ی کالکولیتیک Chalcolithic (عصر فلز) از ۶ تا ۵ هزار سال پیش تا حدود ۵۰۰۰ سال پیش.

هـ) انقلاب شهرنشینی یا آغاز دوره‌ی تاریخی، از ۵ هزار سال پیش تا حال ادامه دارد (نوحیدی، ۱۳۸۸: ۲۲).



موقعیت تعدادی از محوطه‌های پارینه‌سنگی گیلان

## شهرستان آستارا

### غار کُهِیل

غار کُهِیل در فاصله‌ی ۵ کیلومتری روستای آق‌مسجد از توابع شهرستان آستارا، در دامنه‌ی ارتفاعات غربی این روستا، موسوم به غفورکله، در یک شیب نسبتاً تند و در ارتفاع ۱۲۰۴ متری از سطح دریای آزاد قرار دارد. در فاصله‌ی ۲۰۰ متری جنوب دهانه‌ی غار، چشمه‌ای وجود دارد.

این غارِ صخره‌ای با دهانه‌ی بیضی شکل به عرض ۱۲ متر و عمق ۴۱ متر، دارای دهانه‌ای به ارتفاع ۶ متر است. حداکثر ارتفاع داخل غار ۶ متر و حداکثر عرض آن ۴۱ متر و مساحت تقریبی کف غار ۱۲۰ مترمربع است. نوع کفِ غار دارای بستر سنگی و محیط داخلی غار از روشنایی خوبی برخوردار است.

دهانه‌ی غار در ضلع جنوب شرقی واقع شده و به دلیل استفاده‌ی اهالی برای نگهداری احشام، کفِ غار پوشیده از بقایای فضولات حیوانی است. در قسمت ورودی غار، با شاخ و برگ درختان، اتاقکی ساخته‌اند که احتمالاً محل نگهداری چوپانان از دام‌هایشان است. در داخل و به‌ویژه در بیرون غار، سفال‌های سطحی متنوعی به رنگ‌های قرمز، نارنجی و نخودی به‌دست آمده است. با توجه به شواهد موجود، به‌ویژه سفال‌های سطحی، قدمت و تاریخ استفاده از این غار به دوره‌ی آهن مربوط است. قطعاً تاریخ‌گذاری دقیق‌تر این محل منوط به مطالعات دیرین باستان‌شناختی است.



نمایی از داخل غار کهیل آستارا

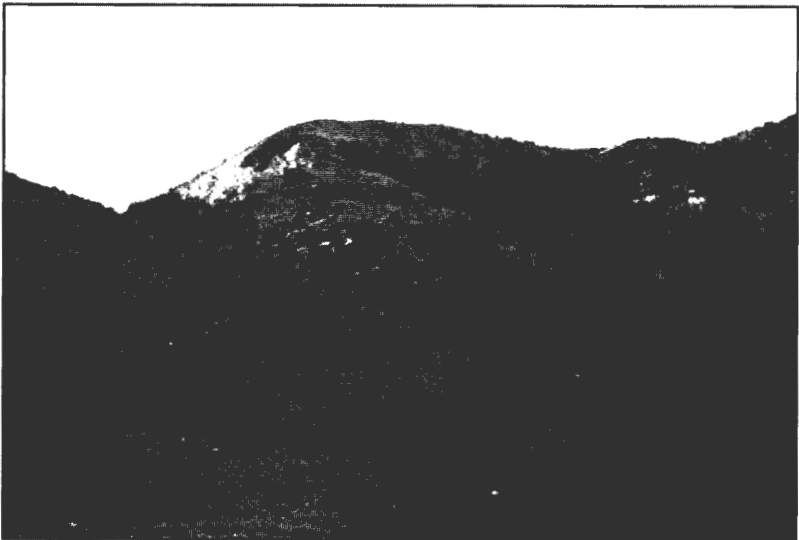


نمای دهانه‌ی ورودی غار کهیل

## غار خانقاه

این غار در نزدیکی محور کوهستانی آستارا به اردبیل و در شرق آن و حدوداً در فاصله‌ی ۸۰۰ متری جاده‌ی مزبور و به فاصله‌ی ۲۵ کیلومتری شهر آستارا، در ارتفاع ۱۶۵۵ متری از سطح دریا واقع شده است. پاسگاه مرزی خانقاه در فاصله‌ی ۳۰۰ متری شمال غرب این غار وجود دارد. غار خانقاه در قسمت شیب تند کوهی صخره‌ای، همراه با پوشش انبوه گیاهی و درختان بلوط قرار گرفته و دهانه‌ی ورودی آن در سمت شمال غربی است. دهانه‌ی غار حالتی تقریباً مثلثی شکل به ارتفاع تقریبی ۱/۵ متر و عرض دهانه‌ی ۲/۵ متر دارد که از دور نمایان است.

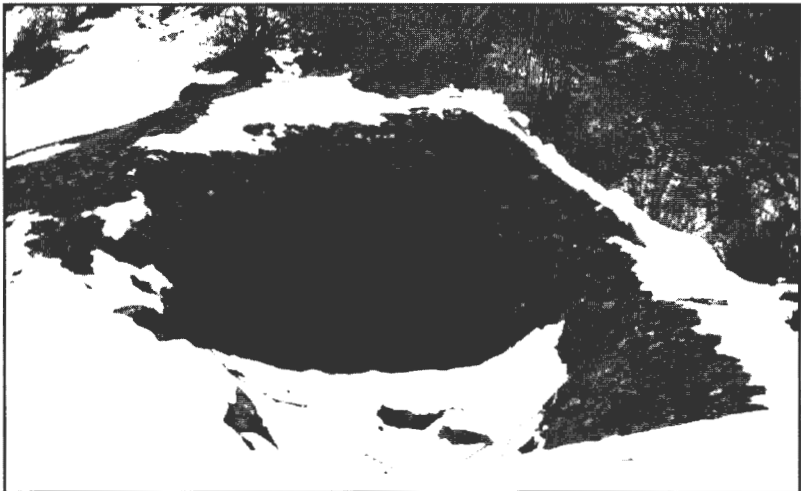
به دلیل قرار گرفتن غار خانقاه در نزدیکی خطوط مرزی کشور ایران با جمهوری آذربایجان، امکان بررسی از نزدیک حاصل نشد و اطلاعات موجود از فاصله‌ی ۳۰۰ متری کسب شده است.



نمای دور از غار خانقاه

### غار دوستاخ‌خانه (زندان)

این غار در ارتفاع ۷۱۳ متری از سطح دریای آزاد و در ارتفاعات روستای گیلده قرار دارد. دره‌ی رودخانه‌ی ایستی سو (آب گرم) در شمال این غار قرار گرفته و جوی آبی هم در غرب آن جریان دارد که به سمت رودخانه‌ی ایستی سو روان است. پوشش طبیعی منطقه چمنزار و بوته‌های خودرو است. به لحاظ زمین‌شناختی، شیب اراضی در محل به سمت شمال امتداد می‌یابد. غار دوستاخ‌خانه، غار - شکاف طبیعی است که قسمت‌هایی از آن به صورت دست‌کند است. ارتفاع دهانه‌ی غار تا پایین دره حدوداً ۱۰ متر است و دهانه‌ی آن در جهت شمال شرقی قرار دارد. شکل تقریبی دهانه به صورت مدور بوده و ارتفاع دهانه ۲ متر، عرض کف ۳ متر و عمق آن ۵ متر است. مساحت کف غار ۱۵ مترمربع، طول کف ۵ متر، عرض کف ۳ متر و ارتفاع پیشانی پناهگاه، حدوداً ۲ متر است. کف غار دارای بستری از خاک و آوار فروریخته سقف است. داخل غار وضعیتی نیمه‌تاریک دارد و فاقد منبع آب است. از این غار آثاری چون سفال به دست آمده است و می‌توان قدمت آن را مربوط به دوره‌ی آهن دارد.



نمایی از دهانه‌ی ورودی غار دوستاخ‌خانه

## شهرستان تالش

### غار گنج‌خانه

در بخش شمالی روستای ییلاقی سوباتان از توابع شهرستان تالش و در جنوب روستای ییلاقی گنج‌خانه، کوه صخره‌ای نسبتاً بزرگی قرار دارد که در میان بومیان منطقه به گنج‌خانه شهرت دارد. روستای ییلاقی سوباتان در غرب دره‌ی لیسار و در ۳۶ کیلومتری شمال غربی تالش و ۱۷ کیلومتری جنوب دریاچه‌ی نئور و در ارتفاع ۱۹۷۰ تا ۱۹۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

این روستا دارای جمعیت کمی است و ساکنان آن در اواخر تیرماه از روستاهایی چون قلعه‌بین در این مکان اقامت می‌کنند و در اواخر شهریور ماه به خانه‌های خود برمی‌گردند.

دیواره‌ی گنج‌خانه که با شیب تندی از لبه‌ی صخره به پایین هدایت می‌شود، دارای حفره‌هایی است که به درون کوه راه می‌یابد. از وضعیت ظاهری این حفره‌ها اثر خاصی مشاهده نمی‌شود. تنها حفره‌ی غربی دیواره‌ی صخره است که به درون کوه راه می‌یابد ولی به دلیل تاریکی فضای درون آن و هم‌چنین باریک بودن ورودی، شناخت ساختار درون غار امکان‌پذیر نیست. در شیب این صخره تعدادی قطعات سفال قرمز رنگ هم دیده می‌شود که عمدتاً متعلق به دوره‌ی اسلامی است. مردم بومی بر این اعتقادند که در دوره‌های دور، در درون غار گنجی بود. در طول زمان کسانی که به فکر دستبرد به آن برآمده‌اند، هر زمان که دست به گنج می‌زدند، در غار بسته می‌شد و همگی گرفتار می‌شدند اما به محض این که آن را بر جای خود می‌نهادند، در غار گشوده می‌شد، که بیشتر روایت‌های افسانه‌ای هستند (خلعتبری، ۱۳۸۴: ۳۰۲).



## شهرستان رضوان شهر

### غار شلاش

این غار در موقعیت جغرافیایی  $27^{\circ}27'23''$  عرض شمالی و  $48^{\circ}47'52''$  طول شرقی و در ارتفاع ۱۸۰۵ متری نسبت به سطح دریای آزاد در روستای فصلی هفت خونی در ۵۷ کیلومتری غرب شهرستان رضوان شهر قرار دارد. ورودی غار بسیار کوچک است و اولین بار توسط محمدعلی حسینی نسب مورد شناسایی قرار گرفت. آثار رسوبات در درون غار مشهود است. همچنین دخیل‌ها و پارچه‌های رنگی در درون غار آویخته شده است. در دهانه‌ی ورودی غار هنوز آثاری از پارچه‌های سبز که نشان‌دهنده‌ی اعتقادات مردم به غار است، دیده می‌شود. در داخل غار حفاری‌های غیرمجاز زیادی صورت گرفته است. این غار برای اهالی منطقه جنبه‌ی تقدس و زیارتی دارد.



نمایی از دهانه ورودی غار شلاش

## شهرستان ماسال

### غار آویشو (طولیترین غار گیلان)

این غار آهکی در منطقه‌ی کوهستانی آویشو در ۳۷ کیلومتری جنوب غربی منطقه‌ی شاندرمن شهرستان ماسال و در روستای سیاه‌مرد قرار دارد. برای بازدید از این غار از شهر شاندرمن به روستای سیاه‌مرد رفته و در کنار پُل چاله‌سرا مسیری خاکی را که از کنار بقعه‌ی درویش‌شاه امیر می‌گذرد، طی می‌کنیم. این جاده‌ی خاکی توسط شرکت بهره‌بردارِ سفارود احداث شده و تنها راه ماشین‌رو برای رسیدن به غار است. این غار چند سال قبل توسط افراد بومی منطقه مورد شناسایی قرار گرفت و با انتشار خبر آن، کم‌کم پای غارنوردان و طبیعت‌گردان ماجراجو به منطقه‌ی شاندرمن باز شد. آویشو یک واژه‌ی تالشی است و مفاهیم زیادی می‌توان برای آن قائل شد که جملگی آن‌ها حکایت از «ناپدید شدن آب» در دل این غار دارد.

پوشش گیاهی اطراف غار متنوع و متراکم است و جنگل‌های بزرگ و جوان راش بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. وجود پوشش جنگلی و کوهستانی و عوارض طبیعی منطقه، غار آویشو را زیستگاه مناسبی برای انواع گونه‌های جانوری کرده است. از طرفی تراکم نزدیک به صفر جمعیت انسانی در این منطقه و عدم وجود جاده‌ی مناسب، موجب برقراری آرامش در محدوده‌ی غار شده و شرایط زیست‌جامعه‌ی جانوری را مهیا کرده است. در پژوهش‌های اولیه مشخص شد که این غار به لحاظ ساختاری از غارهای منحصر به فرد کشور است که در دل سنگ‌های آهکی ایجاد شده و دارای دو دهانه‌ی بزرگ و کوچک است که هر دو دهانه در کنار هم قرار گرفته‌اند.

خوردگی دیواره‌های این غار حاصل جریان آب روی سنگ‌هاست که از قرن‌ها قبل شکل گرفته و در بعضی از قسمت‌ها، ستون‌های آهکی شگفت‌انگیزی را به وجود آورده است که ممکن است نمونه‌های آن در هیچ غار دیگری دیده نشود. در این غار، هفت آبشار و صدها قندیل وجود دارد که تماشای آن‌ها می‌تواند از بهترین تجربه‌های غارنوردی باشد. غار آویشو با شماره‌ی ۹۰ در فهرست آثار ملی طبیعی کشور به ثبت رسیده است (آرشیو میراث فرهنگی گیلان).



غار آویشو (عکس از: عباس میره‌جینی)

## شهرستان فومن

### غار تاوه لاس

غار تاریخی تاوه لاس در داخل صخره‌ی طبیعی در ضلع جنوب غربی دژ عظیم قلعه‌رودخان قرار دارد. راه دسترسی به آن از روستای سیم‌مزی و روستای قلعه‌دهنه به سمت ارتفاعات و پس از پشت سر گذاشتن جنگل‌های انبوه و یک راه بسیار دشوار است. رفتن به داخل غار بدون راهنمای محلی مشکل است. دهانه‌ی غار به سمت شمال است که از طریق ضلع شمالی مشرف به دژ عظیم قلعه‌رودخان است. در داخل غار داده‌های فرهنگی - تاریخی از قبیل سفال کشف شده که قابل مقایسه با سفالینه‌های قلعه‌رودخان است و به نظر می‌رسد ساکنان قلعه‌رودخان از این محل برای نگهداری برای حفاظت قلعه از راه دور استفاده می‌کرده‌اند.



نمای ورودی غار باستانی تاوه لاس فومن

### غار بوزخانه

غار بوزخانه یکی از غارهای زیبا و دیدنی از لحاظ گردشگری است که در ارتفاع ۲۵۰۰ متری در ارتفاعات کوه‌های تالش در شمال غربی شهر تاریخی ماسوله قرار دارد. در سمت شمال این غار کوه داش‌بلاغی قرار دارد و در شمال شرقی و سمت جنوبی آن را روستاهای جلال‌آباد و رکن‌آباد قرار گرفته و کوه بوزخانه از طرف غرب به ارتفاعات منتهی می‌شود.

برای دسترسی به این غار باید از طریق شهرستان فومن به سمت شهر تاریخی ماسوله و از آن‌جا با طی ۱۰ کیلومتر به منطقه‌ی زیبای کهنه‌ماسوله که مکان قدیمی ساکنین ماسوله‌ی فعلی بود، رفت. در طول این مسیر در ارتفاع ۱۲۰۰ متری «شیل و ماسه» دیده می‌شود که در اصطلاح فارسی به آن موج نشان می‌گویند. پس از آن با طی مسیری ۴-۳ ساعته و گذشتن از میان مراتع و سنگلاخ‌ها، به غار بوزخانه می‌رسیم. که دسترسی به این غار بدون داشتن تجهیزات کامل غارنوردی بسیار سخت و دشوار است (قریب و همکاران، [بی‌تا] گزارش اداری). در دهانه‌ی ورودی غار آثار هوازدگی فیزیکی و خرد شدن سنگ‌های ناشی از اقلیم یخبندان به صورت واریزه دیده می‌شود که گاه تا حدود ۱۵۰ متری پای رودخانه نیز گسترش یافته است.

این غار دارای دو ورودی یکی در ارتفاع ۲۵۰۰ و دیگری در ارتفاع ۲۵۲۵ متری است. ورودی دوم برای رفتن به داخل غار راحت‌تر است. دهانه‌ی ورودی غار حدود ۳۵ تا ۵۰ سانتی‌متر است. در طول مسیر ۱۰ الی ۱۵ متر را باید طی نمود تا به اولین دالان غار وارد شد. این دالان به طرف سمت چپ و راست ورودی پیدا می‌کند. رفتن به داخل دالان نیازمند لوازم مخصوص کوهنوردی است. اگر به مسیر مستقیم ادامه دهیم تالار همچون یک آمفی‌تئاتر در برابر ما قرار می‌گیرد که به دو سمت گسترش پیدا می‌کند (همان). ارتفاع این تالار از کف ۲۵ متر پوشیده از تخته سنگ با قطرات بسیار ریز آب به همراه سفیدی آهک و

منظره‌ی جالبی ایجاد کرده است. در سمت راست این تالار، دو دالان کوچک و بزرگ دیده می‌شود. دالان کوچک احتمالاً توسط انسان به شکل زیبایی در داخل سنگ حفر شده و به صورت استخر پر آب و مکان مناسبی برای استراحت در صورت عدم وجود آب است (همان: ۲۱). در سمت چپ تالار اصلی، دالان با ورودی بسیار باریک قرار دارد که دسترسی به این ورودی به صورت خزیدن یا سینه‌خیز ممکن است در داخل این دالان هر چه جلوتر برویم یخ‌ها بیشتر می‌شود و حرکت فقط روی یخ‌ها امکان‌پذیر است و مسیر همچنان ادامه دارد. غار بوزخانه یکی از غارهای طویل و زیبای شهرستان فومن است (همان).

### پناهگاه‌های صخره‌ای دشته گیله‌سر ماسوله

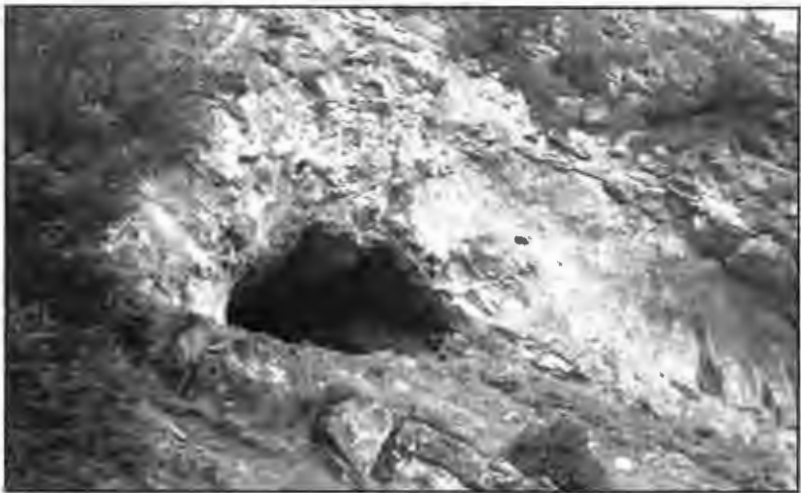
در ارتفاعات شهر تاریخی ماسوله بقایای ۳ پناهگاه صخره‌ای که احتمالاً دست‌کنده شده دیده می‌شود. این پناهگاه‌ها برای اولین بار توسط صابر سیونی معرفی شده است (صابر سیونی، [بی‌تا]: ۳۵).

این پناهگاه‌ها با فاصله‌ی کمی از هم‌دیگر قرار دارند. شکل و اضلاع پناهگاه به صورت هندسی کار شده است. و در ارتفاع ۱۹۹۵ متری نسبت به سطح دریای آزاد قرار دارد. در بررسی‌های صورت گرفته از داخل و بیرون پناهگاه آثار سفالی بسیار اندک مربوط به دامداران منطقه که از این پناهگاه‌ها در فصل سرما و بارندگی به عنوان سرپناه استفاده می‌نمایند، دیده می‌شود. شکل ساخت پناهگاه صخره‌ای تداعی‌گر آن است که این امر توسط مردمانی صورت گرفته که در ساخت و ساز در مناطق صخره‌ای تجربه داشته‌اند و می‌دانستند از این صخره‌ها چگونه برای خود سرپناه بسازند. بررسی‌های دقیق‌تر از این پناهگاه‌ها و محدوده‌ی اطراف آن می‌تواند، در تعیین قدمت و تاریخ ماسوله نقش موثری داشته باشد.

### پناهگاه صخره‌ای می‌کشان

در فاصله‌ی ۳۰۰ متری بالای محوطه‌ی تاریخی می‌کشان و در زیر پدیده‌ی طبیعی شمشیرزن و در فاصله‌ی ۴۰۰ متری کنار راه قدیمی مته‌خانی به دای لاسر، بقایایی از یک پناهگاه صخره‌ای دیده می‌شود که به نام پناهگاه صخره‌ای می‌کشان نامگذاری شده است. این پناهگاه در موقعیت جغرافیایی  $25^{\circ}10'49''$  طول شرقی و در  $37^{\circ}0'10''$  عرض شمالی و در ارتفاع ۱۹۴۹ متری نسبت به سطح دریا واقع شده است.

دهانه‌ی ورودی پناهگاه به سمت دره‌ی دای لاسر و محوطه‌ی می‌کشان است که عرض و ارتفاع آن زیاد نیست و در حال حاضر از پناهگاه به عنوان مکان برای نگهداری دام‌ها استفاده می‌شود. سطح پناهگاه پوشیده از فضولات دامی است که امکان جمع‌آوری داده‌های فرهنگی را غیرممکن می‌سازد.



دهانه‌ی پناهگاه صخره‌ای می‌کشان

### غار خون‌فوشه

این غار از نوع غارهای ریزشی است که در جنوب غربی روستای فوشه‌ی قلعه‌روخان از توابع قلعه‌رودخان قرار دارد. این غار دارای ۴ دهانه است و در ارتفاع ۹۳۰ متری از سطح دریا واقع شده است. در ابتدای ورودی غار یک شیب ملایم به سمت داخل غار وجود دارد. در این مسیر آثار هوازدگی فیزیکی و شیمیایی شامل خرد شدن سنگ‌ها و رنگ خاک قرمز به خوبی دیده می‌شود و بعد از حدود ۱۰ متر یک سنگ تخریبی در ورودی قرار گرفته که باید برای عبور از آن حدود یک متر به صورت سینه‌خیز وارد غار شد. در داخل غار چند دالان بزرگ در جهات مختلف وجود دارد که هر کدام به قسمت‌های دیگر دالان ارتباط دارد و دارای طول و عمق متفاوت‌اند. در برخی قسمت‌های غار سفال‌های شکسته دیده شده است. این غار به دلیل اینکه در منطقه‌ی جنگلی به خون (به زبان تالشی محل جاری شدن چشمه) قرار گرفته، در سال ۱۳۷۲ بعد از کشف به این نام خوانده شده است.



دهانه‌ی غار خون‌فوشه فومن (عکس از: حسین حاجت‌پور قلعه‌رودخانی)



## شهرستان رودبار

### غار چپک

روستای نوده فاراب از توابع دهستان کلیشم در بخش عمارلو، در نیمه‌ی شرقی شهرستان رودبار و در طول جغرافیایی  $38^{\circ}36'$  و عرض  $50^{\circ}3'$ ، در جنوب استان گیلان واقع است و غار چپک در فاصله‌ی  $2/5$  کیلومتری جنوب غرب این روستا قرار دارد. روستای نوده جزء دورافتاده‌ترین روستاهای شهرستان رودبار است که بعد از روستای انبوه در نزدیکی مرز استان قزوین واقع است. فاصله‌ی روستا تا مرکز بخش عمارلو (جیرنده) حدود  $39$  کیلومتر و مسیر دسترسی به آن از طریق جیرنده به انبوه و سپس نوده فاراب است. غار چپک که از سال‌ها پیش برای مردم محلی منطقه شناخته شده بود، در بررسی‌های سال  $1382$  توسط گروه مستند سازی سازمان میراث گیلان شناسایی و معرفی شد.

در مورد وجه تسمیه‌ی غار چپک در منابع مکتوب اطلاعاتی وجود ندارد اما بنا به گفته‌ی اهالی روستا، تلفظ صحیح چپک، چپک بوده که مخفف «چهل پله» است که شاید از مسیر سخت دسترسی به غار در سرراشینی دره حکایت دارد. دهانه‌ی غار رو به سمت جنوب و مشرف به دره‌ی آسیاب‌رو است. ارتفاع دهانه  $4/5$  متر و عرض آن  $910$  سانتی‌متر است و در جلوی آن یک سنگ بزرگ با شکلی نامنظم به ارتفاع  $4 \times 6$  متر قرار گرفته است. (فلاحیان،  $1384$ :  $206$ )

غار چپک جزء غارهای طبیعی است و در رده‌ی غارهای رودخانه‌ای طبقه‌بندی می‌شود که در اثر انحلال در مسیر نهر آب در دل سنگ‌های آهکی تشکیل شده و متعلق به گروه سنگ‌های رسوبی است.

محوطه ورودی غار یک راهرو مستطیل شکل است که در انتها، شکل هلالی به خود می‌گیرد. ارتفاع این راهرو در ابتداء  $4/5$  متر، عرض آن در قسمت ورودی  $910$  سانتی‌متر و عمق آن  $30$  متر است. در داخل غار چند راهرو و تالار با

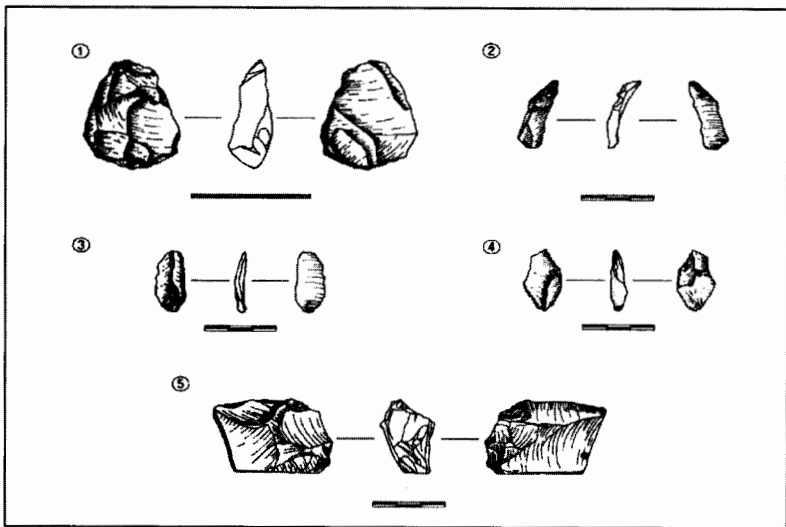
ارتفاع‌های مختلف وجود دارد. طول غار ۱۸/۸ متر، عرض آن از ۳ تا ۵/۹ متر و ارتفاع آن از ۴/۲ تا ۲/۷ متر است. غار رو به جنوب است و دهانه‌ی ورودی آن اندکی مرتفع‌تر از درون غار بوده و کف آن با رسوبات نسبتاً همواری پوشیده شده است. روبروی دهانه‌ی غار رودخانه قرار دارد و در سطح غار آثاری از سفالینه‌های عصر آهن مشاهده می‌شود. در داخل غار دهلیزی دیگر وجود دارد که از طریق راه باریکی به انتهای دهلیز جلویی مرتبط می‌شود. اطلاع از تاریخ دقیق غار نیازمند بررسی و مطالعات بیشتر است. در اطراف محوطه و جلوی دهانه‌ی غار، جدا از درخت‌های گردو و درختچه‌های خاردار، رویش گیاهی به نام «تادانه» دیده می‌شود.



دهانه‌ی غار چپک از نمای درونی

غار باستانی چپلک طی دوره‌های مختلف به عنوان مرکز تولید ابزار در منطقه بود. نشانه‌های بسیاری از سکونت قدیمی انسان در داخل این غار به چشم می‌خورد. مطالعه بر روی استخوان‌ها و مخصوصاً سفال‌های به دست آمده از درون غار - که اکثر آن‌ها در شکل‌های ساده و به صورت زمخت و با پخت ناقص است - این ادعا را تایید می‌کند. اولین بار این غار در سال ۱۳۸۷ با روش‌های هدفمند مورد پژوهش قرار گرفت و داده‌های فرهنگی - تاریخی از جمله سفال، سنگ، استخوان و... در داخل آن به دست آمد (chang & Jahani, 2010: 153).

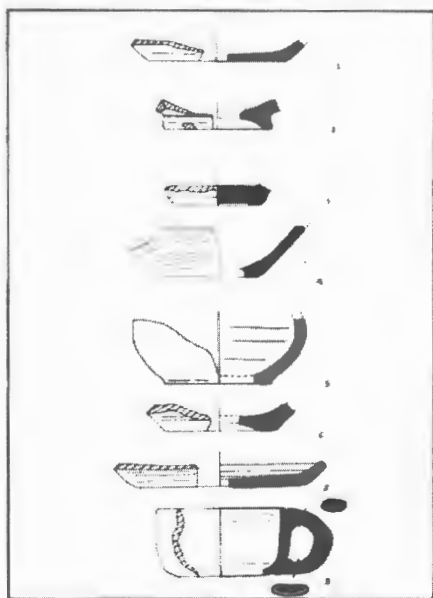
بیشترین گروه سفالینه‌های غار چپلک، به رنگ خاکستری تیره و روشن است که از نوع سفال‌های عصر آهن I و II است. این غار به عنوان یک اثر تاریخی مربوط به دوره‌ی نوسنگی در گیلان، به شماره‌ی ۱۲۸۲۳ در تاریخ ۸۴/۵/۱۸ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید.



نمونه‌ای از طرح‌های ابزار سنگی غارهای چپلک و مالحان



لایه‌نگاری در غار چپک



نمونه طرح‌های سفالینه در غار چپک

### غارهای دربند رشی (سی دشت)

در حدود ۲۵ کیلومتری شهر رستم‌آباد و در نزدیکی جاده‌ی دشت‌ویل به سی‌دشت، در فاصله‌ی یک کیلومتری تپه‌ی رشی و در دامنه‌ی پُرشیب کوهی که به دره‌ی دربند مشرف است، غارهای دربند دیده می‌شود. این غارها در ارتفاع ۷۳۹ تا ۷۴۶ متری نسبت به سطح دریا قرار دارند. دهانه‌ی غارهای دربند حدود

۱۵۰ متر بالاتر از کف دره و در دیواره‌ی صخره قرار دارند.

مسیر دسترسی به غارها از شهر توتکابن مرکز بخش رحمت‌آباد و بلوکات است که در نزدیکی اتوبان رشت- قزوین و در کمربندی شهر رستم‌آباد قرار گرفته است. این غارها بین روستاهای رشی و سی‌دشت، در بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار قرار دارند. قلعه‌ی مرتفع دُرفک در این منطقه واقع است. دره‌های عمیق و کم‌عرضی در دامنه‌های جنوبی کوه دُرفک وجود دارند که آب چشمه‌های دامنه‌ی کوه را به سیاه‌رود، از شاخه‌های شرقی سفیدرود هدایت می‌کنند. غارهای دربند در دیواره‌ی صخره‌ای یکی از این دره‌ها واقع شده که بیش از ۲۰۰ متر عمق دارد و دیواره‌های آن تقریباً عمودی است. این مکان در اصطلاح محلی غار بزرگ «کوهیل‌گر» با طول حدود ۶۰ متر و غار کوچک‌تر «جوکوهیلک» با طول تقریبی ۳۰ متر مربع است که دهانه‌ی هر دو به سمت جنوب است. کف هر دو غار رسوبی و در بخش‌هایی پوشیده از روانه سنگ و تراورتن است که نشانه‌ی نفوذ آب و وجود رطوبت در هر دو غار است (بیگلری، جهانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۱ و بیگلری و همکاران، ۱۳۸۶ و Biglari & jahani, 2011).

جاده‌ی دسترسی به منطقه از شهر توتکابن آغاز و از میان روستاهای سندس، انارکول، چله‌گاه، دشتویل، دفراز و پلنگ‌دره و روستای رشی عبور می‌کند و اندکی بالاتر از روستا و در حاشیه‌ی سمت راست جاده، مسیر پاخور منتهی به غار شروع می‌شود. این راه مشرف به دره‌ی دربند است و در شیب تند کوهستانی قرار دارد.

دهانه‌ی غار A<sup>۱</sup> در شیب تند کوهستانی و مشرف به دره‌ی دربند و در ارتفاع ۷۳۹ متری از سطح دریا قرار گرفته است و تقریباً ۱۱/۶ متر عرض و ۱۰ متر ارتفاع دارد. شکل ظاهری دهانه‌ی این غار، منظم و بیضوی شکل است. دیدن غار از فاصله‌ی دور، احساسی از شکوه و زیبایی در انسان برمی‌انگیزد و دیدن مناظر اطراف از درون غار و از میان این قاب بیضوی هم، تجربه‌ی بصری متفاوتی را به‌دست می‌دهد (همان).

دهانه‌ی غار B کوچک‌تر از غار A است و به فاصله‌ی ۱۰۰ متری و در امتداد آن قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۷۴۶ متر، عرض آن ۷/۵ متر و ارتفاع آن ۵ متر است. غارهای دربند جزء غارهای طبیعی است و در رده‌ی غارهای رودخانه‌ای طبقه‌بندی می‌شود که در اثر انحلال سنگ‌های آهکی تشکیل شده‌اند و از نظر ریخت‌شناسی جزء گروه غارهای افقی است. نکته‌ی جالب درباره‌ی این غارها ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. هرچند پذیرش این موضوع قدری مشکل است اما اهالی محل مدعی‌اند که بارها مشاهده کرده‌اند که حیوانات اهلی یا وحشی با ورود به یکی از غارها، از غار دیگر سر درآورده‌اند.

غارهای دربند مشرف به دره‌ی عمیقی است و رودخانه‌ای به نام پاچک که از کوه درفک سرچشمه می‌گیرد، در این دره جریان دارد. در قسمت پایین‌دست روستای رشی، جویبار کوچکی با نام محلی «بالاسال» دیده می‌شود که پس از طی مسافت اندکی، با رودخانه‌ی دربند یکی شده و در نهایت به رودخانه‌ی سیاهرود می‌ریزد که طی سالیان دراز با عمیق‌تر شدن دره و پایین افتادن سطح ایستایی رودخانه، دیگر آبی در این دو غار جریان ندارد (همان).

طی سال‌های اخیر مدارک باستان‌شناختی مهمی در گیلان به‌دست آمده که نشان می‌دهد گروه‌های انسان‌ریخت پارینه‌سنگی قدیم، حداقل از دوره‌ی پلیستوسن میانی در این منطقه حضور داشته‌اند (بیگلری و همکاران، ۱۳۸۶).

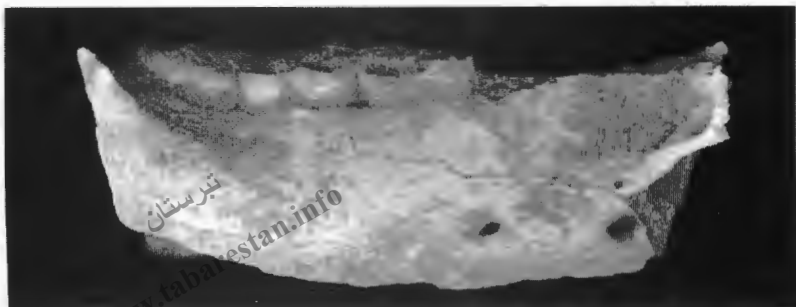
۱. غارهای دربند را در این متن A و B می‌نامیم.

جدیدترین این مدارک مربوط به غار دربند B است که در سال ۱۳۸۴ شناسایی شد. در بررسی غار دربند، مجموعه‌ای از مصنوعات سنگی و بقایای جانوری یافت شد که مطالعات اولیه نشان‌دهنده‌ی ارتباط این بقایا با دوره‌ی پلیستوسن میانی است که بیش از ۲۳۰۰۰۰ سال قدمت دارد. مجموعه‌ی کوچک دست‌ساخته‌های سنگی گردآوری شده شامل تراشه، ابزار ساخته‌شده از تراشه، ساطور، سنگ مادر و ضایعات تولید است که عمدتاً از سنگ چرت و شلمان کمتری سنگ‌های آذرین ساخته شده‌اند. علاوه بر مصنوعات سنگی، مجموعه‌ی قابل توجهی از بقایای جانوری هم به دست آمده است که اغلب مربوط به زیرگونه‌ای از خرس غار (*Speleartcos Deningeri*) است (بیگلری و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳).

احتمالاً دربند، نخستین غار حاوی بقایای استقرار پارینه‌سنگی قدیم است که در ایران شناسایی شده است. غار دربند نخستین بار به وسیله‌ی نگارنده و صابر سیبونی در تیر ماه ۱۳۸۴ شناسایی شد که طی آن بقایای تدفین انسان به همراه قطعات سفال عصر آهن و شماری بقایای استخوان جانوری گردآوری شد. پس از بررسی اولیه، در مرداد ۱۳۸۴ با شماره‌ی ۱۳۲۱۹ به ثبت آثار ملی کشور رسید. در دی ماه ۱۳۸۴ بیگلری، شیدرنگ و نگارنده، غار را بار دیگر بررسی کردند و حاصل آن جدا از مقداری بقایای جانوری، ۲۵ عدد مصنوعات سنگی شامل یک سنگ مادر ساطور شکل، تعدادی تراشه‌ی روتوش شده و شماری ضایعات تراش سنگ از سطح رسوبات باقی مانده از حفاران قاچاق گردآوری شد.

گمانه‌زنی غار دربند در اردیبهشت سال ۱۳۹۱ به مدت ۱۸ روز به سرپرستی دکتر بیگلری با معاونت نگارنده جهانی انجام شد. بررسی مواد باستان‌شناختی به دست آمده حاکی از وجود بقایای یک یا چند استقرار کوتاه‌مدت مربوط به اواخر پلیستوسن میانی در این غار است که از لحاظ فرهنگی احتمالاً مرتبط با فرهنگ آشولی است. غار دربند به‌عنوان نخستین و تنها غار شناخته‌شده با بقایای باستان‌شناختی دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم، فرصت منحصر به فردی را در اختیار

می‌گذارد که درباره‌ی این دوره‌ی تقریباً ناشناخته در ایران، اطلاعاتی جدید کسب کنیم (بیگلری، جهانی و همکاران: ۱۳۹۳: ۱۰۲ و (Biglari & jahani,2011)).



فکر خرس، مکشوفه در غار دربند رشی (Biglari & jahani,2012,13)



منظره‌ی عمومی از غارهای A و B دربند (Biglari & jahani,2012,12)





نمایی از دهانه‌ی ورودی غار B (بیگلری، جهانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۵)



نمونه‌ی شیء مکشوفه در غار رشی



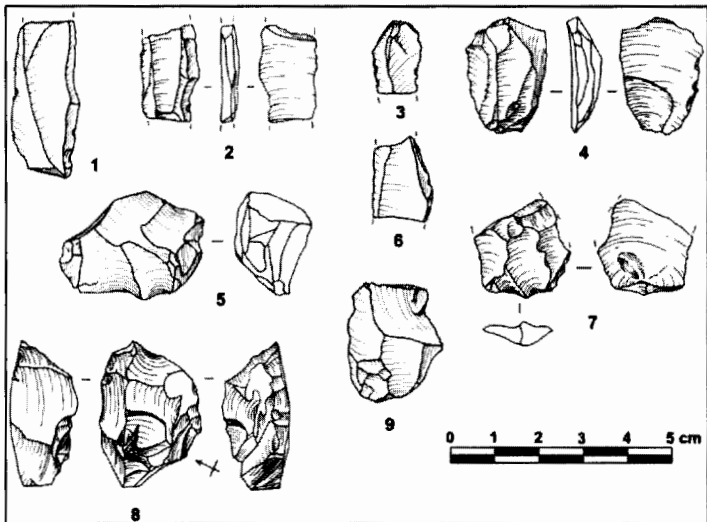
کاوش در غار دربند (عکس از: فریدون بیگلری)

### پناهگاه صخره‌ای خلوشت

این پناهگاه در ارتفاع ۱۱۳۷ متری نسبت به سطح آب‌های آزاد و در بالای جاده‌ی اصلی لوشان به جیرنده و در شیب صخره‌ای کوه، در روستایی به همین نام در بخش عمارلوی شهرستان رودبار قرار دارد. مسیر دسترسی به این پناهگاه بسیار ساده است و می‌توان از طریق جاده‌ی لوشان به جیرنده، بعد از گذر از کارخانه‌ی سیمان و معدن زغال‌سنگ و طی حدود ۲۳ کیلومتر، به این پناهگاه رسید. این پناهگاه در سال ۱۳۸۲ مورد بررسی قرار گرفت و به شماره ۱۱۷۴۶ به عنوان اولین مکان نوسنگی در گیلان در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. میزان شیب دامنه‌ی جلوی پناهگاه تند و جنس دامنه‌ی آن رسوبی - صخره‌ای و نوع پوشش گیاهی آن بوته‌ای با تراکم متوسط است. منابع آب نزدیک پناهگاه، رودخانه‌ی فصلی پایین‌دره است که از ضلع شرقی پناهگاه جریان دارد (فلاحیان، ۱۳۸۲).

دیواره‌ی پناهگاه حدود ۱۸۰ سانتی‌متر طول دارد و ارتفاع آن در منتهی‌الیه غربی ۲ متر است که به تدریج به سمت شرق افزایش می‌یابد و به حدود ۸ متر می‌رسد. تعدادی تخته‌سنگ که بزرگ‌ترین آن‌ها حدود ۵ متر طول دارد در دامنه‌ی غار پراکنده‌اند. احتمالاً شماری از این تخته‌سنگ‌ها بر اثر زلزله‌ی سال ۱۳۶۹ رودبار از دیواره‌ی صخره جدا شده است. اهالی روستای مجاور با استفاده از قطعات سنگ‌های موجود در اطراف، چندین آغل در نیمه‌ی غربی پناهگاه ساخته‌اند. دامنه‌ی صخره‌ای مقابل این آغل‌ها را لایه‌ای از فضولات دامی پوشانده است. در این بخش جز چند تکه سفال، چیز دیگری مشاهده نشد. نیمه‌ی شرقی پناهگاه از لحاظ بقایای باستان‌شناختی، غنی‌تر است. در نزدیکی انتهای شرقی دیواره‌ی پناهگاه، غار کوچکی به عمق ۵ و عرض ۱۰ متر وجود دارد که کف آن سنگی و بدون رسوبات است. ارتفاع دهانه‌ی غار ۲/۵ متر است که به تدریج کاهش می‌یابد و در انتهای غار به کمتر از یک متر می‌رسد. این غار کوچک حدود ۳۵ متر بالاتر از بستر مسیل واقع شده و دامنه‌ی مقابل آن حدود ۲۵ درجه شیب و ۶۰ متر طول دارد. بخش بالایی دامنه، صخره‌ای است و نیمه‌ی پایینی آن را رسوبات

پوشانده‌است (بیگری و عبدی، ۱۳۸۰: ۶۹). قطعات مختلف سفال به‌دست آمده در محل، اغلب پارتهی هستند که بر دامنه‌ی آن مشاهده می‌شود. اما مصنوعات سنگی فقط در یک محدوده‌ی کوچک ۵۰ متری از غار کوچک یافت شده است (همان). با توجه به ویژگی‌های پناهگاه و شمار اندک مصنوعات سنگی که اغلب وسیله‌ی تولید ابزارند، می‌توان احتمال داد که این مکان، پناهگاه موقت گروه‌های شکارچی - گردآورنده‌ای بوده که در مسیر حرکت خود از دره‌ی شاهرود به ارتفاعات بالاتر و بالعکس در این محل اتراق می‌کردند (همان). موقعیت آفتابگیر پناهگاه، وجود یک چشمه در نزدیکی آن و وجود منابع سنگ مناسب برای ابزارسازی، از امتیازاتی است که می‌توانسته باعث جلب گروه‌های شکارچی به این محل شود. این گروه‌ها احتمالاً طی اطراق‌های کوتاه‌مدت، از منابع سنگی اطراف برای ساخت ابزار استفاده می‌کردند و پس از ترک پناهگاه، ابزارهای تولیدشده را با خود می‌بردند. ضایعات بجا مانده از تولید ابزار، به همراه سایر بقایای احتمالی، مثل قطعات استخوانی، بر اثر فرسایش به پایین دامنه انتقال یافته و در زیر رسوبات جدیدتر مدفون شده است (همان: ۷۱).



طراحی ابزار سنگی پناهگاه خلوشت (بیگری و عبدی، ۱۳۸۰)



دو تصویر از پناهگاه صخره‌ای خلوشت (عکس از: یوسف فلاحیان)

### غارهای مالحان

این غارها در فاصله‌ی ۳۵ کیلومتری بخش رستم‌آباد و در ارتفاع ۸۱۰ متری از سطح آب‌های آزاد بر روی شیب یک صخره قرار دارند. مختصات جغرافیایی غار نخست (A)  $36^{\circ}48'50''$  عرض شمالی و  $49^{\circ}40'31''$  طول شرقی، طول آن  $12/7$  متر و عرض آن بین  $9/6$  تا  $5/8$  متر متغیر است و بالاترین عمق آن  $4/9$  متر و کمترین عمق آن  $3/3$  متر است. دهانه‌ی ورودی غار به سمت جنوب است و رودخانه‌ی مالحان درست روبه‌روی دهانه‌ی غار قرار دارد. کف غار با رسوبات نسبتاً هموار پوشیده شده است و افراد محلی برای نگهداری اجسام خود معمولاً دهانه‌ی ورودی غار را با قلوه‌سنگ‌های کوهی حصار می‌کنند، (Biglari and Jahan, 2011: 24). در کف غار تکه‌سنگ‌های بسیار بزرگی وجود دارد که احتمالاً در اثر زلزله‌ی سال ۱۳۶۹ از سقف غار جدا شده‌اند.



منظره‌ی کلی از غارهای باستانی مالحان

در بررسی‌های مجددی که توسط هیئت ایران - کره در این غار انجام شده، تعداد مصنوعات سنگی و استخوان حیوانی و سفالینه‌های مربوط به ادوار مختلف به دست آمد. مصنوعات سنگی اکثراً تراشه، خراشنده انتهایی، تیغه، ریزتیغه و اسکنه است که با توجه به کشف این مصنوعات، می‌توان این محوطه را به دوره‌ی پارینه سنگی متسبب دانست (وحدتی نسب، ۱۳۸۱: ۱۹).

غار دوم (B) در مختصات جغرافیایی  $36^{\circ}52'19.0''$  عرض شمالی و  $49^{\circ}26'45.0''$  شرقی قرار دارد. این غار نخستین بار در سال ۱۳۸۷ توسط نگارنده مورد شناسایی قرار گرفت و سپس توسط هیئت مشترک ایران - کره در سال ۲۰۰۷ م. بررسی مجدد شد. بستر غار مذکور، سنگی است و رفتن به داخل آن کمی دشوار است. این غار جزء غارهای طبیعی است و آثار سکونت در داخل آن مشاهده نشد.



نمایی از دهانه‌ی ورودی غار مالحان B



تصویری از نمای ورودی غار مالحان B



تصویری از ورودی غار مالحان A، پوشیده از گیاهان هرز

## غار اسپهبدان

روستای سرسبز و مرتفع اسپهبدان از روستاهای رودبار است که در دامنه‌ی غاری به همین نام قرار گرفته است. دکتر محمد معین اسپهبدان را از خاندان اشکانی دانسته است. این غار در فاصله‌ی ۱۰۰۰ متری غرب روستای اسپهبدان، ۱/۶ کیلومتری روستای شاه‌شهیدان، ۲۷ کیلومتری مرکز بخش بره‌سر و ۶۲ کیلومتری رودبار واقع است. مختصات جغرافیایی آن  $36^{\circ}53'516''$  عرض شمالی و  $219^{\circ}46'49''$  طول شرقی است و در ارتفاع ۱۸۹۳ نسبت به سطح دریا قرار دارد.

غار اسپهبدان در قسمت زیرین جنوب یک کوه حفره‌ای قرار گرفته است و برای دسترسی به آن از روستای اسپهبدان باید حدوداً یک کیلومتری پیاده‌روی کرد. مسیر دسترسی در بعضی نقاط به علت ریزش سنگ‌های بزرگ و کوچک، سنگلاخی و صعب‌العبور است و باید شیب تپه را به سمت شمال غرب طی کرد. در اطراف غار و مسیر دسترسی به آن، درختان آزاد و بوته‌های کم‌ارتفاع خاردار، پوشش گیاهی منطقه را تشکیل داده است. این غار یک دهانه‌ی بزرگ و یک دهانه‌ی کوچک دارد. فاصله‌ی این دو دهانه به حدود ۴۰ متر می‌رسد. دهانه‌ی اصلی غار ۸/۷۰ تا ۹ متر عرض دارد و ارتفاع دهانه‌ی بیرونی به حدود ۱۵ متر یا بیشتر می‌رسد. ارتفاع داخل غار ۱۳ متر است. دهانه‌ی کوچک‌تر در یک شکاف سنگی قرار دارد و حدوداً ۳ متر از زمین‌های اطراف بلندتر است. طول غار از دهانه تا آخر غار ۲۴ متر و عرض غار در انتهای آن ۹/۷ متر است. اختلاف سطح قسمت دهانه تا آخر غار ۶/۲۰ سانتی‌متر است. در انتهای سمت شرقی غار یک مسیر شکاف‌مانند دیده می‌شود که با دسترسی به ارتفاع ۷ تا ۸ متری، از یک راه تنگ و تاریک به سوی جلو ادامه می‌یابد. گویا قبلاً عده‌ای غارنورد با گذاشتن نخ در طول مسیر، راه را مشخص کرده‌اند. از این قسمت غار آثار استخوان و سفال پیدا شده است. هم‌چنین در کف غار، تکه‌سفال‌هایی به دست آمده است. کف غار به علت نگه‌داری گوسفندان مملو از فضولات آنان است و برای مشخص کردن



کف اصلی نیاز به خاکبرداری است و مسیری هم در قسمت انتهای غربی غار وجود دارد که طی کردن آن نیاز به تجهیزات کافی دارد. سفال‌های شکسته‌ی چندی در کف غار به دست آمد که بیشتر آن‌ها چرخ‌ساز و نمونه‌هایی هم دست‌ساز است. این سفال‌ها مربوط به عصر تاریخی است.



نمایی از دهانه‌ی غار اسپهبدان

### پناهگاه اسپهبدان

یکی دیگر از آثار تاریخی روستای اسپهبدان، پناهگاهی سنگی مربوط به دوره‌ی آهن است. این پناهگاه در ۲۲ کیلومتری شهر برسر و ۶۲ کیلومتری رستم‌آباد و در ارتفاعات قرار دارد. مختصات آن  $36^{\circ}52'47''$  عرض شمالی و  $49^{\circ}46'16''$  طول شرقی است و در ارتفاع ۱۹۰۷ متری نسبت به سطح دریا قرار دارد. طول پناهگاه  $1/5$  و عرض آن  $13/2$  و ارتفاع آن ۳ متر است. داخل پناهگاه چند قطعه سفال کشف شده که نشانگر استفاده از آن توسط مردم - به‌ویژه چوپانان - در دوره‌ی اسلامی است.



نمایی از دهانه‌ی ورودی پناهگاه اسپهبدان

### غار دیورش

روستای دیورش در شمال شرق روستای شیرکوه قرار دارد و فاصله‌ی آن تا شیرکوه ۴ کیلومتر و تا توتکابن مرکز بخش رحمت‌آباد و بلوکات به حدود ۸ کیلومتر می‌رسد. ارتفاعات بلند زمین در حد فاصل این روستا و روستای شیرکوه جای گرفته و آن‌ها را از هم جدا ساخته است. روستای دیورش در دو طرف رودخانه‌ی دیورش قرار گرفته و این رود مسیری از شرق به غرب را طی کرده و با گذر از روستای خرشک، به سفیدرود می‌پیوندد. رودخانه‌ی دیورش از ارتفاعات کوه درفک سرچشمه گرفته و یکی از سرچشمه‌های آن از داخل غاری است که به فاصله ۲/۵ کیلومتری شرق روستای دیورش جای گرفته است. با توجه به زلالی آب این رودخانه، چند استخر پرورش ماهی‌های سردابی و به‌ویژه قزل‌آلا در کنار آن ساخته شده است. دسترسی به این غار با گذر از راه باریکی به سمت شرق میسر است. این راه در فصل پائیز و زمستان بسیار صعب‌العبور است. دهانه‌ی بزرگ غار حدوداً ۱۲ متر ارتفاع و ۷ متر عرض دارد و تنها در فصل بهار و برای مدتی کوتاه، جریان پرفشار آب از داخل آن به بیرون می‌زند.

در هنگام بررسی گروه در فصل تابستان، آب غار خشکیده بود و در داخل غار غیر از سنگ‌های حجیم فروافتاده در کف آن، چیزی مشاهده نشد. در سطحی بالاتر از دهانه‌ی اصلی و در شمال آن، راه باریکی قرار دارد که به دهانه‌ای کوچک‌تر می‌رسد. این دهانه با رویش گیاهان و یک درخت انجیر تقریباً مستور مانده است. با بررسی در کف غار، سفال‌های چندی به‌دست آمد که دارای خمیره‌ی قرمز و سطوح لعاب‌دار آبی‌رنگ بودند و به نظر می‌رسد مربوط به دوره‌ی اسلامی است. متأسفانه در این محوطه هم آثار تخریب حفاران غیرمجاز، به‌صورت چاله‌های متعدد نمایان بود.



غار دیورش (عکس از: محسن آرمون)

### پناهگاه صخره‌ای تاج دربند

این پناهگاه به فاصله‌ی ۱۰۰ متری پایین مسیر آسفالته و راه ارتباطی طالکوه و در دامنه‌ی پرشیب و مشرف به پرتگاه دره‌ی دربند جای دارد. فاصله‌ی آن تا روستای طالکوه ۲ کیلومتر و تا دشت ویل ۲۵ کیلومتر و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۲۹ متر است. راه دسترسی به این پناهگاه از مسیر آسفالته در جهت جنوب و جنوب شرق است و برای رسیدن به پناهگاه، علی‌رغم مسافت کم، مسیر پُرخطری را باید پیمود. دهانه‌ی این پناهگاه در قسمت جنوبی تپه‌ای قرار دارد و باید راهی باریک را طی کرد تا بتوان به پناهگاه رسید. دهانه‌ی این پناهگاه ۱۵ متر و عمق آن از دهانه تا دیوارهای انتهایی حدود ۶ متر و ارتفاع آن در مرتفع‌ترین قسمت ۵ متر است. منافذ کوچکی در بالای پناهگاه و در سقف آن مشاهده می‌شود. در طول زمان، رسوباتی از سقف پناهگاه به‌صورت استالاگمیت و در کف و دیوارهای جانبی به‌صورت برآمدگی‌هایی از نوع سنگ مرمریت به‌جا مانده است. خاک کف پناهگاه بسیار نرم است و در اطراف و مسیر دسترسی به پناهگاه، سفال‌های اندکی می‌توان یافت. در طول دره‌ی دربند، چندین پناهگاه از این دست می‌توان یافت که دسترسی به بعضی از آن‌ها نیازمند تجهیزات صخره‌نوردی و غارنوردی است.

### پناهگاه صخره‌ای ذکابر

این پناهگاه به صورت چهار فرورفتگی در ضلع جنوبی رشته‌کوه مشرف به رودخانه‌ی ذکابر و در ارتفاع ۸۱۵ متر نسبت به سطح آب دریاهاى آزاد واقع شده است. در محدوده‌ی اطراف پناهگاه درختچه‌های انار وحشی مشاهده می‌شود. این پناهگاه به‌صورت نیم‌دایره و در یک محدوده‌ی حدوداً ۸۰ سانتی‌متری و به فاصله‌ی ۱۰ الی ۲۰ متر جدا از هم واقع است.

با بررسی‌های صورت گرفته، ابزار سنگی و یا ابزار استخوانی مربوط به دوره‌های پیش از تاریخ از داخل پناهگاه کشف نشد. اما به احتمال زیاد در صورت انجام حفاری‌های باستان‌شناسی، می‌توان در لایه‌های زیرین به ابزار آلتی مربوط به

دوره‌ی سنگ در این پناهگاه دست یافت. این پناهگاه ارزشمند در سال ۱۳۸۲ با شماره‌ی ۹۳۹۵ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

### غار درفک (نوچا، توچال)

غار یخی درفک در بخش جنوب غربی کاسه قله‌ی درفک، در شمال شرقی شهرستان رودبار واقع شده است. این قله در منتهی‌الیه ناحیه‌ی کوهستانی البرز غربی و در نزدیکی مرزهای کوهستانی کوه‌های گیلان قرار دارد و از شمال توسط یک دیواره‌ی عظیم آهکی به منطقه‌ی جنگلی سیاهکل و دیلمان، از جنوب به منطقه‌ی جیرنده، از شرق به دیلمان و از غرب به دره‌ی رودخانه‌ی سفیدرود محدود می‌شود. این غار در قسمت غربی درفک و در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی رشت و در بخش خورگام رودبار واقع است و به‌عنوان یخچال طبیعی در تمام سال، برف را در داخل خود نگه داشته و منبع تامین آب چوپانان منطقه در تابستان است.

سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی درباره‌ی غار درفک می‌نویسد: «در دهکده‌ی تابستانی درفک می‌توانید با بی‌نظیرترین زندگی در ایران و در یکی از خوش‌آب‌وهواترین ارتفاعات گیلان آشنا شوید. مردمی که سادگی و زندگی شبانی آنان با کوچ‌های فصلی و دسته‌جمعی و تلاش تمام اعضای خانواده توأم است و هر کس از طبیعت آن اندازه می‌داند و می‌تواند می‌گیرد و زندگی را برپایه‌ی داده‌های طبیعی می‌سازد» (میرابوالقاسمی، ۱۳۶۹: ۱۰۰-۹۸).

درفک دارای یخچال طبیعی و غاری دیدنی است. یخچال طبیعی آن در جنوب غربی و غار در بخش شمالی بلندی‌های آن قرار دارد. جایی که کوهنوردان اصطلاحاً آن را «کاسه‌ی درفک» می‌نامند. داستان‌ها و افسانه‌های زیادی در میان ساکنان روستاهای اطراف درباره‌ی غار درفک که به غار «نوچا» معروف است، شنیده می‌شود.

طول غار حدود ۱۰۰ متر و عرض آن ۴ متر است. نام قله‌ی درفک به روایتی

دال‌فک (ڈلفک) است. در گویش دیلمی، دال نام پرنده‌ای از خانواده‌ی عقاب و فک به معنی آشیانه است. ورودی دهانه‌ی غار عریض است و از دهانه تا کف آن شیب ملایمی پوشیده از یخ وجود دارد که به رودخانه‌ای که در کف غار جریان دارد، منتهی می‌شود. این رودخانه از ذوب یخ ایجاد شده و به چاله‌ای منتهی می‌شود. بنابر روایت بومیان منطقه، پیش از زلزله‌ی سال ۱۳۶۹ در انتهای غار راهی وجود داشت که آن را به دالانی بزرگ در پایین غار متصل می‌کرد. این غار در تمام فصول سال پوشیده از یخ و برف است و بزرگ‌ترین یخچال طبیعی استان گیلان است و در رده‌ی غارهای یخی دایمی طبقه‌بندی می‌شود. غار درفک به غار توچال هم مشهور است و آب قابل شرب دام و دامداران را تأمین می‌کند. قسمت اعظم غار از توده‌های آهکی است و ستون کف آن از استلاگمیت و ستون سقف غار از استلاکتیت پوشیده شده است. در قسمت جنوب غربی درفک، یخچال دیگری وجود دارد که چندان بزرگ نیست و بیشتر شبیه چاهی است که یک طرف آن دارای شیب ملایم و طرف دیگر آن پرتگاهی است. منوچهر ستوده درباره‌ی غارهای درفک می‌نویسد: «کوه درفک در جنوب شرقی رشت و در ۲۶۰ درجه جنوب غربی اسپیلی و ۲۹۰ درجه از قله فیروزکوه است. ارتفاع آن ۲۴۰۰ تا ۳۰۰۰ متر است و در آنجا دو غار است. در یکی از آن‌ها یخ و در دیگری جانوران و آدمیان سنگ شده دیده می‌شود (ستوده، ۱۳۴۸: ۴۳).

«مکنزی» که در سال ۱۲۷۶ ق (۱۸۵۹م) این دو غار را دیده است، می‌نویسد: «در یکی از این غارها که نزدیک قله است، یخ بلوری فراوان بود و در دومی چیزی جز استلاگمیت فراوانی نبود که مردمان خوش‌باور رحمت‌آباد گمان می‌کردند این‌ها مجموعه‌های آدمیان و جانوران است» (رایینو: ۲۸۲). دهانه‌ی غار در سمت جنوب غربی کاسه‌ی درفک، زیر یک صخره‌ی بلند رو به سمت شمال شرق واقع شده است. ارتفاع ورودی آن ۲۴۲۵ متر و پوشیده از برف است. طول این دهانه حدود ۱۰۰ و عرض آن ۶۰ متر است.

کاسه‌ی درفک که غار درفک در آن واقع شده، بسیار گسترده است و در

مرکز آن برکه‌ی آبی از بارش باران و برف جمع شده است و حدود ۱۵ کلبه‌ی سنگی قدیمی و ۵ کلبه‌ی فلزی جدید و چند حوضچه‌ی آبشخور دام در آن به چشم می‌خورد. در سمت شمال کاسه، پرتگاهی عمیق به ارتفاع ۵۰۰ متر با صخره‌های آهکی وجود دارد. سمت شمال‌غرب و شمال‌شرق کاسه، دو قلعه‌ی فرعی دیگر دیده می‌شود. قلعه‌ی اصلی به ارتفاع ۲۷۳۰ متر در سمت جنوب‌شرق کاسه قرار دارد.

غار دارای یک ساختار ساده‌ی افقی به طول حدود ۳۰ متر است که ورود به آن با یک شیب تند سنگی میسر می‌شود. برای ورود به غار، استفاده از نور مصنوعی ضروری است. با توجه به وجود یخ‌های درون غار، هوای آن بسیار مرطوب و سرد است.



نمایی از داخل غار درفک

### غارهای عمودی درفک

در سال ۱۳۸۹، گروه کوهنوردی فراز رشت به سرپرستی دکتر مسعود حمیدی پس از اطلاع از وجود تعدادی دهانه در بلندی‌های درفک، که تا آن تاریخ مورد کاوش و پیمایش قرار نگرفته بود، طی دو برنامه‌ی مجزاً برای بازدید و جستجو به همراه تعدادی از غارنوردان گروه، اقدام به بررسی کاوش در این غارها کردند که در نتیجه‌ی آن، غارهایی که با نام‌های غار سیاه (سیاه‌کرنی)، غار کبوتر، غار اسب (اسب‌کرنی)، غار لار و غار اشتنیف (اشتربرزه) نامیده می‌شدند، معرفی شدند (حمیدی، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۷).



دهانه‌ی ورودی غار درفک

### غار چشمه‌باد (یلی بولاغی)

غار چشمه‌باد یکی از زیباترین و قشنگ‌ترین غارهای باستانی گیلان است که در دامنه‌ی رشته کوه آسمان‌سرا واقع شده است. دسترسی به غار از چند طریق امکان‌پذیر است ولی راحت‌ترین آن از طریق شهر منجیل به سمت روستای تاریخی هرزویل است. برای رسیدن به غار باید از هرزویل و از طریق منطقه‌ی



کوهستانی آبدرده و از کنار سایت نیروگاه بادی هرزویل عبور کرد و راه را به سمت منطقه‌ی بیلاقی هرزویل ادامه داد تا به دهانه‌ی ورودی غار رسید. این غار در مختصات جغرافیایی  $36^{\circ}46'52''/1^{\circ}$  عرض شمالی و  $49^{\circ}29'10''/3^{\circ}$  طول شرقی و در ارتفاع ۱۴۰۰ متری نسبت به سطح دریا قرار دارد. وجه تسمیه‌ی غار برگرفته از دو جریان طبیعی وزش باد و جریان آب است و بادی که در منطقه می‌وزد و رودخانه‌ی که در داخل این غار جریان دارد، به این نام خوانده می‌شود.

دهانه‌ی غار به صورت هندسی نامنظم است و دور تا دور آن با تخته‌سنگ‌های بزرگ محصور شده و از نمای درونی بیشتر به شکل نیم‌دایره نزدیک است. در فصول سرد سال، قندیل‌های یخ در محل ورودی غار مشاهده می‌شود. پوشش گیاهی اطراف دهانه‌ی غار را درختان جنگلی تشکیل می‌دهند.

این غار در ردیف غارهای طبیعی و رودخانه‌ای قلمداد می‌شود که در اثر انحلال در مسیر نهر آب در دل سنگ‌ها تشکیل شده است. در داخل غار اشکال رنگارنگ زیبایی دیده می‌شود که از رسوبات شیمیایی و آواری با انواع نهشته‌های آهکی با رنگ‌های زیبا پدید آمده است. این اشکال به صورت استالاکتیت، استالاگمیت، ستون، پرده‌ی رسوبی، حوضچه‌ی رسوبی، رسوبات دیواری، رسوبات زمینی صخره، رسوبات جداشونده شکسته، رسوبات گل کلمی و... جلوه‌نمایی می‌کند.

بررسی‌های پژوهشگران نشان داده است که غار مذکور فاقد هرگونه مستندات باستان‌شناسی است و از این رو به عنوان غار طبیعی قلمداد می‌شود. اکنون هیچ اثری از سکونت انسانی در این غار یافت نشده است و با توجه به جریان آب درون آن، این غار طبیعی و فاقد سابقه‌ی باستان‌شناختی است.



دهانه‌ی غار چشمه باد از نمای بیرونی (عکس از: آرش سعیدیان)



انواع اشکال رسوبی غار چشمه باد (عکس از: آرش سعیدیان)

### غار بابو

غار بابو، در بخش رحمت‌آباد بلوکات شهرستان رودبار، در روستای سی‌دشت و در ارتفاع ۷۷۴ متری نسبت به سطح آب دریا‌های آزاد قرار دارد. برای دسترسی به آن باید از طریق بخش رحمت‌آباد و بلوکات و پس از پشت سر گذاشتن چندین روستا، به روستای سی‌دشت رفت و از روستای سی‌دشت با پای پیاده به مدت یک ساعت از داخل جنگل و پس از آن از سنگلاخ‌ها عبور کرد تا به غار رسید. این غار در سال ۱۳۸۵ توسط کارشناسان پایگاه حفاظتی منطقه‌ی جیرنده، به سرپرستی صابر سیبونی مورد شناسایی قرار گرفت. سپس در تابستان ۱۳۸۶ مجدداً توسط هیئت مشترک ایران - کره بازدید و بررسی شد. حداکثر ژرفای این غار ۱۴ متر و حداکثر پهنای آن ۴ متر است. در بررسی‌های اولیه داده‌های سطحی فرهنگی از جمله قطعات سفال، احتمال وجود لایه‌های فرهنگی را در این غار تأیید می‌کند.

### غار آبدر

این غار در بخش رحمت‌آباد بلوکات شهرستان رودبار و در جنوب شرق روستای سی‌دشت و در محدوده‌ی کناره‌ی دره‌ی دربند واقع شده است. ارتفاع غار نسبت به سطح دریا ۷۹۶ متر و راه دسترسی به این غار همانند راه‌های دسترسی غارهای دیگر دربند است. این غار برای اولین بار توسط هیئت مشترک ایران - کره مورد شناسایی قرار گرفت. حداکثر پهنای این غار ۱۲/۵ متر است. داخل غار بقایایی از سفالینه‌های مربوط به دوران احتمالاً تاریخی کشف شده است.

### غار ولی‌گورد

این غار در اراضی جنوبی روستایی به همین نام و در ارتفاع ۱۰۱۰ متری نسبت به آب سطح دریا‌های آزاد و در یک منطقه‌ی کوهستانی واقع شده است. غار ولی‌گورد از سمت شمال به اراضی روستا محدود می‌شود و دامنه‌ی جنوبی غار

جزء استان قزوین است. دهانه‌ی ورودی غار دارای عرض ۱/۵ متر و ارتفاع ۱ متر است. بعد از ورود به غار، یک اتاقکِ نامنظم به ابعاد ۲ الی ۳ متر قابل مشاهده است که در قسمت‌هایی از آن آوار قلوه‌سنگ‌های زیادی، که به گفته‌ی راهنماهای محلی، ناشی از وقوع زلزله ۱۳۶۹ است، دیده می‌شود. این قلوه‌سنگ‌ها تا حدودی جلوی معبر دوم تالار بزرگ را مسدود کرده است. معبر دوم سوراخی تقریباً مدور به قطر حداکثر ۶۰ سانتی‌متر است که عبور از آن تنها به صورت درازکش و با تابش نور مصنوعی امکان‌پذیر است (فلاحیان، ۱۳۸۲: ۱۴۸).



نمایی از داخل غار ولی‌گورد (عکس از: یوسف فلاحیان)

در بعضی از قسمت‌های غار، دو برجستگی به صورت مدور به قطر ۸ سانتی‌متر و با ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر دیده می‌شود. بنا به روایت عامیانه‌ی محلی، این برجستگی مربوط به مجسمه‌ی زن و مردِ نشسته است. شواهد حاکی از آن است که این دو برآمدگی طبیعی بوده و صرفاً شکل آن به گونه‌ای است که یک زن و

مرد نشسته را در ذهن تداعی می‌کند. غار ولی‌گورد در دوره‌های مختلف دستخوش تغییرات محیطی و طبیعی شده است (همان).<sup>۱</sup>

۱. کمتر غارهایی در ایران - و گیلان - وجود دارد که مردمان منطقه در مورد آنها قصه‌ها و افسانه‌هایی را بازگو نکنند. تاریکی مطلق و ترس انسان از به داخل شدن به آن‌ها، سبب شده این‌گونه افسانه‌ها در میان روستائیان شکل بگیرد. این افسانه‌ها به صورت سینه به سینه نقل شده است، به نحوی که امروزه هم در بیشتر مناطقی که غاری در آن هست، این‌گونه افسانه‌ها رواج دارد. و از جمله‌ی این افسانه می‌توان به وجود قبور سلاطین و خزانه‌های بسیار در داخل غارها اشاره کرد. این شایعات موجب شده در داخل اکثر غارها حفاری‌هایی غیرمجاز فراوانی صورت گیرد که موجب تخریب آثار سکونت در داخل غارها شده است. نمونه‌هایی از این خرافات را در مورد غارهای باستانی گیلان هم شاهد هستیم، از جمله دربارهی غار ولی‌گورد رودبار.

این غار در بین مردم روستا از تقدس و احترام ویژه‌ای برخوردار است و حکایت‌های افسانه‌ای زیادی راجع به آن به صورت سینه به سینه نقل می‌شود. یکی از این روایت‌ها در مورد تقدس و علت نام‌گذاری غار مذکور چنین است:

در زمان‌های بسیار دور، در دهکده‌ی تاریخی ولی‌گورد چوپانی ساده‌لوح و پاکدامن به‌نام «ولی» زندگی می‌کرد. روزی از روزها که او مثل همیشه گله‌ی خود را به بیابان می‌برد، در اطراف غار موردنظر بزغاله‌ای از گله جدا شد و در روزنه‌ای سنگی فرو رفت. ولی برای بازگرداندن بزغاله در پی او به درون غار رفت و دیگر بیرون نیامد. گله بدون چوپان وارد آبادی شد و مردم روستا همه جا به دنبال چوپان گشتند تا سرانجام از پیدا کردن او ناامید شدند. پس از گذشت ۷ سال، در جایی از کوهستان‌های انگول، که یک یخچال طبیعی هم در آن وجود دارد، چوپان گمشده از داخل کوه بیرون آمد و اهالی روستا با دیدن او وحشت‌زده شدند. چوپان گفت: من ولی هستم، چوپان شما. اما مردم روستا باور نمی‌کردند. او دوباره فریاد زد: ای مردم روستا، چطور شما مرا نمی‌شناسید و از من گریزان هستید. من بیش از ۳ ساعت نیست که از پیش شما رفته‌ام. سرانجام با صحبت‌هایی که بین آن‌ها ردوبدل شد، مردم او را شناخته و او را در آغوش گرفتند و به همراه او به جستجوی مکانی که چوپان به دنبال بزغاله به درون آن رفته بود، رفتند. مردم روستا با دیدن غار متعجب شدند و از آن زمان به بعد آن‌را غار ولی‌گورد نامیدند و این غار برای آن‌ها جنبه‌ی تقدس پیدا کرد (فلاحیان، ۱۳۸۶ صص ۱۴۲-۱۴۱).

### غار اسکابن

این غار در روستای پاکده بخش عمارلوی شهرستان رودبار و مشرف به دره‌ی جنوب آن قرار دارد. فاصله‌ی روستای پاکده تا شهر جیرنده، مرکز بخش عمارلو، حدود ۹ کیلومتر است. مسیر دسترسی به غار از طریق جاده‌ی لوشان به جیرنده است.

در بررسی‌های اولیه، قطعات سفال دوران تاریخی و بقایای استخوان حیوانی در این غار مشاهده شد. جنس آن از خاک رُس و سنگ‌های ریز و درشت رودخانه‌ای است. نکته‌ی جالب دیگر آن‌که بقایای استخوانی مربوط به دوره‌های گذشته در دیواره‌ی غار به خوبی هویدا است. نمونه‌های سطحی نشان از استفاده از غار در دوران تاریخی دارد، اما اظهار نظر قطعی در این باره مشروط به انجام مطالعات دقیق‌تر باستان‌شناختی است. وجود ابزارآلات مذکور و سفال‌های دوران تاریخی و هم‌چنین وضعیت قرار گرفتن دهانه‌ی غار و کوبندگی خاک کف آن‌ها و وجود علائم برافروختن آتش در داخل آن‌ها و... جملگی دلایلی مبنی بر استقرار و استفاده بشر از این غار در دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی است. اظهار نظر دقیق‌تر منوط به مطالعه‌ی بیشتر در نوع سفال‌ها و ابزارآلات جمع‌آوری شده است.

### غار سنگاب

این غار در بخش رحمت‌آباد بلوکات از توابع بخش خورگام و در ۳۰ کیلومتری رستم‌آباد، ۴۵ کیلومتری رودبار و ۵ کیلومتری خورگام و در محدوده‌ی روستای حشمت‌آباد قرار دارد. مختصات آن  $1^{\circ}54'48''$  عرض شمالی و  $49^{\circ}39'46''$  طول شرقی و ارتفاع آن ۱۱۰۵ متر نسبت به سطح آب دریای آزاد است. طول غار ۱۰ متر و عرض آن ۷ متر و ارتفاع دهانه‌ی آن ۲ متر است. در بررسی‌های سطح‌الارضی که در داخل غار صورت گرفت، بقایایی از سفالینه‌های عصر آهن و آثاری از خاکستر مربوط به دوره‌های گذشته مشاهده شد.



نمایی از دهانه‌ی ورودی غار سنگاب



دهانه‌ی ورودی غار سنگاب (عکس از: کیومرث نظری)

### غارهای هشت‌دری

در فاصله‌ی ۲۲ کیلومتری غرب روستای حشمت‌آباد و ارتفاع ۱۲۱۷ متری نسبت به سطح دریا، بقایایی از چند غار در دل صخره دیده می‌شود که در نزد عموم به نام غارهای هشت‌دری معروف است و دره‌ی زیبا و شگفت‌انگیز دریند در ضلع جنوب آن واقع شده است. در داخل اکثر غارهای هشت‌دری آثاری از سفال و استخوان کشف شده است که نشان‌دهنده‌ی آثار سکونت در گذشته است. این غارها در جوار یکدیگر و با فاصله‌ی حدوداً بین ۱۰۰ الی ۲۰۰ متر قرار دارند. در اثر زلزله سال ۱۳۶۹ دهانه‌ی ورودی تعدادی از غارها ریزش کرده که بازدید و بررسی داخل بعضی از غارها را بسیار مشکل کرده است.

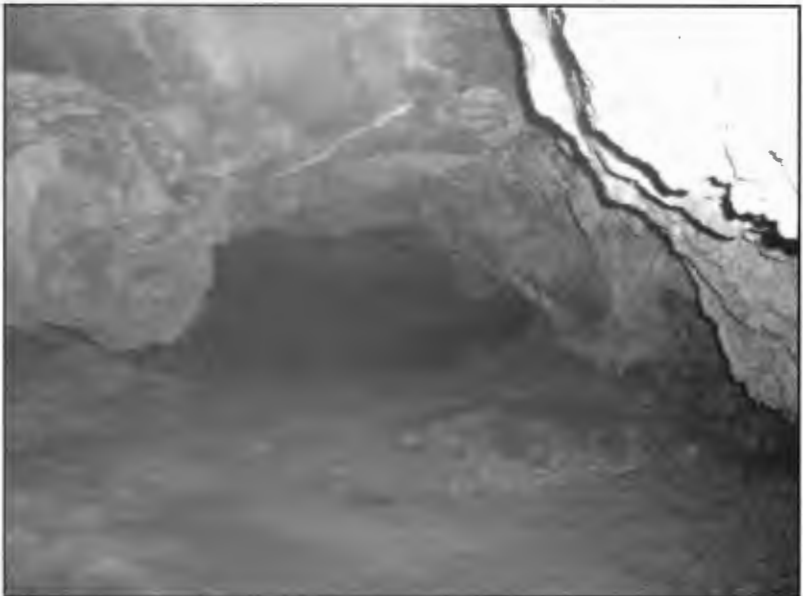


نمای از دهانه ورودی غارهای هشت‌دری





دهانه ورودی غارهای هشت‌دری B و C



داخل غار هشت‌دری C

## شهرستان سیاهکل

### غار یرشلمان

غار یرشلمان در نزدیکی جنوب شرقی روستای یرشلمان دهستان پیرکوه بخش دیلمان شهرستان سیاهکل، بر فراز صخره‌ای قرار دارد و در شمار غارهای طبیعی و از نظر ریخت‌شناسی جزء گروه غارهای افقی است. یکی از نقاطی که مطالعات اخیر دیرین‌باستان‌شناسان وجودش را استقراری در آن را تأیید کرده، غار یرشلمان است. راه دسترسی به غار از حدود یک کیلومتری شهر دیلمان شروع می‌شود. باید از اسپیلی به سوی شرق حرکت کرد و پس از گذشتن از میان روستاهای لیه، میکال، گولک، بنه‌زمین، و سمه‌جان پایین و سمه‌جان بالا، به دوراهی جاران رسید که سمت راست، به کومنی و سمت چپ به جاران منتهی می‌شود. با پیمودن حدود ۳۰۰ متر از جاده‌ی جاران در سمت چپ، در بالای صخره غار یرشلمان دیده می‌شود. این غار در بین روستاهای یرشلمان و جاران، در حدود ۴۵۰ متری شمال جاده‌ی ارتباطی این دو روستا، در صخره‌ای در ارتفاع ۱۷۴۹ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. این غار رو به سمت جنوب و مشرف بر جاده‌ی شوسه و در فاصله‌ی ۲۵ کیلومتری بخش دیلمان و ۷۵ کیلومتری ارتفاعات شهرستان سیاهکل واقع شده است. غار یرشلمان ۲۱ متر طول، ۲۷ متر عرض و ۵ متر ارتفاع دارد. این غار برای اولین بار در بررسی‌های شناسایی آثار تاریخی شهرستان سیاهکل به سرپرستی محمود موسوی و نگارنده مورد بررسی گرفت. همچنین در تابستان‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ نیز توسط هیئت مشترک ایران و کره مورد بررسی مجدد قرار گرفت.

وجه تسمیه‌ی غار برگرفته از نام روستای یرشلمان است و در مختصات جغرافیایی  $36^{\circ}46'01''$  عرض شمالی،  $50^{\circ}04'45''$  طول شرقی و در ارتفاع

۱۷۴۲ متری نسبت به سطح دریا قرار دارد. پوشش گیاهی این غار همان پوشش گیاهی غار لوعلی است و در شیب صخره‌ای منتهی به غار دارای پوشش گیاهی به شکل بوته‌ها و درخچه‌هایی همچون تمشک و زرشک و درختان میوه‌های جنگلی همچون گلابی وحشی است.

امروزه این غار توسط چوپانان محلی و احشام آن‌ها به صورت موقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. کف غار انباشته از فضولات دامی است. به‌همین دلیل جمع‌آوری داده‌های فرهنگی در وضعیت فعلی چندان آسان نیست، اما در بررسی‌های اولیه، سفال‌های شکسته و ابزار سنگی چندی که محققین آن‌ها را متعلق به دوره‌ی پارینه‌سنگی تا دوره‌ی تاریخی می‌دانند، به‌دست آمده است.

آثار سفال سطحی در جوار این غار و وجود گورستانی باستانی در ۲۰۰ متری و محوطه‌ی باستانی دیگری در ۳۰۰ متری آن، از شواهدی است که امکان استقرار طولانی در جوار آن را محرز می‌دارد. در داخل این غار در دل دیوارهای صخره‌ای، سوراخ‌هایی دیده‌می‌شود که احتمالاً محل قرار دادن الوارها و تیرک‌های چوبی است که توسط انسان تعبیه شده و دلیل دیگری بر سکونت در این پناهگاه است. آخرین تحقیقات درباره‌ی این غار با توجه به داده‌هایی چون کشف ابزار سنگی و استخوان فسیل‌شده‌ی حیوانی، قدمت آن را به دوره‌ی پارینه‌سنگی یا موسترن می‌رساند (همان: ۱۹۲). نزدیک‌ترین منبع آبی به غار، نهر کوچکی در روستای یرشلمان روبروی دهانه‌ی غار است. مهم‌ترین یافته‌ی هیئت مشترک ایران- کره در غار یرشلمان، یک قطعه از ابزار سنگی مربوط به فرهنگ ابزارسازی موسترن (Mousterian) و همچنین فسیل حیوانی بوده است. متأسفانه بعد از بازدید مجدد هیئت مشترک از غار یرشلمان که در تابستان ۲۰۰۸ میلادی صورت گرفت، از فسیل حیوانی که در داخل سنگ به‌صورت سنگ‌واره جلب نظر می‌کرد خبری نبود و کاملاً توسط قاچاقچیان برش داده و به سرقت رفته بود.



نمایی از دهانه‌ی ورودی غار یرشلمان که به نظر می‌رسد بخشی از سقف دهانه در زلزله سال ۱۳۶۹ تخریب شده است.



دهانه‌ی غار یرشلمان از نمای درونی

### غارهای تاریخی دیارجان

در فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری شرق مرکز بخش دیلمان و در ۶۰ کیلومتری جنوب شهرستان سیاهکل، بر سر راه اسپیلی به امام و در موقعیت جغرافیایی  $36^{\circ}53'15''$  عرض شمالی و  $50^{\circ}55'17''$  طول شرقی و در ارتفاع ۱۵۴۰ متری نسبت به سطح آب دریای آزاد، روستای تاریخی دیارجان قرار دارد. طبق گفته‌ی اهالی روستا، دیارجان در گذشته «دیارخان» بوده و نه دلیل دانستن مراتع سرسبز و چشمه‌سارهای فراوان و رونق اقتصادی و با توجه به نام قبلی، احتمالاً یکی از روستاهای خان‌نشین به‌شمار می‌رفته است. متأسفانه در شرایط فعلی، روستای دیارجان رونق گذشته‌ی خود را از دست داده و اکثر جمعیت آن منازل و باغات خود را رها کرده و به شهرها کوچ کرده‌اند. غارهای دیارجان در حد فاصل بین روستای دیارجان (۵۰۰ متری جنوب شرق) و روستای شیرچاک قرار دارند. بهترین مسیر دستیابی به غارها، راه سیاهکل - دیلمان و سپس جدا شدن از اسپیلی و حرکت به سوی شرق و با گذر از روستاهای کوه‌پس، نیاول و عاشورآباد است.



نمایی از دهانه‌ی ورودی غار تلابن دیارجان (غار شماره ۱)



نمایی از دهانه‌ی ورودی غار دیارجان

غار شماره‌ی ۱ (غار سمت غربی) در حدود ۱/۵ کیلومتری شمال شرقی روستای دیارجان و در حدود ۱۱ کیلومتری جنوب شهر دیلمان واقع شده است. این غار ۱۵۷۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و موقعیت آن  $41^{\circ}33'36''$  شمالی و  $49^{\circ}01'17''$  شرقی است. دهانه‌ی این غار در جهت جنوب است و شکل تقریبی دهانه‌ی غار، بیضی عمودی است. حداکثر عمق غار ۵۲ متر و پهنای آن در عریض‌ترین قسمت ۳/۴۵ سانتی‌متر است. ارتفاع دهانه‌ی آن ۱۳۰ سانتی‌متر، عرض دهانه ۲۱۰ سانتی‌متر، حداکثر ارتفاع سقف ۲۲۰ سانتی‌متر و حداکثر عرض ۲۴۰ سانتی‌متر است. فضای درونی غار به شکل یک راهرو است. در کف آن رسوبات آهکی، گل و لای و سنگ‌هایی دیده می‌شود که بر اثر حفاری‌های غیرمجاز به وجود آمده و یا در اثر تخریب سقف فروریخته است. کف غار، بستری سنگی و رسوبی دارد. دهنه و ابتدای غار تقریباً روشن و دیگر فضاها ی غار تاریک است. همچنین نمونه‌هایی از غارنهبسته‌هایی مانند استلاکیت و استلاگمیت در اندازه‌های مختلف در درون غار پدید آمده‌اند که نمای زیبایی به آن بخشیده‌اند. دهانه‌ی ورودی این غار در گذشته بسته بوده و در فواصل سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ در حین کند و کاو غیرمجاز باز شده است (موسوی و جهانی: ۱۳۸۳).

میزان شیب دامنه‌ی جلوی غار، حدود ۴۵ تا ۵۰ درجه است. نوع پوشش گیاهی آن بوته‌ای و تراکم آن متوسط است. منابع آبی اطراف غار یک رودخانه‌ی فصلی است که در شرق آن قرار دارد و از شمال به طرف جنوب جریان دارد و دیگری چشمه‌ای به نام چشمه‌ی چاکی است که در حدود ۴۰۰ متری جنوب غار واقع شده است.



تزئینات داخلی غار شماره ۱ دیارجان



## غار دیارجان ۲

این غار در حدود ۲۰۰ متری غار شماره ۱ (غار سمت غربی) واقع شده و ۱۵۹۸ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. دهانه‌ی آن رو به سمت غرب است و شکل تقریبی دهانه‌ی غار، نیم‌دایره‌ای است. حداکثر عمق غار ۹۱۰ سانتی‌متر و پهنای آن در عریض‌ترین قسمت ۹۳۴ سانتی‌متر، ارتفاع دهانه‌ی آن ۲۶۷ سانتی‌متر، عرض دهانه ۵۳۰ و حداکثر ارتفاع سقف ۳۰۰ سانتی‌متر است. <sup>گیلان</sup> استان



نمایی از غار شماره ۲ دیارجان

در بخش شمال شرقی فضای اصلی غار، فضای دیگری وجود دارد که در بخش جنوب شرقی آن، آثار چالهی حفاری غیرمجاز دیده می‌شود که بیشتر مواد فرهنگی به دست آمده از این بخش جمع‌آوری شده است.

وضعیت درون غار تقریباً روشن است. میزان شیب جلوی دامنه، تند و درصد تقریبی شیب، حدود ۸۰ درجه است. جنس دامنه رسوبی - صخره‌ای است و نوع

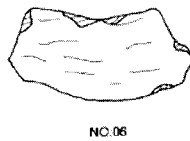
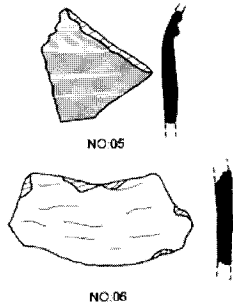
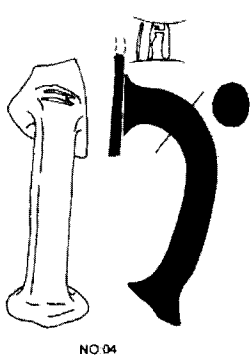
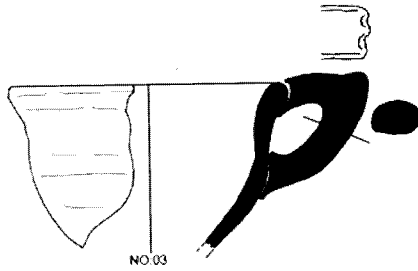
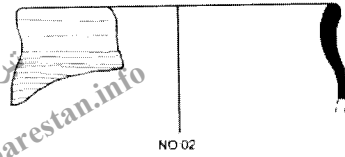
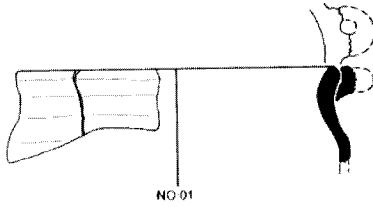
پوشش گیاهی بوته‌ای و تراکم آن متوسط است.

در بررسی سطحی داخل غار و همچنین در بخش چاله‌ی حفاری غیرمجاز تعدادی قطعات سفال و قطعات استخوان به دست آمد که با توجه به مشخصه‌های ریخت‌شناسی قطعات سفال، می‌توان احتمالاً آن‌ها را به دوره‌ی عصر آهن مربوط دانست.

با توجه به وجود رسوبات کافی در بخش فضای اصلی غار و مواد فرهنگی به دست آمده از چاله‌ی حفاری غیرمجاز، احتمال وجود لایه‌های فرهنگی در این غار دور از ذهن نیست.



نمایی از داخل غار باستانی شماره‌ی ۲ دیارجان



طرح سفالینه‌های مربوط به دوره‌ی آهن غار دیارجان

### غار گیلارکش

این غار در شمال روستای گیلارکش از توابع دهستان پیرکوه دیلمان و در موقعیت جغرافیایی  $55^{\circ}44'36''$  عرض شمالی و  $50^{\circ}54'46''$  طول شرقی و در ارتفاع ۱۷۸۰ متری نسبت به سطح دریا، بر روی دیواره‌ای صخره‌ای واقع شده است. بنا به گفته‌ی اهالی محل، در این دیواره‌ی صخره‌ای چندین سوراخ به ابعاد متفاوت وجود داشت که در اثر زلزله‌ی سال ۱۳۶۹، ورودی اکثر آن‌ها بسته شده است. این پناهگاه رو به سمت مشرق و مشرف به رودخانه‌ی گیلارکش است و آب مورد نیاز آن از طریق این رودخانه تأمین می‌شود. عرض دهانه‌ی اصلی پناهگاه ۱/۵ متر و ارتفاع آن حدود ۲ متر است. وجود این دهانه باعث شده است که تمام داخل پناهگاه در طول روز از روشنایی نسبتاً کافی برخوردار باشد. ارتفاع سقف پناهگاه هم در قسمت‌های مختلف آن متفاوت است.

سطح داخل پناهگاه تا حدود ۱۰ سانتی‌متر از فضولات دامی پوشیده شده و در حال حاضر هم چوپانان منطقه از این پناهگاه به‌طور موقت استفاده می‌کنند.



نمای داخلی غار گیلارکش

### پناهگاه عروس تله ملومه

روستای ملومه در فاصله‌ی تقریبی ۸ کیلومتری جنوب شرقی دیلمان واقع شده است. در پشت دهکده‌ی ملومه و در منطقه‌ای که به عروس تله معروف است، پناهگاه سنگی بزرگی مشاهده می‌شود که با عنوان پناهگاه عروس تله خوانده می‌شود. با بررسی‌هایی که در داخل و محدوده‌ی اطراف این پناهگاه صورت گرفت، مواد فرهنگی مانند سفال و استخوان در سطح آن مشاهده شد. داخل پناهگاه دارای نهشته‌های رسوبی خوبی است که در لایه‌لای آن‌ها انواع سفالینه‌های مربوط به دوره‌ی عصر آهن تا دوره‌ی اسلامی کاملاً مشهود است. بررسی استخوان‌های مکشوفه در داخل پناهگاه نشان داد که آن‌ها مربوط به حیوانات اهلی و پرندگان است. روستای تاریخی ملومه طی چند سال اخیر به عنوان روستای گردشگری شناخته شده و هر ساله گردشگران زیادی برای دیدن این روستا به این منطقه سفر می‌کنند.

### تونل دست‌کن ملومه

در داخل روستای ملومه، تپه‌ی مدوری قرار دارد و زیر این تپه‌ی باستانی، تونلی زیرزمینی در دو جهت با دست‌کنده شده است که هنوز دلیل حفر این تونل در ملومه و نیز مناطقی مانند میکال و گولک، به درستی مشخص نیست. می‌توان حدس زد که این تونل‌ها شبیه غارهای زیرزمینی است که به‌عنوان مخفیگاه در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می‌گرفت. نمونه‌هایی از این تونل در جاهای دیگر دیده نشده است. این نوع تونل‌ها فقط در منطقه‌ی دیلمان مشاهده می‌شود. از وضعیت چگونگی داخل تونل ملومه اطلاع چندانی در دست نیست. در زمان بازدید از تپه، راهنمای محلی که از اهالی روستای ملومه بود ادعا کرد تونل بیش از ۱۰۰ متر طول دارد و دارای ورودی و خروجی است که آن‌ها را طی سال‌های قبل، کاملاً با پشکل حیوانات پر کردند. بدون خاکبرداری، امکان رفتن در داخل تونل‌ها غیرممکن است.

## غار لوآلی

غار لوآلی در شمال روستای لوآلی دهستان پیرکوه بخش دیلمان شهرستان سیاهکل قرار دارد و فاصله‌ی آن با روستا حدود ۳ کیلومتر است. مسیر دسترسی به غار، جاده‌ای پر پیچ‌وخم در دل کوهستان است که از حدود یک کیلومتری شهر دیلمان آغاز می‌شود و از اسپیلی به سوی شرق رفته و پس از گذشتن از میان روستاهای لیه، میکال، گولک، بنه‌زمین، وسمه‌جان پایین، یسن و وسمه‌جان بالا، در نهایت پس از طی مسافتی حدود ۳۰ کیلومتر، به روستای لوآلی می‌رسند. ۱۵ کیلومتر از این جاده تا روستای بنه‌زمین، آسفالت‌ه و مابقی آن تا رسیدن به مقصد به صورت راه خاکی است که بخشی از آن به صورت جاده‌ی زیرسازی شده و بخشی نیز به صورت راهی صعب‌العبور و ناهموار است.

برای رفتن به غار باید مسیری حدود ۳ کیلومتر را از روستای لوآلی به سمت ارتفاعات شمال آن طی کرد. گفتنی است مسیری که باید به صورت پیاده طی شود در بسیاری نقاط به صورت سنگلاخ و صخره‌ای و بعضاً ریزشی و مشرف به پرتگاه‌های خطرناک است. مناظر زیبا و چشم‌اندازهای شگرف زمین‌شناختی و طبیعی هم، از جمله بدایع قابل مشاهده در این مسیر است.

درمورد وجه‌تسمیه‌ی غار لوآلی که برگرفته از نام روستای لوآلی است، اطلاعات قابل استنادی یافت نشد. به گفته‌ی یکی از اهالی روستای مذکور، این لغت، مخفف ترکیب «راه علی» است.

دهانه‌ی غار در یکی از طبقات انتهایی یک دیواره‌ی عظیم از سنگ‌های لایه‌لایه‌ی رسوبی واقع شده که به پرتگاهی بلند با شیبی که به صورت قائم در فاصله‌ی چند متری آن قرار گرفته مشرف است. غار لوآلی جزء غارهای طبیعی است که در اثر انحلال سنگ‌های آهکی تشکیل شده‌است. غار از نظر ریخت‌شناسی جزء گروه غارهای افقی محسوب می‌شود و دارای یک ساختار ساده‌ی تونلی است که از ابتدا تا انتها مسیری منحنی را طی می‌کند و بخش



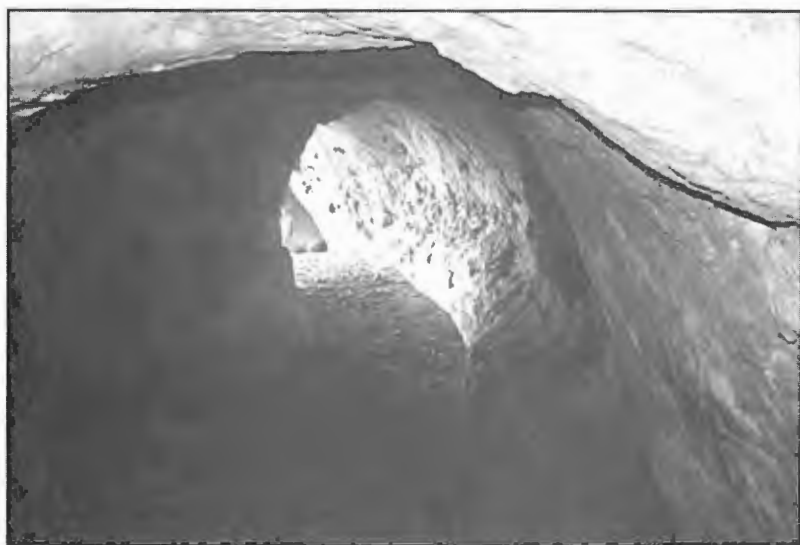
بررسی‌های باستان‌شناختی هیئت مشترک ایران و کره در غار لوآلی



نمایی از دهانه‌ی ورودی غار لوآلی

انتهایی آن اندکی پهن‌تر و بلندتر از قسمت ورودی آن است. عمق کم، ابعاد کوچک و ساختار ساده‌ی غار، بازدیدکننده را از به همراه داشتن هرگونه تجهیزاتی بی‌نیاز می‌کند. کف غار با رسوبات نسبتاً همواری پوشیده شده است. این غار یکی از غارهای باستانی در کنار محور رودخانه‌ی یسن است که در سال ۱۳۸۳-۱۳۸۲ توسط نگارنده مورد بازدید و بررسی قرار گرفت.

طول غار ۱۲/۷ و عرض آن ۵/۸ الی ۹ و ارتفاع آن از کف تا سقف ۴/۹-۳/۳ متر است. در بررسی‌های به‌عمل‌آمده در محدوده‌ی اطراف، بقایایی از سفالینه‌های مربوط به دوره‌های مختلف کشف شده که اکثر آن‌ها به رنگ قرمز است. کف غار به اندازه‌ی ۱۵-۱۰ سانتی‌متر از فضولات دامی پوشیده شده و در حال حاضر چوپانان منطقه از این غار به‌طور موقت استفاده می‌کنند. بدون خاکبرداری امکان پژوهش‌ها و مطالعات بیشتر در این مکان وجود ندارد.



ساختار درون غار لوالی



### غار دعا کوه

این غار در پشت دهکده‌ی اکوجان، از دهکده‌های رودبار قرار دارد و به نام‌های غار دعا کوه، حاجت‌خانه و نیازخانه در بین مردم منطقه شهرت دارد. دسترسی به این غار از طریق شهر دیلمان به سمت روستای کمنی و طی مسافتی ۳ ساعته با پای پیاده میسر است. در داخل این غار اتاق‌هایی به صورت دست‌کن دیده می‌شود. امروزه مردم اطراف این منطقه برای نذر و تیساز بدان‌جا می‌روند. از وضعیت داخل این غار اطلاع چندانی در دست نیست.

### غار کَش کوه

این غار در پشت دهکده‌ی تالش‌کول از توابع بخش دیلمان در میان صخره و پرتگاهی عظیم و صعب‌العبور قرار دارد و می‌توان از راه میان سرای شیدان و بعد روستای اسپهبدان بدان راه یافت. منوچهر ستوده معتقد است که احتمال دارد در داخل این غار آثاری از گذشته‌های بسیار دور پیدا شود (ستوده، ۱۳۴۸: ۳۸). رابینو هم از این غار یاد کرده است.

### سازه دست‌کن زیر زمینی میکال

در غرب روستای میکال از توابع بخش دیلمان شهرستان سیاهکل، با ایجاد حفره‌ای در زمین شواهدی از یک معماری دست‌کن مشخص شد. ورودی این سازه در شیب تپه‌ماهورهای واقع در غرب روستای میکال و مشرف به آن، در اثر فرونشستن زمین ایجاد شده است. به نظر می‌رسد طول این سازه بیش از آن چیزی باشد که قابل مشاهده است و به دلیل ریزش بخش ابتدایی و انتهایی آن، امکان بررسی دیگر بخش‌ها در این مقطع از مطالعات امکان‌پذیر نیست و برای ادامه‌ی مطالعات، آواربرداری بخش‌های فروریخته ضروری است.

در حال حاضر، تنها راه موجود برای ورود به این سازه، در شیب تپه‌ماهوری قرار گرفته که به راهرویی به طول ۲۲ و عرض ۴ متر و با امتداد شرق به غرب،

راه دارد. ارتفاع کفِ فعلی تا سقف حدود ۳۲۰ سانتی‌متر است؛ در ابتدای این ورودی، راهرویی به قطر ۱۲۰ سانتی‌متر دیده می‌شود که با سیر نزولی خود احتمالاً به فضاهای زیرین این سازه راه می‌یابد. در دیواره‌های راهرو اصلی فرورفتگی‌های کم‌عمقی ایجاد شده که احتمالاً محل قرارگیری پیه‌سوز بوده است. در تمام بخش‌ها، اثر دودزدگی بر روی سقف و دیوارها مشهود است. سقف را به شکل جناقی ایجاد کرده‌اند. در منتهی‌الیه سمت غربی این راهرو، راهروی دیگری به طول ۱۷ و عرض ۳ متر وجود دارد که به سمت شمال امتداد یافته و در میانه‌ی آن فرورفتگی‌ای به قطر ۸۰ سانتی‌متر در نزدیکی کف و در دیواره دیده می‌شود که بر اساس گفته‌ی اهالی، چاه آبی در آن ایجاد شده است. تمام سطح این راهرو را به ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر آب فراگرفته است.

در منتهی‌الیه سمت شمالی این راهرو، راهروی دیگری به طول ۸ و عرض ۲/۵ متر دیده می‌شود که به سمت شرق امتداد یافته و ارتفاع سقف آن کوتاه‌تر از دیگر بخش‌هاست. در میانه‌ی این راهرو و در بخش فوقانی دیواره‌ی شمالی آن، راهروی باریکی به عرض ۱ متر ایجاد شده که با سیر صعودی‌اش به واسطه‌ی پله و شیب، احتمالاً به سطح زمین راه می‌یابد که دهانه‌ی آن را با سنگ مسدود کرده‌اند. مجدداً در منتهی‌الیه شرقی این راهرو هم راهروی دیگری با طول ۱۲ متر و عرض ۳۸۰ سانتی‌متر به سمت شمال امتداد یافته که این راهرو هم در منتهی‌الیه شمالی خود به راهروی دیگری به عرض ۲۱ متر با امتداد به سمت شرق راه می‌یابد که به دلیل فروریختن سقف و مسدود شدن، تنها ۲۱ متر از طول آن قابل تشخیص است و امکان درک بخش‌های مرتبط به آن در حال حاضر وجود ندارد.

بافت اصلی لایه‌ای که این سازه در آن ایجاد شده متشکل از ذرات و قطعات سنگ‌های آهکی است که در اثر فرسایش، نهشته‌گذاری شده‌اند و این لایه چسبندگی و سختی مناسبی برای ایجاد این سازه داشته است. در ابتدا و انتهای

راهروها و در کناره‌ی سقف آن، هواکش‌هایی تعبیه شده که به سطح زمین راه دارد و احتمالاً در دوره‌های پایانی استفاده از سازه، عامدانه مسدود شده است و به نظر می‌رسد عامل ریزش بخش‌هایی از سقف که باعث مسدود شدن راهروها شده نیز، آب‌شستگی همین هواکش‌ها باشد. در حاشیه‌ی طول راهرو، شیارهایی برای عبور آب ایجاد کرده‌اند. قطعات شکسته‌ی سفال مربوط به تمبوشه‌های سفالی که برای انتقال آب مورد استفاده بوده، در سطح راهروها پراکنده است. برای تعیین کاربری، دوره‌ی ایجاد سازه و درک دوره‌های استفاده شده از آن، نیاز به بررسی‌ها و مطالعات بیشتری است. ولی دوره‌ی تاریخی و کاربری مذهبی آن را می‌توان به‌عنوان فرضیه‌های اولیه در این خصوص مطرح کرد.



سازه‌ی دست‌کن دوره‌ی اشکانی میکال دیلمان



فضای ۱، دید به سمت غرب، نمایی از دالان ورودی سازه‌ی دست‌کند



فضای ۵، ورودی فضای ۶

### پناهگاه صخره‌ای پیرکوه

این پناهگاه در روستایی به همین نام در بخش دیلمان شهرستان سیاهکل قرار دارد و بهترین مسیر دسترسی به آن از راه سیاهکل به دیلمان است که با ورود به اسپیلی و حرکت به شرق، به روستای پیرکوه می‌رسیم. پناهگاه صخره‌ای پیرکوه نخستین بار توسط هیات مشترک ایران - کره مورد شناسایی قرار گرفت. هر چند که داده‌های فرهنگی خاصی از این پناهگاه به دست نیامد، اما با توجه به توان بالقوه‌ی این پناهگاه، امکان استفاده از آن در اعصار پیش از تاریخ متصور است.

### غارهای پیشکیل‌جان

برای رسیدن به این غارها باید از جاده‌ی سیاهکل به دیلمان استفاده کرد. پس از گذشتن از اسپیلی و روستاهای بنه‌زمین، وسمه‌جان، یرشلمان و لرده، به روستای پیشکیل‌جان می‌رسیم و بعد از طی کردن جاده‌ی خاکی و بالا رفتن از کوه، به این مجموعه غارها می‌توان دست یافت. مالکیت محوطه‌ای که این غارها در آن واقع شده‌اند مربوط به منابع طبیعی است و اهالی روستاهای اطراف برای پناه دادن گله‌های احشام خود در زمان سرما و بوران از آن استفاده می‌کنند.



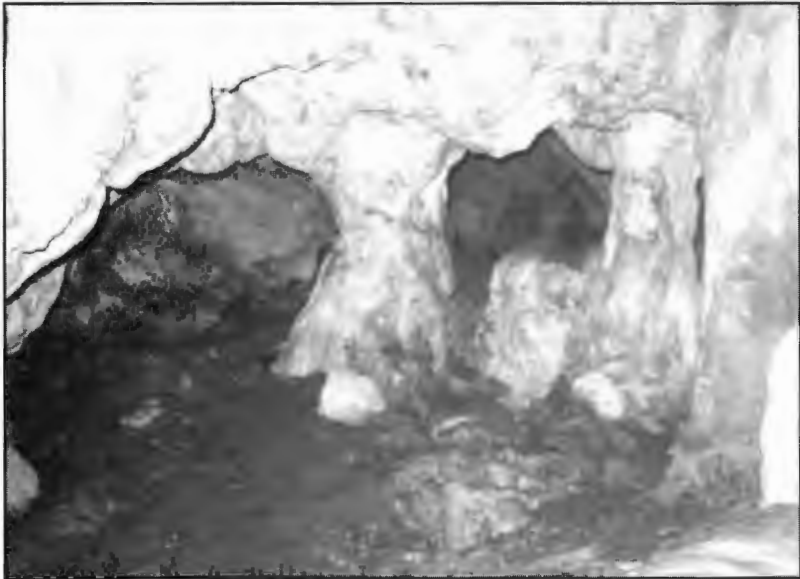
نمایی از ورودی یکی از غارهای پیشکیل‌جان



نمایی از ورودی یکی دیگر غارهای پیش‌سکال جان

### غار چهل‌ستون

این غار یکی از زیباترین غارهای باستانی در منطقه‌ی دیلمان است که در روستای پیشکیل‌جان از توابع بخش دیلمان قرار دارد. راه دسترسی به آن از طریق روستاهای لیه، میکال، گولک، به سمت بنه‌زمین و سپس به روستای پیشکیل‌جان است و از این روستا به کمک راهنمای محلی می‌توان به غار دسترسی پیدا کرد. برای بازدید از داخل غار حتماً باید تجهیزات روشنایی به همراه داشت. با توجه به کشف داده‌های فرهنگی - تاریخی از قبیل سفال و استخوان، می‌توان گفت قدمت این غار به دوره‌ی عصر آهن می‌رسد.



غار چهل‌ستون (عکس از: صمد سهیلی)

## شهرستان لاهیجان

### غار سرچشمه

این غار در ۱۵ کیلومتری جنوب شهرستان لاهیجان و ۱۰۰۰ متری روستای سرچشمه و در داخل کوه سنگی و در ارتفاع ۵۰۴ متری نسبت به دریاهای آزاد و در داخل باغات چای واقع شده است. نام غار برگرفته از نام روستایی به همین نام است. دهانه‌ی غار رو به سمت جنوب و به سمت روستای سرچشمه است. داخل غار به دلیل فشار جریان‌های آب، نشست زیادی کرده است. غار سرچشمه از جمله غارهای معدنی است که طی سالیان زیاد سنگ آهن موجود در غار برای استخراج فلز آهن مورد بهره‌برداری قرار گرفته و با توجه به این موضوع می‌توان گفت که این غار نقش بسیار مهمی در منطقه داشته است. غار سرچشمه جزء غارهای طبیعی و معدنی است اما از آنجایی که انسان در بهره‌برداری از آهن آن نقش داشته است، می‌توان گفت جزء غارهای دستی نیز هست.



تصویر از دهانه‌ی ورودی غار سرچشمه لاهیجان



## شهرستان لنگرود

### غارهای باستانی لیارود

غارهای باستانی لیارود در فاصله‌ی ۲۰ کیلومتری شهرستان املش و در فاصله‌ی ۱۵۰۰ متری روستای لیارود و در داخل جنگل‌های انبوه و در ارتفاع ۵۰۴ متری نسبت به سطح دریای آزاد قرار دارد. در اثر حفاری‌های غیرمجاز، در دهانه‌ی غارها قلوه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ مشاهده می‌شود. کف غارها مسطح و دارای رسوب فراوان است. عرض دهانه‌های غار چندان بزرگ نیست و ورود به داخل آن باید با احتیاط و امکانات لازم همراه باشد و وجود حیوانات وحشی در آن محتمل است.

وضعیت روشنایی این غارها تا عمق حدود ۳ تا ۴ متر مطلوب است و پس از آن نیاز به وسایل روشنایی دارد. تخریب لایه‌های غار در اثر حفاری‌های قاچاق و همچنین نگهداری احشام در داخل غار از مهم‌ترین آسیب‌های وارده به غار است. در ابتدای ورودی غارها، داده‌های فرهنگی - تاریخی مانند سفال و استخوان به دست آمده است. سفالینه‌های مکشوفه در این غارها قابل مقایسه با سفالینه‌های مکشوفه در سایر مناطق گیلان است و قدمت آن را می‌توان دوره‌ی آهن I - II تعیین کرد. این مسئله نشان‌دهنده‌ی ارتباط فرهنگی این منطقه با سایر مناطق همجوار، به‌ویژه دیلمان است.



نمای داخلی یکی از غارهای لیارود



نمایی دیگر از داخل یکی دیگر غارهای لیارود

## شهرستان رودسر

### غار اسب طویله

این غار در ارتفاع ۱۸۷۳ متری نسبت به سطح دریا و در فاصله‌ی ۱۶۰۰ متری جنوب روستای گیری از توابع بخش رحیم آباد شهرستان رودسر و در داخل محدوده‌ی جنگلی قرار دارد. این غار از سمت جنوب به سرخ لرده، از شرق به اتاق‌سرا، از غرب به سنگ‌بن و از شمال به پناهگاه صخره‌ای محدود می‌شود. طول آن ۱۶ متر، عرض آن ۵ متر و حداکثر بلندی آن ۵ متر است. بهترین مسیر دسترسی به غار از طریق شهر رحیم‌آباد و گذر از روستاهای گرمابدشت، سه‌راهی کاکرود، باغدشت و درگاه است.

در کف غار آثار حفاری غیرمجاز دیده می‌شود. این امر موجب شده تا لایه‌های پایینی غار آسیب فراوانی ببیند. در لابه‌لای حفاری‌های غیرمجاز، سفالینه‌های مربوط به دوران تاریخی و احتمالاً پیش از تاریخ کشف شده که نشان‌دهنده‌ی سکونت بشر در عصر آهن در داخل این غار بوده است.

این غار در سال ۱۳۸۴ توسط نگارنده و منصور هادی‌پور مورد مطالعه قرار گرفت و با عنوان غار باستانی اسب طویله در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. در تیر ماه سال ۱۳۸۶ این غار مجدداً توسط هیئت مشترک ایران - کره مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. این محوطه به دلیل استفاده‌ی نادرست و خاکبرداری‌های غیرمجاز، در معرض خطر جدی قرار دارد. در گذشته از این غار برای اسکان و پناه گرفتن در مقابل حمله‌ی دشمنان استفاده می‌شد و در حال حاضر در بعضی از فصول از آن برای نگهداری احشام استفاده می‌شود. آثاری از ساروج در دیوارهای دهانه‌ی ورودی غار مشاهده شد که احتمال می‌رود در یک دوره، دهانه‌ی ورودی غار با ساروج بسته شده است.

روستای گیری یکی از روستاهای ارزشمند تاریخی استان گیلان است که به دلیل داشتن آثار تاریخی فراوان از قبیل گورستان‌های باستانی، قلعه‌های دوره‌ی اشکانی، بقاع متبرکه، مسجد تاریخی، محوطه‌های باستانی، درختان قدیمی، همچنین بافت قدیمی ارزشمند و وجود دو پناهگاه صخره‌ای و یک غار باستانی و... می‌تواند به عنوان یک پایگاه پژوهشی باستان‌شناسی قلمداد شود.

### غار گل لوک سجیران

این اثر در فاصله‌ی ۵۰ متری غرب روستای سجیران، بر روی سطح دامنه‌ی شیب‌دار حدوداً ۴۵ درجه‌ای غرب روستا واقع شده است. کوه‌های تک‌کُش و سی‌پشت در فاصله‌ی حدود ۶ کیلومتری شرق روستا، کوه طلاسر در ۴ کیلومتری جنوب آن، کوه عروس و داماد در فاصله‌ی ۵/۵ کیلومتری غرب و رودخانه‌ی پُل‌رود در ۳/۵ کیلومتری شمال آن قرار دارند.

در شمال‌شرق پناهگاه و در فاصله‌ی ۴۰ متری از آن، جاده‌ای با امتداد شمالی - جنوبی کشیده شده که تا مجاورت شمال‌شرقی ملکی که اثر در آن قرار گرفته، کشیده شده است. سطح زمین اطراف پناهگاه سنگلاخی بوده و دارای پوشش گیاه‌خاک است. پوشش گیاهی فضای بیرون پناهگاه را درختانی همچون فندق، آزاد، سرو و ... تشکیل می‌دهد. تا حدود ۳۰ سال پیش در زمین‌های اطراف این پناهگاه، توسط مالک پیشین آن گندم کاشته می‌شد. برجستگی صخره‌ای که پناهگاه در آن واقع شده، دارای ابعاد تقریبی  $۴/۵ \times ۵$  متر با امتداد شرقی - غربی و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف در حدود ۳۸۰ سانتی‌متر است. در نمای غربی آن، ورودی یک پناهگاه دیده می‌شود. به نظر می‌رسد این حفره به صورت طبیعی بر جانب غربی صخره وجود داشته، اما بعدها برای ایجاد کاربری و احتمالاً سکونت در آن، اقدام به گسترش عمق دهانه‌ی حفره کرده‌اند. این حفره ۴/۵ متر طول و ۳۸ سانتی‌متر ارتفاع دارد و به نظر می‌رسد در ابتدا به شکل طبیعی تا حدود

۸۰ سانتی‌متر عمق داشته است. ابعاد حفره‌ای که به سمت شرق و از جلوی دهانه‌ی پناهگاه امتداد پیدا می‌کند، در بخش ورودی ۱۵۰ سانتی‌متر طول و ۱۰۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد که تا عمق ۱۷۰ سانتی‌متری به همین شکل ادامه پیدا کرده و به این ترتیب نقش یک راهرو را برای اتصال فضای بیرونی پناهگاه به بخش داخلی آن ایفا می‌کند. فضای داخلی پناهگاه به طور کلی دارای ۱۳ متر طول است. بیشترین عرض آن در بخش میانی است و به ۷۱۰ سانتی‌متر می‌رسد و بیشترین ارتفاع آن از کف موجود برابر با ۳۱۰ سانتی‌متر است. در بخش‌های تحتانی، عرض فضای پناهگاه تنگ‌تر و با پیشروی به سمت داخل و به واسطه‌ی قوسی که به بیرون دارد، عرض افزایش می‌یابد و هرچه به داخل پناهگاه پیش می‌رویم به دلیل نزدیک‌تر شدن به سقف از عرض فضاها کاسته می‌شود. در داخل پناهگاه به غیر از زباله‌های مواد امروزی و استخوان‌های حیواناتی که جدید به نظر می‌رسند و به وسیله‌ی حیوانات دیگر به داخل آورده شده، هیچ‌گونه مواد فرهنگی مشاهده نمی‌شود. لازم به ذکر است که بیرون از فضای پناهگاه، چند قطعه سفال کوچک با ابعادی کمتر از ۲ سانتی‌متر که به شدت فرسوده شده و هیچ فرمی از آن‌ها قابل درک نیست دیده شد. کف پناهگاه دارای سنگ‌های آهکی به هم پیوسته‌تر و بخش‌های فوقانی‌تر دارای قلوه‌سنگ‌های ممزوج با بافت آهکی است. فضای داخلی از دو بخش تشکیل می‌شود که فضای بزرگ‌تر را فضای 1 و به دلیل ارتفاع سطحی که در بخش میانی پناهگاه وجود دارد، به دو بخش 1A و 1B تقسیم می‌شود. فضای کوچک‌تر را که حفره‌ای در انتهای پناهگاه است، فضای 2 می‌نامیم.

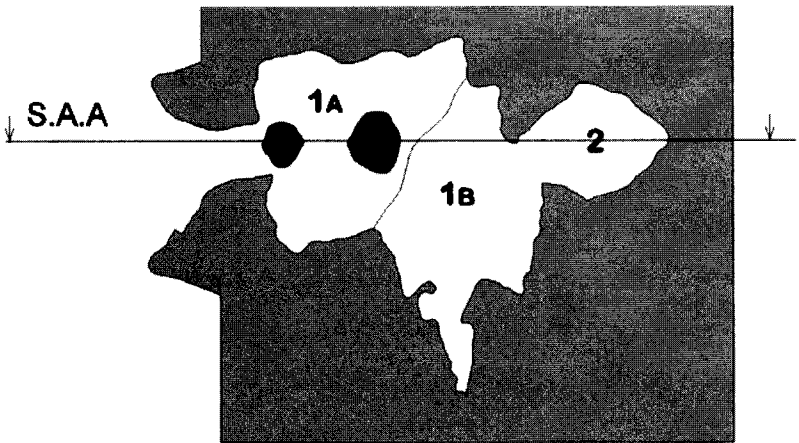
فضای 1 به‌طور کلی دارای ۹۲۵ سانتی‌متر طول و ۷۱۰ سانتی‌متر عرض است و بیشترین ارتفاع آن از کف موجود، به ۳۱۰ سانتی‌متر می‌رسد. فضای 2 هم دارای ۳۷۵ سانتی‌متر طول است و در پهن‌ترین قسمت، عرض آن به ۲۹۰ سانتی‌متر می‌رسد و بیشترین ارتفاع آن از کف موجود در حدود ۱۱۵ سانتی‌متر است.

فضای IA: این فضا از دهانه‌ی ورودی پناهگاه و تا میانه‌های فضای I را شامل می‌شود. طول آن در حدود ۶۵۰ سانتی‌متر است، بیشترین عرض آن به ۶۰۵ سانتی‌متر می‌رسد و ارتفاع آن در حدود ۳۱۰ سانتی‌متر از کف موجود پناهگاه است. در جنوب این فضا و در داخل سقف پناهگاه، حفره‌ای به قطر ۶۰ سانتی‌متر و احتمالاً دست‌کن دیده می‌شود که با فضای بیرون در ارتباط بوده و نقشی شبیه به نورگیر و یا تهویه را ایفا می‌کرد. جلوی ورودی پناهگاه بخشی با فرورفتگی کم در ابعاد ۱۱۰×۱۰۰ سانتی‌متر دیده می‌شود که احتمالاً یک چاله‌ی حفاری غیرمجاز است که آن را پُر کرده‌اند. در فاصله‌ی ۱۱۰ سانتی‌متری شرق آن نیز یک چاله‌ی حفاری غیرمجاز دیگر دیده می‌شود که آن نیز پُر شده و عمق موجود آن حدود ۳۵ سانتی‌متر است. در اطراف این چاله‌های حفاری غیرمجاز هیچ شواهدی از وجود مواد فرهنگی مشاهده نمی‌شود. در مجاورت بخش شرقی چاله‌ی حفاری غیرمجاز دوّم، بستر صخره‌ای با شیبی تند به سمت بالا حرکت کرده و در ارتفاع ۱۶۰ سانتی‌متری به کف فضای IB متصل می‌شود. سقف پناهگاه تقریباً به صورت طاقی شکل ایجاد شده است و در قسمت‌های شرقی، شمالی و جنوبی آن آثار دودزدگی مشاهده می‌شود. ورودی اصلی غار به صورت سنگ صخره‌ای یکپارچه دیده می‌شود اما در بخش‌های داخلی فضاهای 1 و 2 قطعات سنگ و لاشه‌سنگ با دانه‌بندی بسیار درشت و تراکم بسیار زیاد در بافت آهکی قرار گرفته است که از استحکام بسیار زیادی برخوردار است. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، به‌نظر می‌رسد غیر از بخش‌های بیرونی دهانه‌ی پناهگاه، بقیه‌ی بخش‌ها به صورت دست‌کن ایجاد شده باشند.

فضای IB: ابعاد این فضا ۷۱۰×۳۶۰ سانتی‌متر است که ۱۶۰ سانتی‌متر بالاتر از فضای IA و در شرق آن قرار دارد و بیشترین ارتفاع آن به حدود ۱۵۰ سانتی‌متر می‌رسد. در بخش جنوبی این فضا، حفره‌ی دست‌کنی ایجاد شده که در مورد کاربری آن نمی‌توان اظهارنظر کرد. در سقف فضای IB هم تعدادی حفره با ابعاد

و عمق‌های مختلف و در غرب آن هم حفره‌ی دیگری کنده شده است. همچنین چندین حفره‌ی دیگر در سطح غار دیده می‌شود.

فضای 2: در منتهی الیه شرقی فضای 1B، دهانه‌ی دیگری به طول ۱۰۰ و ارتفاع ۶۰ سانتی‌متر دیده می‌شود که به فضایی در ابعاد  $۱۱۵ \times ۲۹۰ \times ۳۷۵$  سانتی‌متر منتهی می‌شود. این فضا تقریباً به شکل یکپارچه کنده شده و حفره‌های موجود در فضای 1 در آن دیده نمی‌شوند. کف این فضا پوشیده از لاشه‌سنگ و خرده‌سنگ‌های ریز است و به نظر می‌رسد با توجه به ارتفاع کم و سنگ‌هایی که در نتیجه‌ی حفر این فضا در کف آن ریخته و پاکسازی نشده است، ساخت آن نیمه‌کاره رها شده باشد، چون با وضعیت توصیف‌شده تقریباً امکان استفاده از آن وجود نداشته است. البته برای درک بهتر این وضعیت و اطمینان از استفاده شدن یا عدم استفاده از فضای مورد بحث، کاوش در آن لازم به نظر می‌رسد.



۱۳۹۳/۶/۷	تاریخ	زمین‌شناسی - جنسی مهرجیان	پلان پناهگاه گل نوکه
۱/۱۰	مقیاس	بررسی بر نوکه - بهرام علی‌طالقانی	سجیران - تابستان ۱۳۹۳
		برداشت: بهرام علی‌طالقانی - علیرضا جهانی	موضوع طرح: بررسی پلان پناهگاه گل نوکه



نمایی از دهانه‌ی غار سجیران

### غار وَرَبْن

بر بالای روستای کوهستانی و صعب‌العبورِ وَرَبْن، از توابع اشکور سفلی شهرستان رودسر، بقایایی از یک غار باستانی دیده می‌شود. سطح این غار پوشیده از فضولات دامی است و حفاری غیرمجاز فراوانی بر سطح آن صورت گرفته است. طبق گفته‌ی اهالی روستا، در گذشته از داخل این غار، زره، شمشیر و استخوان کشف شده است. غار باستانی ورین از جمله غارهای مربوط به دوران‌های مختلف است که در صورت کاوش و گمانه‌زنی در داخل آن، احتمالاً می‌توان بقایایی از فرهنگ تمدن منطقه را باز یافت (جهانی، ۱۳۹۵: ۳۴۵-۳۴۸). منوچهر ستوده درباره‌ی این غار می‌نویسد: «در این غار زره و شمشیر و استخوان آدمی به‌دست آمده است» (ستوده، ۱۳۴۸: ۳۷۸).

### غار سلوکدره

این غار در روستای لیما در بخش رحیم‌آباد شهرستان رودسر قرار دارد و ارتفاع آن نسبت به سطح آب‌های آزاد ۱۳۳۴ متر است. بهترین راه دسترسی به این غار از طریق شهر رحیم‌آباد و گذر از روستای گرمابدشت به اشکوربالا و سپس



ورود به روستا است. دهانه‌ی ورودی غار بسیار کوچک است و رفتن به داخل آن بسیار مشکل است. این غار ابتدا توسط کارشناسان میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۴ و سپس توسط هیئت مشترک ایران - کره در سال ۱۳۸۶ مورد بازدید قرار گرفت. با توجه به مطالعات انجام شده در داخل آن، بقایایی از آثار سفالینه‌ها و استخوان‌های حیوانی مربوط به ادوار مختلف تاریخی که به صورت قطعات پراکنده و خرد شده بود، کشف شد. این امر وجود لایه‌های مختلف ارزشمند فرهنگی را در این غار متحمل می‌سازد (جهانی، ۱۳۹۵: ۳۴۹).

### غار رزگردن

این غار در ارتفاع ۱۱۳۷ متری نسبت به سطح آب دریاهاى آزاد قرار دارد. طول آن ۳/۶، عرض آن ۴/۴ و ارتفاع غار ۹/۱ متر است. این غار در روستایی به همین نام در بخش رحیم‌آباد رودسر قرار دارد و بهترین راه دسترسی به روستا از جاده‌ی رحیم‌آباد و گذر از روستاهای گرمابدشت، زیاز و آغوزین کندسر میسر است. در بررسی شناسایی که از این غار به عمل آمده، آثار فرهنگی - تاریخی از قبیل سفال و استخوان به دست آمده که استفاده از این غار در دوران‌های گذشته، به‌ویژه دوران آهن را اثبات می‌کند. شناسایی لایه‌های فرهنگی که زیر بستر رسوب قرار دارد، مستلزم کاوش و مطالعات گسترده‌تر باستان‌شناختی در این غار است.



سفالینه‌های مکشوفه غار رزگردن

### غارهای جواهردشت

این غارها در ارتفاعات منطقه‌ی سیاهکلرود از توابع شهرستان رودسر و در ارتفاع ۲۰۰۶ - ۱۹۶۷ متری نسبت به سطح دریا قرار دارند. با بررسی‌های به عمل آمده که منجر به جمع‌آوری بقایایی از سفالینه‌ها و استخوان حیوانات شد، می‌توان گفت که قدمت این غارها به عصر آهن تعلق دارد (جهانی، ۱۳۹۵: ۳۵۰).



تصویری از ورودی یکی از غارهای جواهردشت

### غار آسمان‌رود

این غار در منطقه‌ی اشکور شهرستان رودسر و در ارتفاع ۱۱۸۰ متری نسبت به سطح دریا واقع شده است. طول غار ۱۶ متر و عرض آن بین ۱ تا ۸ متر متغیر است. در داخل غار بقایایی از سفال و استخوان کشف شده است. بررسی روی سفالینه‌ها، تاریخ آن را دوره‌ی آهن، یعنی حدود ۳۵۰۰ سال قبل تعیین می‌کند.

شهرستان

www.tbarestan.info

### غارهای دلیجان

در ارتفاعات بخش رحیم‌آباد از توابع شهرستان رودسر در محدوده‌ی روستای دلیجان، بقایایی از دو غار باستانی و یک پناهگاه دیده می‌شود که به نام غارهای دلیجان A و B نامگذاری شده است. این غارها در ارتفاع ۱۸۶۹ متری نسبت به سطح دریاها‌ی آزاد قرار دارد. بررسی‌های سطحی که در این غارها صورت گرفت، منجر به کشف بقایایی از انواع و اقسام سفالینه‌های مربوط به دوره‌های مختلف شد که قدمت آن را به دوره‌ی آهن I می‌رساند.



انواع سفال و استخوان جمع‌آوری شده از داخل غارهای دلیجان



غار دلیجان A



غار دلیجان B

### پناهگاه صخره‌ای آسیاب‌دره

این پناهگاه سنگی در فاصله‌ی ۵۷ کیلومتری شهر رودسر و ۴۰ کیلومتری شهر رحیم‌آباد و در مختصات جغرافیایی  $53^{\circ}31'36''$  عرض شمالی  $21^{\circ}15'50''$  طول جغرافیایی و در ارتفاع ۱۲۸۷ متری نسبت به سطح دریا قرار دارد. طول پناهگاه ۷ متر و عرض آن متغیر است و در بعضی قسمت‌ها به ۷ متر می‌رسد. در بررسی‌های صورت گرفته در این پناهگاه، هیچ‌گونه مواد فرهنگی به دست نیامد.



غار آسیاب‌دره



سفال و استخوان مکشوفه در پناهگاه صخره‌ای آسیاب‌دره

## غار اُرکُم

این غار در قسمت بالای روستای اُرکُم واقع در منطقه‌ی اشکور علیا قرار دارد و بیشتر مورد استفاده‌ی دامداران منطقه است. نکته‌ی قابل توجه در مورد این غار، چشمه‌ای است که در بیرون آن جریان دارد. کف این غار پوشیده از فضولات دامی است.

## غار گرمابدشت‌خانه

این غار در سمت راست روستای گرمابدشت و در بالای صخره‌ای قرار دارد. دسترسی به غار بسیار سخت و مسیر آن صعب‌العبور است و با عبور از یک سربالایی بسیار تنگ قابل دسترسی است. این غار در ۲۵ کیلومتری رحیم‌آباد و ۴۵ کیلومتری شهر املش قرار دارد و مختصات جغرافیایی آن  $۵۲^{\circ} ۰۱' ۳۶''$  عرض شمالی و  $۵۰^{\circ} ۱۳' ۴۶''$  طول شرقی است و در ارتفاع ۷۲۸ متری نسبت به سطح دریا قرار دارد. طول غار ۲۵ متر، عرض آن بین ۱ تا ۴ متر و ارتفاع دهانه بین ۱ تا ۶ متر متغیر است.

دسترسی به این غار از طریق دو شهر رودسر یا املش به سمت رحیم‌آباد امکان‌پذیر است. با عبور از رحیم‌آباد و پیمودن ۱۵ کیلومتر جاده‌ی آسفالتی و گذشتن از روستاهای طول‌لات، درازلات، سفیدآب، جیرکول، به منطقه‌ی گرمابدشت می‌رسیم. از روستای گرمابدشت پس از طی مسیری پاکوب (حدود ۱۰۰۰ متر) در یک شیب بسیار تند و با گذر از انبوه درختان جنگلی و باغ‌های زیتون و سنگ‌های بزرگ و کوچک و پرتگاه‌های متعدد به غار می‌رسیم. دیدن این غار تا فاصله‌ی حدود ۳ متری آن امکان‌پذیر نیست و دسترسی به آن بدون کمک جی‌پی‌اس و راهنمای محلی غیرممکن است.

نام غار برگرفته از روستای نزدیک آن است و علت نامگذاری روستا به دلیل وجود چشمه‌ی آب گرمی است که در پایین دست روستا جریان دارد.

این غار، «دزدخانه» هم نامیده می‌شود. گفته می‌شود چون در گذشته، یکی از راه‌های ارتباطی بین فلات مرکزی ایران و جلگه‌ی خزر از منطقه‌ی اشکورات بوده، این ناحیه منطقه‌ی امنی برای دزدان و راهزنانی محسوب می‌شد که کاروانیان و مسافران را غارت می‌کردند. این غار در دوره‌ی قاجار و حتی پس از آن نیز به عنوان پناهگاه راهزنان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

بازدید از این غار توسط نگارنده در ۱۳۸۶ طی درخواست پایگاه حفاظتی رحیم‌آباد و با ادعای وجود نقاشی‌های باستانی صورت گرفت، اما نتایج



ورودی غار باستانی گرمابدشت‌خانه

بررسی‌ها، واهی بودن این ادعا را نشان داد. در بررسی اولیه تنها قطعاتی سفال و بقایایی از استخوان پرنندگان در این غار مشاهده شد. بررسی‌های انجام شده و گمانه‌زنی‌هایی که در ابتدای ورودی غار توسط هیات مذکور انجام شد، منتج به کشف مواد فرهنگی مانند سفال و استخوان گشت باتوجه به مطالعات صورت گرفته بر روی این اموال می‌توان گفت که و قدمت این غار باستانی را به عصر آهن تعلق دارد.



نمایی از دهانه غار گرمابدشت‌خانه، دید از داخل غار به بیرون.



## شهرستان املش

### غار بیزلابین

این غار در حد فاصل محدوده‌ی روستای بویه و در میان صخره‌های سنگلاخی و درختچه‌های جنگلی قرار دارد. دسترسی به غار از طریق داخل روستای بویه به سمت ارتفاعات میسر است که جزء اراضی ملکی محسوب می‌شود. دهانه‌ی ورودی غار به سمت جنوب غرب است. ورودی دهانه‌ی غار ۱۳/۹۰ و حداکثر عمق غار ۱۷/۴۰ و حداکثر ارتفاع پیشانی غار ۳۵۰ سانتی‌متر است. این غار از بالا به پایین دارای بستر سنگی است (جهانی و اکبری، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

با توجه به دسترسی آسان به غار، داخل آن به‌عنوان محل نگهداری احشام در طی سالیان سال مورد استفاده بوده است. سطح غار از بالا به سمت پایین پوشیده از فضولات دامی است. این فضولات در دهانه‌ی ورودی غار بیشتر است. به نظر می‌رسد که هر ساله دامداران این منطقه به جهت استفاده بیشتر از فضای غار برای آغل گوسفندان، تمام نهشته‌های رسوب و خاک آن را کنده و به سمت پایین می‌ریزند، به همین دلیل کشف داده‌های فرهنگی در داخل غار بسیار اندک است. غار مذکور نورگیری بسیار خوبی دارد و تمامی فضاهای داخل آن از روشنایی کامل برخوردار است. در داخل غار بقایایی از سفالینه‌ها و استخوان حیوانات کشف شده است (همان).

این غار نخستین بار توسط قاسم اصلانی و محمدعلی عابدی در سال ۱۳۸۹ مورد شناسایی قرار گرفت و سپس مجدداً در خرداد ماه ۱۳۹۲ توسط هیئت باستان‌شناسی پنج‌پیران به سرپرستی نگارنده، بررسی و شناسایی شد و حاصل آن جمع‌آوری ۹ قطعه سفال مربوط به عصر آهن و اسلامی بود. پس از آن در مرداد ماه سال ۱۳۹۲ مجدداً توسط جهانی، بیگلری و شیدرنگ مورد بررسی قرار گرفت و بقایایی از مواد فرهنگی، استخوانی و سفالی جمع‌آوری شد.



نمایی از غار بزطلابن بویه املش



نمایی از داخل غار بزطلابن بویه املش

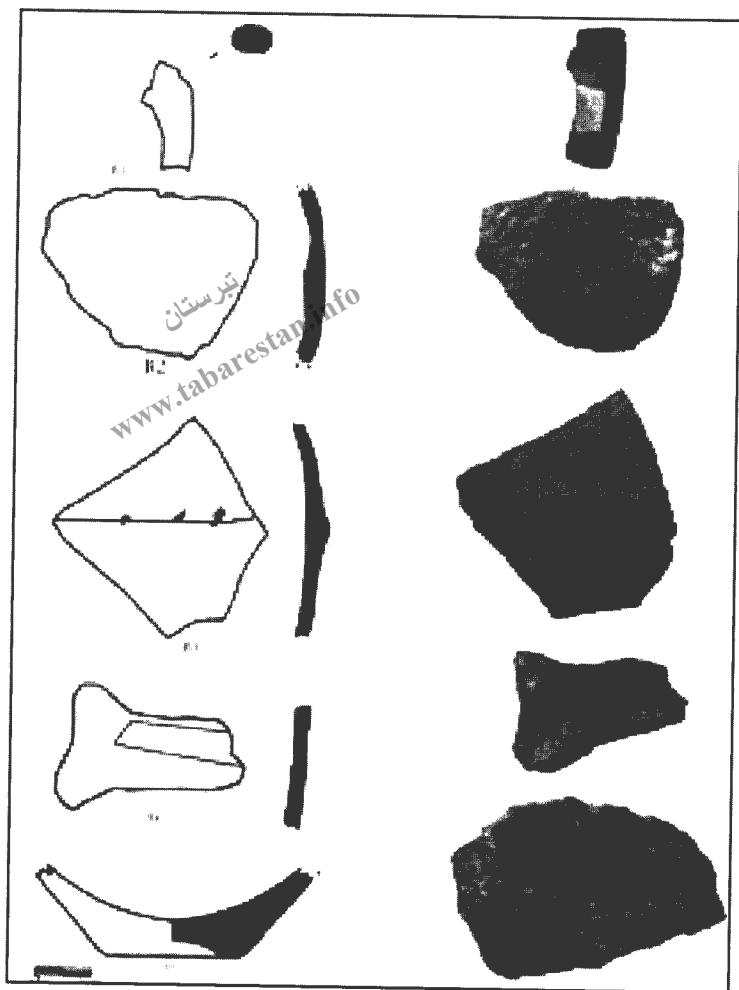
تکنیک سفال‌های مکشوفه از نوع تولیدات محلی است و با توجه به فرم، رنگ و تکنیک به کار رفته روی آن‌ها می‌توان گفت که این سفال‌ها مربوطه به عصر آهن است (همان).

از جمله یافته‌های دیگر این غار می‌توان از انواع معماری خشکه‌چین که چوپانان برای استراحت و نگهداری احشام در داخل غار در فصل بهار از آن استفاده می‌کنند، نام برد. در بعضی از قسمت‌های غار آثاری از سنگ‌های لاشه به دست آمده که این امر حاکی از آن است که دامداران منطقه در فصل بهار از این محل برای اطراق استفاده می‌کردند.

این غار از سمت بالا به سمت پایین دست دارای نهشته‌های رسوبی است که آثار این نهشته‌های رسوبی، لاشه سنگ‌های معماری، سفال و غیره تا شعاع ۳۰۰ متری غار به سمت رودخانه مشاهده می‌شود.

این غار به لحاظ استراتژیک برای زندگی انسان در طی ادوار مختلف بسیار مناسب بوده است. از جمله‌ی این ویژگی‌ها می‌توان دسترسی آسان به آب (رودخانه‌ای در نزدیکی آن وجود داشته)، وجود مراتع بسیار زیاد و غنی و پوشش جنگلی مناسب را نام برد (جهانی و اکبری ۱۳۹۴: ۱۳۹ و ۱۴۰).

بررسی این غار، در مجموع نه قطعه سفال مربوط به عصر آهن در محدوده‌ی پیرامونی غار و در لابه‌لای نهشته‌های رسوبی کشف شد. اکثر سفال‌ها به رنگ خاکستری، قرمز، فاقد نقش، دست‌ساز و از نوع بدنه و لبه است.



طرح سفالینه‌های به‌دست‌آمده در غار بزطلابین

### غار قلایسر بویه

این غار در ارتفاعات روستای بویه و در زیر صخره‌ای سنگلاخی و میان درختچه‌ها و درختان جنگلی واقع شده است. راه دسترسی به غار از طریق روستای بویه و کشمش به سمت کوه مستان است و بدون راهنما امکان‌پذیر نیست. دهانه‌ی ورودی غار به سمت شرق است و حداکثر ارتفاع آن ۳۰۵ سانتی متر، عرض دهانه ۲۸۰ سانتی متر و حداکثر عمق غار ۱۸ متر است و در بعضی از قسمت‌ها، عمق دهانه متغیر است. شکل دهانه‌ی غار به صورت نیم‌دایره است و به نظر می‌رسد بعضی قسمت‌های آن بر اثر نوسانات آب و هوایی، ریزش کرده است. غار تا عمق حدود ۴ متری دارای روشنایی کافی است، ولی پیمودن بقیه‌ی آن بدون چراغ امکان‌پذیر نیست.

این غار در خرداد ۱۳۹۲ توسط هیئت باستان‌شناسی پنج‌پیران، به سرپرستی نگارنده، مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه‌ی آن تعداد ۲۹ قطعه استخوان، ۱۰ قطعه سفال مربوط به عصر آهن و احتمالاً عصر برنز، از داخل غار جمع‌آوری شد و بار دیگر توسط بیگلری، جهانی و شیدرنگ در مرداد ماه ۱۳۹۲ مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفت. با توجه به بررسی‌های انجام شده، این غار دارای نهشته‌های رسوبی مناسبی است. حفاری‌های غیرمجاز زیادی در داخل آن صورت گرفته که به نظر می‌رسد خاک قسمتی از لایه‌های آن جابه‌جا شده است. هر قدر از ابتدای ورودی غار به سمت انتها برویم، شیب آن به سمت پایین بیشتر شده و در منتهی‌الیه غار در سمت راست (شمال) غار یک پدیده‌ی شکاف‌مانند آشکار است. در سمت چپ (جنوب‌غربی) منتهی‌الیه غار نیز حفره‌ی دیگری مشخص است که ورودی آن نیز دارای نهشته‌های رسوبی زیادی است. داخل این حفره بقایایی از قطعات سفالینه‌های عصر آهن و استخوان‌های حیوانی به دست آمده است. ابتدای ورودی غار تا عمق دو متر از خار و خاشاک پُر شده که وضعیت ورودی دهانه‌ی غار را مخدوش کرده است. در بالای سقف دهانه‌ی

ورودی غار، حفره‌هایی کوچک دیده می‌شود که محل نگهداری تیرک‌های چوبی در دو طرف غار بوده و چوپانان از این تیرک‌ها به‌عنوان آویز استفاده می‌کردند. هر قدر از ابتدای غار به سمت داخل غار برویم، روی سقف غار سوراخ‌هایی تعبیه شده که به‌نظر می‌رسد با دست کنده شده و محل نگه‌داری آذوقه‌ی چوپانان در طی ادوار مختلف بوده است (همان).



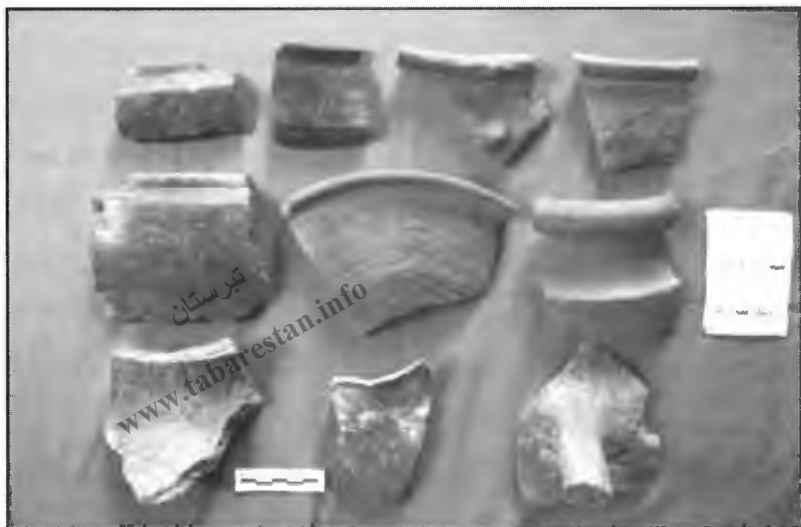
نمای دهانه‌ی ورودی غار قلایسر

این غار به دلیل قرار گرفتن در داخل جنگل‌های انبوه و صخره‌های سنگلاخی، دور از روستا بوده و مکانی برای حیوانات درنده و جوجه‌تیغی است. رفتن به داخل غار باید با احتیاط انجام شود (همان: ۱۳۳ و ۱۳۲).

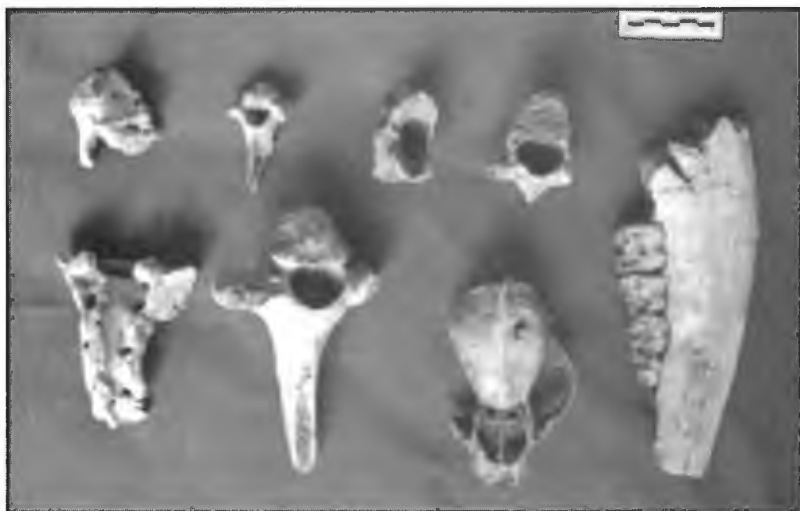
در بررسی غار قطعه‌هایی از استخوان‌های حیوانی شامل جمجمه‌ی جوجه‌تیغی، آرواره گاو و تعدادی استخوان حیوانات اهلی و وحشی و همچنین ۳۰ قطعه سفال جمع‌آوری شد. بخش عمده‌ای از این سفال‌ها دست‌ساز، به رنگ‌های خاکستری، قهوه‌ای سوخته و قرمز است که شاموت آن‌ها از شن درشت، دانه‌های آهکی و میکا بوده است. بخشی از این سفال‌ها مربوط به ظروف آشپزخانه‌ای ولی دو قطعه از سفال‌های مکشوفه مربوط به تدفین عصر آهن است. با توجه به کشف داده‌ها و بررسی‌های به عمل آمده قدمت این سفال‌ها مربوط به عصر آهن ۱ و ۲ است، احتمالاً یک قطعه سفال از این مجموعه متعلق به عصر برنز است.



نمای داخلی غار فلایسر



مواد فرهنگی به‌دست آمده در داخل غار باستانی قلیسر بویه



استخوان‌های مکشوفه در داخل غار قلیسر بویه املش



### پناهگاه صخره‌ای پرشی

این پناهگاه بر بالای روستای چنبول دشت و در ۲ کیلومتری روستای شیرچاک در داخل مراتع سنگلاخی قرار دارد. پوشش گیاهی پیرامونی پناهگاه را مراتع و درختچه‌های شرم تشکیل داده است. دهانه‌ی پناهگاه رو به شمال و مشرف به روستای چنبول دشت و جهت آن شرقی - غربی است. بخشی از ورودی پناهگاه به دلیل نوسانات جوی و زلزله ریزش کرده است و بخشی از قلوه‌سنگ‌های بزرگ بر روی دهانه‌ی ورودی جمع شده است که ورود به آن را مشکل می‌کند. این پناهگاه از سه طرف به صخره‌ها و فقط از سمت جنوب به مراتع روستای چنبول دشت منتهی می‌شود. عرض دهانه‌ی پناهگاه از سمت غرب به شرق ۹/۴۰ متر است. این پناهگاه در بخش جنوب شرقی دارای یک ستون نیمه مرتفع است. در بررسی‌های متعدد صورت گرفته، ۸ قطعه استخوان حیوانات و ۷ قطعه سفال - اکثراً سفال‌های بدنه - از این پناهگاه جمع‌آوری شد و بعضی از سفال‌ها دارای نقش داغدار و دارای پخت کامل است. قدیمی‌ترین دوره‌ای که تا امروز برای این پناهگاه می‌توان در نظر گرفت، مربوط به دوره‌ی آهن است.



دهانه‌ی ورودی پناهگاه صخره‌ای پرشی

### غار چنبولدشت

این غار در پایین‌دست روستای فصلی چنبولدشت از توابع دهستان سُمّام شهرستان املش و در داخل جنگل‌های انبوه و در ارتفاع ۱۷۲۹ متری نسبت به سطح آب‌های آزاد قرار دارد. دسترسی به این غار بسیار سخت است و بررسی غار بدون مدد راهنما امکان‌پذیر نیست. این غار بر بالای صخره‌ای سنگی قرار دارد که دهانه‌ی آن به سمت غرب است. عمق دهانه ۱/۵ متر و عرض دهانه از بالا به پایین متغیر است. این غار از داخل به دو سمت راست و چپ دارای مسیری راهرو مانند است که امکان نشستن انسان در داخل آن بسیار دشوار است. به‌نظر می‌رسد این غار با دست‌کنده شده است و بنا به دلایل نامشخصی از ادامه‌ی کندن آن صرف‌نظر شده است (همان: ۱۳۴).



دهانه ورودی غار چنبولدشت

### پناهگاه‌های صخره‌ای کشمش

در فاصله‌ی ۲ کیلومتری جنوب روستای کشمش از توابع دهستان سُمّام بخش رانکوه املش قرار دارند. دسترسی به آن‌ها با عبور از داخل روستای کشمش و

عبور از لابه‌لای درختان جنگلی، به سمت جاده‌ای مالرو گذر از دل صخره‌های طبیعی اطراف آن امکان‌پذیر است. این پناهگاه‌ها در جهت شمالی و جنوبی در فاصله‌ی ۱۰۰ متر از یکدیگر قرار دارند. دهانه‌ی پناهگاه‌ها به سوی شرق است. در لابه‌لای صخره‌ها، حفره‌های چاله‌مانند مشاهده می‌شود. در ضلع شرقی این پناهگاه‌ها سرایشی بسیار تندی است که به دره‌ی چاک‌رود منتهی می‌شود. اطراف این پناهگاه‌ها به وسیله‌ی درختچه‌های کوتاه جنگلی پوشیده شده است. با بررسی‌های به عمل آمده در اطراف دهانه‌ی پناهگاه، آثار حفاری غیرمجاز و همچنین سفال‌های قرمز رنگ مربوط به ادوار مختلف دیده شده است (همان: ۱۳۴).

### پناهگاه صخره‌ای سیدسرا

پناهگاه صخره‌ای سیدسرا در حدود ۳/۷ کیلومتری شمال روستای دیارجان و در حدود ۱۱ کیلومتری جنوب شهر دیلمان واقع شده است. این پناهگاه ۲۰۹۶ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و موقعیت آن  $36^{\circ}54'25''$  شمالی و  $49^{\circ}59'43''$  شرقی است. این پناهگاه روی کوه سیدسرا قرار گرفته و ارتفاع دهانه از کف دشت تا پایین دره، ۱۵۶ متر است. جهت دهانه رو به جنوب‌غربی و مشرف به جاده‌ی معدن سیمان است. ارتفاع آن حدود ۴ متر، عرض دهانه ۷ متر، عمق آن ۵۸۰ سانتی‌متر و حداکثر ارتفاع آن ۳۲۰ سانتی‌متر است. بیشتر کف پناهگاه دارای بستری سنگی است (کف سنگی در امتداد دو دیواره و انتهای پناهگاه مشاهده می‌شود). بقایای باستان‌شناختی شامل تعداد کمی قطعات سفال از جلوی پناهگاه به دست آمد (جهانی و اکبری، ۱۳۹۴: ۱۲۶).

میزان شیب غار، متوسط و جنس دامنه‌ی آن، صخره‌ای رسوبی است. تراکم پوشش گیاهی آن متوسط و شامل گل‌گاوزبان، گل بنفشه، گل پرسیاوشان، سیرکوهی، ترخون کوهی، ممرز، پلاخور، وشور، درخت، آزار و گلابی جنگلی

است. در جهت جنوب و جنوب‌غربی غار، دو چشمه به نام کبوترخوانی قرار دارد. این غار امروزه هم به منظور نگهداری بز و گوسفند (در فصول بهار و تابستان) مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان: ۱۲۶).



نمونه سفال‌های به‌دست‌آمده از داخل پناهگاه سیدسرا

جنس دامنه، صخره‌ای رسوبی و تراکم پوشش گیاهی آن متوسط است. در فاصله‌ی ۲۰۰ متری در جهت جنوب و جنوب‌غربی دو چشمه به‌نام کبوترخوانی قرار دارد. این پناهگاه امروزه هم برای نگهداری بز و گوسفند (در فصول بهار و تابستان) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### غار هفت‌خُم‌تله سیاه‌کوه

غار باستانی دست‌کن هفت‌خُم‌تله سیاه‌کوه در فاصله‌ی ۱۰۰۰ متری جنوب شرق روستای سیاه‌کوه از توابع بخش رانکوه در شهرستان املش و در بالای صخره‌ای طبیعی قرار دارد. دهانه‌ی غار مشرف به سمت جنوب بوده و به‌نظر می‌رسد جلوی غار با قلوه‌سنگ‌های رودخانه بسته شده که به مرور زمان گشوده شده است.



نمای دهانه‌ی ورودی غار هفت‌خُم‌تله

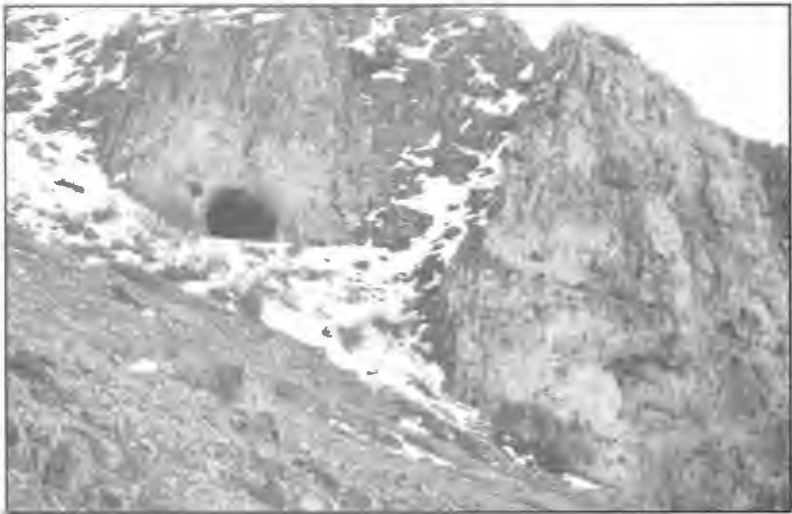
### غار طلاَبْنِ گورج

غار طلاَبْنِ در روستای گورج بخش رانکوه شهرستان املش و در ارتفاع ۱۰۷۳ متری از سطح دریاهای آزاد قرار دارد. طول آن ۲۲ متر و عرض آن ۶/۲ متر است و بهترین مسیر دستیابی به آن، گذر از رحیم‌آباد، گرمابدشت، زیار، آغوزبن، کندسر، شوک، ملکوت، موسی کلایه، کلامرود و چند روستای دیگر به روستای گورج است. گورج را مخفف «گور ایرج» می‌دانند. پس از ورود به روستای گورج با حرکت در جهت جنوب غرب و از مسیر دُشوار، بنه غار طلاَبْنِ می‌رسیم که دارای یکی از صعب‌العبورترین مسیرهای دستیابی است. طلاَبْنِ مرکب از دو واژه‌ی طلا و بُن به معنی ته و پایین است. براساس اعتقاد اهالی روستای گورج، در زیر کفِ غار، طلا وجود دارد. این مسئله مهم‌ترین دلیل حفاری گسترده‌ی غیرمجاز در غار شده است و لایه‌های فرهنگی احتمالی در غار را تا حد زیادی مخدوش کرده است. غار طلاَبْنِ در سال ۱۳۸۲ توسط نگارنده و محمدعلی عابدی مورد بررسی قرار گرفت و با شماره‌ی ۱۰۶۱۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید (جهانی، ۱۳۸۶: ۳۰). در بررسی‌های اولیه، محل برافروختن آتش، استخوان و سفال دوره‌ی تاریخی مشاهده شد. احتمالاً این غار لایه‌های متعدد فرهنگی را در خود جای داده باشد. غار طلاَبْنِ گورج از جمله غارهای استقراری شهرستان املش است و موقعیت استراتژیک غار و قرارگیری آن در کنار رودخانه و دسترسی آسان به جنگل و چشمه، از جمله ویژگی‌های آن است.

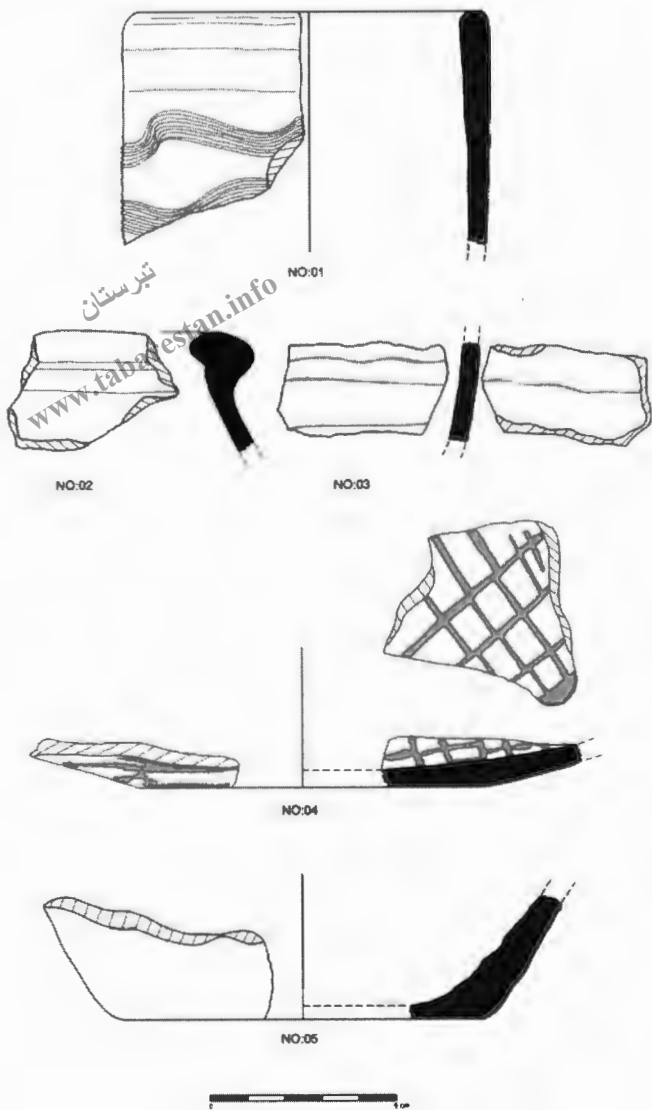
### غار سیدسرا

غار سیدسرا در حدود ۳/۷ کیلومتری شمال روستای دیارجان از توابع جنوب شهرستان دیلمان واقع شده است. این غار ۲۱۶۶ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و موقعیت آن ۲۸/۴' ۳۶°۵۴' شمالی و ۴۴/۳' ۴۹°۵۹' شرقی است. دهانه‌ی غار در جهت شمال‌غربی مشرف به رودخانه فصلی خشک‌رود و شکل تقریبی دهانه آن

نیم‌دایره‌ای است. حداکثر عمق غار ۵۲ متر و پهنای آن در عریض‌ترین قسمت، ۳/۴۵ متر است. ارتفاع دهانه‌ی آن ۱۳۰ سانتی‌متر، عرض دهانه ۲۱۰، حداکثر ارتفاع سقف ۲۲۰ سانتی‌متر و حداکثر عرض ۲۴۰ سانتی‌متر است. فضای درونی غار راهرومانند است که دارای بستری کاملاً رسوبی است. در بخش ورودی غار، چاله‌ی حفاری غیرمجاز دیده می‌شود که از آن تعدادی قطعات سفال به‌دست آمده است و با توجه به مشخصه‌های ریخت‌شناسی قطعات سفال، می‌توان احتمالاً آن‌ها را متعلق به دوره‌ی عصر آهن دانست. با توجه به وجود رسوبات کافی در بخش فضای اصلی غار و مواد فرهنگی به‌دست آمده از چاله‌ی حفاری غیرمجاز، احتمال وجود لایه‌های فرهنگی در این غار نیز دور از ذهن نیست که مستلزم پژوهش‌های دقیق‌تر باستان‌شناختی است (جهانی، ۱۳۹۴: ۱۲۷ و جهانی، ۱۳۹۵: ۱۲۷).



نمایی از ورودی غار سیدسرا

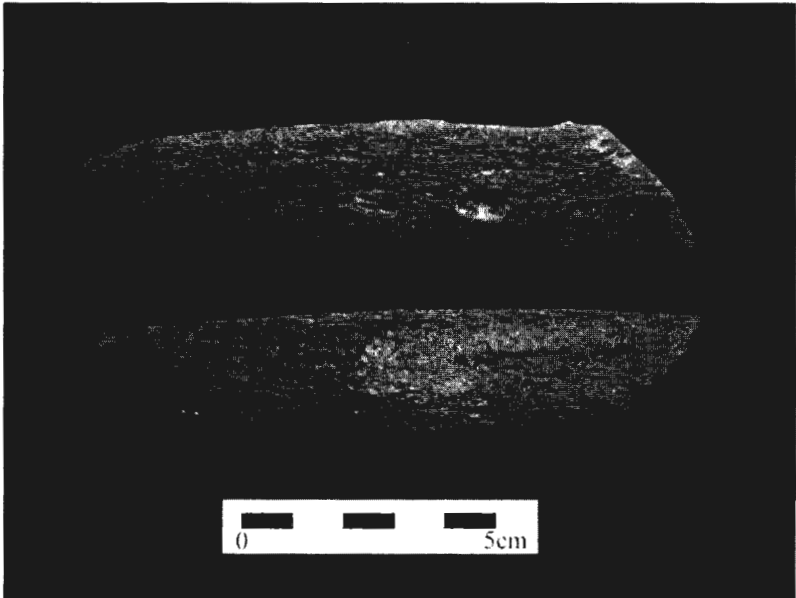


طرحی از سفالینه‌های مکشوفه در غار سیدسرا



### پناهگاه صخره‌ای وادار

این پناهگاه در حدود ۲ کیلومتری جنوب روستای شیرچاک، واقع در ارتفاعات شهرستان املش و در ارتفاع ۱۹۸۸ متر از سطح دریاهای آزاد قرار دارد. موقعیت آن  $36^{\circ}54'00.7''$  شمالی و  $50^{\circ}01'04.7''$  شرقی است و جهت دهانه‌ی آن رو به غرب و شکل تقریبی پناهگاه، نیم‌دایره است. حداکثر عمق پناهگاه ۶ متر و پهنا‌ی ورودی آن ۱۲ متر است. فضای داخلی پناهگاه دارای روشنایی مناسبی است. در بخش انتهای این پناهگاه (دیواره‌ی شرقی آن) آثار حفاری غیرمجاز وجود دارد که در آن آثار تدفینی مشاهده می‌شود و بقایای این تدفین توسط حفاران قاچاق تخریب شده است.



دو شیء مکشوفه در داخل پناهگاه صخره‌ای وادار



نمایی از حفاری غیرمجاز در پناهگاه صخره‌ای وادار

### غار کاکرود

این غار در بالای تماجان‌دره و در حد فاصل بین روستای تماجان و کاکرود از توابع شهرستان املش و بر روی صخره‌ای طبیعی و در مختصات عرض شمالی و  $42/3^{\circ}$  طول شرقی و در ارتفاع ۱۷۱ متری نسبت به سطح آب‌های آزاد قرار دارد.

نام غار برگرفته از نام روستایی به همین نام در فاصله‌ی ۲۵۰۰ متری جنوب آن است. از قدمت دقیق غار اطلاع چندانی در دست نیست. با توجه به نشانه‌های به‌دست آمده می‌توان قدمت آن را دوره‌ی پیش از تاریخ تعیین کرد. اهالی روستا از این غار به‌عنوان آغل گوسفندان استفاده می‌کنند. طول غار حدود ۲۰ و عرض و ارتفاع آن حدود ۲ متر و جهت غار شرقی - غربی است. هر قدر از سمت شرق به غرب به داخل غار پیش رویم، از ارتفاع و عرض غار کاسته می‌شود.

طبق گفته‌های اهالی روستا، متاسفانه بخش عمده‌ای از رسوبات غار توسط اهالی برای این‌که احشام خود را در داخل آن نگهداری کنند، کنده و به بیرون ریخته شده است. در محوطه‌ی دهانه‌ی ورودی غار، بقایایی از سفالینه‌های ادوار مختلف به دست آمده است. قرارگیری این اثر در کنار تماجان‌دره و کشف بقایایی از سفالینه‌های متفاوت در داخل و بیرون غار از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است.



استخوان و سفال‌های مشکوفه در داخل غار کاکرود



نمایی از غار کاکرود

### پناهگاه صخره‌ای اسک

پناهگاه صخره‌ای اسک در شمال روستایی به همین نام در ۷۲ کیلومتری املش قرار دارد و از شرق بر روستا مشرف است. این پناهگاه در نوک تپه‌ای صخره‌ای قرار گرفته‌است و ورودی آن‌ها از سمت شرق است. گسترش آن از شرق به غرب بوده و از سه جهت شرق، غرب و جنوب دارای شیب تند و صخره‌ای است و فقط از جهت شمال، سطح نسبتاً مسطحی دارد و تنها راه دسترسی به آن از طریق شمال است. در بررسی‌های به عمل آمده، آثار ستالینه‌های مختلف مربوط به ادوار مختلف اسلامی، به‌طور پراکنده در اطراف و داخل پناهگاه دیده شد. تعیین دقیق قدمت این پناهگاه بدون کاوش‌های باستان‌شناسی و گمانه‌زنی امکان‌پذیر نیست، ولی با توجه به آثار به‌دست آمده در محدوده‌ی کنار پناهگاه، می‌توان قدمت آن را مربوط به دوره‌ی آهن دانست.



نمایی از پناهگاه صخره‌ای اسک

### حاصل سخن

غارهایی که در این کتاب آورده شده، بر مبنای پراکندگی و موقعیت استراتژیک آنها توضیح داده شده‌است. بر این اساس، از ۱۰۱ غار شناسایی شده در استان گیلان، اکثر این غارها طبیعی بوده و در داخل بیشتر آنها آثاری استقرار موقت شناسایی شده است و این نشانگر آن است که این غارها در طول دوران مختلف، مورد سکونت گروه‌های مختلف انسانی قرار گرفته‌اند.

بیشترین و عمده‌ترین غارهای گیلان که تاکنون مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته‌اند، در حوزه‌ی فرهنگی البرز؛ شهرستان‌های (رودبار، ساهکل، رودسر و املش) قرار دارند. در حوزه‌ی فرهنگی تالش، بخش عمده‌ی غارهای بررسی شده مربوط به شهرستان‌های فومن و ماسال است. بیشترین تراکم این غارها در ارتفاع بین ۷۰۰ الی ۲۰۰۰ متر قرار دارد و عمده‌ترین سکونت‌ها در این ارتفاع، مربوط به عصر آهن است. همچنین قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های مربوط به پیش از تاریخ، در ارتفاع بین ۷۰۰ الی ۱۵۰۰ متر شناسایی شده است و در ارتفاع‌های بالاتر، غارهای دوره‌ی عصر آهن مشاهده می‌شود.

در بین غارهای مطالعه شده، غارهای آویشو در منطقه‌ی شاندرمن ماسال، غار چشمه‌باد در منطقه‌ی هرزویل منجیل، غار دیارجان A در منطقه‌ی دیلمان، غار خون‌فوشه در منطقه‌ی فوشه، غار بزخانه در منطقه‌ی ماسوله و غار چپلک در منطقه‌ی نوده رودبار، به‌عنوان غارهای طبیعی قلمداد شده‌اند و داری جاذبه‌های گردشگری ارزشمندی هستند و در داخل بیشتر آنها رسوبات آهکی مانند استلاگمیت و استلاکیت دیده می‌شود. همچنین در اطراف این غارها رودخانه‌ها و چشمه‌هایی طبیعی را می‌توان مشاهده کرد. این نوع غارها را می‌توان به‌عنوان شاخص‌ترین غارهای طبیعی استان نام برد و در صورت معرفی این غارها و سرمایه‌گذاری بر روی آنها، می‌تواند در جذب گردشگر نقش مهمی را ایفاء کند. از قدیمی‌ترین و جالب‌ترین سکونتگاه‌های این مجموعه، می‌توان به غارهای دربند

A و B در منطقه‌ی رشی رودبار، غار چپلک در منطقه‌ی نوده انبوه، غار مالحان A در منطقه‌ی برارود رودبار و همچنین غار یرشلمان و غار دیارجان B در منطقه‌ی دیلمان و سیاهکل اشاره کرد، که قدمت بعضی از آنها به بیش از دویست هزار سال می‌رسد.

براساس جدول ارائه شده، از ۱۰۱ غار، پناهگاه و محوطه که در فواصل مختلف در استان گیلان شناسایی شده‌اند، به استثنای شش غار یرشلمان، گنج‌پر، مالحان، دربند، خلوش و چپلک که در بردارنده‌ی آثار مربوط به دوره‌ی سنگ در گیلان است، بقیه‌ی محوطه‌های بررسی شده در بردارنده‌ی آثار مربوط به دوره‌ی آهن و دوره‌های موقتی تاریخی است. با این همه بخش عمده‌ای از این بررسی‌ها، صرفاً برای شناسایی، مستندسازی و معرفی آثار و همچنین ثبت این آثار در فهرست آثار ملی کشور بوده است و این احتمال وجود دارد که اگر بررسی و کاوش‌هایی به صورت هدفمند انجام گیرد، شاید آثار مربوط به پارینه‌سنگی و فرایینه سنگی هم از این محوطه‌ها به دست آید.

بخش عمده‌ای از پژوهش‌های مربوطه در مناطق جنوب (شهرستان رودبار) و شرق گیلان (رودسر، سیاهکل و املش) صورت گرفته و هنوز بخش بزرگی از استان گیلان از آستارا تا رشت (غرب گیلان) شامل شهرستان‌های رضوان‌شهر، ماسال، شفت، تالش، آستارا، فومن و صومعه‌سرا، مورد بررسی‌های باستان‌شناختی کامل قرار نگرفته است و اگر هم انجام شده، با کاستی همراه بوده و نیاز به بازنگری دارد و نمی‌توان با بررسی‌های اندک انجام شده، به نتایج مطلوب دست یافت.

بررسی مقدماتی مواد فرهنگی باستان‌شناختی از غارهایی مانند دربند و چپلک و ... نشان از توان بالقوه‌ی این مکان‌های باستانی در پاسخگویی به پاره‌ای از ابهامات و پرسش‌های مطرح شده در زمینه‌ی فرهنگ‌های پارینه‌سنگی قدیم و زیست‌محیط طبیعی آنها در غرب کوه‌های البرز دارد (بیگلری، جهانی و همکاران: ۱۳۸۶).

بررسی‌های انجام‌شده حاکی از آن است که بیش از ۷۰٪ محوطه‌های پارینه‌سنگی در گیلان در ارتفاع ۸۰۰ تا ۱۴۰۰ متر و اکثر غارهای دربردارنده‌ی آثار عصر آهن، در ارتفاع تا ۲۵۰۰ متر قرار دارد.

البته این مسئله را نمی‌توان عامل مهم و اثرگذار برای محدود کردن قلمرو زیستی دانست (وحدتی‌نسب، ۱۳۸۸: ص ۲۲). اما بی‌شک ارتفاع زیاد این محوطه‌ها از سطح دریا، در کنار دور ماندن از منابع آبی رودخانه‌ها که در کف دره‌ها جریان دارند را می‌توان از جمله دلایل فقدان بقایای دوره‌ی پارینه‌سنگی در نظر گرفت.

طرح بررسی شناسایی غارهای گیلان از چند جهت خانوار اهمیت است. ابتدا این‌که اطلاعات ما از استقرارهای پارینه‌سنگی ایران تنها منحصر به چندین مجموعه مصنوعات سنگی گردآوری شده از محوطه‌های باز است و از این رو بجز اطلاعات محدودی از فناوری آن دوره، از جنبه‌های دیگر، مثل گونه‌های جانوری، گیاهی، شرایط آب‌وهوایی و برهم‌کنش انسان و محیط در دوره‌ی پلیستوسن قدیم و میانه، کاملاً بی‌اطلاع هستیم. برخی از غارهای شناسایی‌شده‌ی گیلان با وجود رسوبات و مواد باستان‌شناختی این دوره، می‌تواند در روشن‌ساختن نسبی برخی از مسایل فوق، بسیار راهگشا باشد (بیگری: ۱۳۸۹).

ردیف	عنوان اثر (غار / پناهگاه)	آثار فرهنگی بجا مانده	دوره های مشهود	موقعیت			بررسی اثر به تفکیک سال
				شهرستان	بخش	روستا	
۱	غار دربند A	سفال و استخوان	بارینه سنگی؟	رودبار	رحمت آباد و بلوکات	سی دشت و رشی	۷۲۹ جهانی، هم‌رنگ و صابر سیبونی ۱۳۸۴؛ جهانی، بیگلری و شیدرنگ ۱۳۸۴؛ بیگلری، جهانی، و شید رنگ، ۱۳۹۱ کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۶
۲	غار دربند B	سفال و استخوان	عصر آهن	رودبار	رحمت آباد و بلوکات	سی دشت و رشی	جهانی، هم‌رنگ و صابر سیبونی ۱۳۸۴؛ جهانی، بیگلری و شیدرنگ ۱۳۸۴؛ کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۶، بیگلری و جهانی و همکاران، ۱۳۹۱
۳	غار زرگردگان اسکابن	سفال و استخوان	عصر آهن	رودبار	عمارلو	پاکنه	بیگلری، ۱۳۸۱ افلاحيان ۱۳۸۲؛ جهانی، ۱۳۸۵؛ هیات مشترک ایران کره جنوبی، ۱۳۸۷
۴	غار بابو			رودبار	رحمت آباد و بلوکات	سی دشت	هم‌رنگ، ۱۳۸۳ هیات مشترک ایران کره جنوبی، ۱۳۸۷
۵	غار آبدر			رودبار	رحمت آباد و بلوکات	سی دشت	هم‌رنگ ۱۳۸۳؛ کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۷
۶	غار یرشلمان	سفال، استخوان و ابزار سنگی	بارینه سنگی	سیاهکل	دیلمان	یرشلمان	جهانی و موسوی ۱۳۸۴؛ کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۷-۱۳۸۶
۷	دیارجان A	سفال و استخوان	عصر آهن	سیاهکل	دیلمان	دیارجان	جهانی و موسوی ۱۳۸۴؛ هیات مشتر ک ایران کره جنوبی، ۱۳۸۶ جهانی واکبری، ۱۳۹۴
۸	دیارجان B	سفال		سیاهکل	دیلمان	دیارجان	جهانی و موسوی ۱۳۸۴؛ هیات مشترک ایران کره جنوبی، ۱۳۸۶ جهانی واکبری، ۱۳۹۴
۹	طلاین گورج	سفال، سنگ و استخوان		املش	رانکوه	گورج	جهانی ۱۳۸۷؛ کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۶ جهانی واکبری، ۱۳۹۴



ردیف	عنوان اثر (غار / پناهگاه)	آثار فرهنگی بجا مانده	دوره های مشهود	موقعیت			ارتفاع (متر)	بررسی اثر به تفکیک سال
				شهرستان	بخش	روستا		
۱۰	اسب طویل	سفال، استخوان و سنگ		رودسر	رحیم آباد	گیری	۱۸۸۸	جهانی و هادی یور ۱۳۸۳: هیات مشترک ایران و کره جنوبی، ۱۳۸۶
۱۱	غار سلوک دره	سفال و استخوان		رودسر	رحیم آباد	لیما	۱۳۳۴	جهانی و هادی یور ۱۳۸۳: کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۶
۱۲	رز گردن	سفال و استخوان		رودسر	رحیم آباد	رز گردن	۱۱۳۷	جهانی، کیدونگ بای و باقریان ۱۳۸۶
۱۳	سجیران	سفال و سنگ استخوان		رودسر	رحیم آباد	سجیران	۷۱۶	جهانی و هادی یور ۱۳۸۳: جهانی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۷
۱۴	خلوشت	سفال، سنگ و استخوان	نوسنگی،	رودبار	عمارلو	خلوشت	۱۱۳۷	بیگلری و عبدی ۱۳۸۰: فلاحیان ۱۳۸۲:
۱۵	پناهگاه صخره ای پیر کوه	سفال	عصر آهن	سیاهکل	دیلمان	پیر کوه	۱۱۳۷	کیدونگ بای، جهانی و باقریان ۱۳۸۶
۱۶	حشمت آباد	سفال		رودبار	خورگام	حشمت آباد	۱۱۷۶	
۱۷	مالهان A	سفال، استخوان و ابزار سنگی	پارینه سنگی، عصر آهن	رودبار	خورگام	برارود	۸۱۰	جهانی ۱۳۸۵: کیدونگ بای، جهانی و باقریان ۱۳۸۶
۱۸	مالهان B	فاقد مواد فرهنگی	؟	رودبار	خورگام	برارود	۸۱۰	جهانی ۱۳۸۵
۱۹	چپک	سفال، استخوان و ابزار سنگی	نوسنگی تا عصر آهن ودوره های تاریخی	رودبار	عمارلو	نوده فاراب	۱۲۵۸	فلاحیان ۱۳۸۲: جهانی ۱۳۸۴: کیدونگ بای و جهانی ۱۳۸۷
۲۰	سنگاب	سفال	عصر آهن	رودبار	خورگام	حشمت آباد	۹۳۵	کیدونگ بای، جهانی ۱۳۸۶
۲۱	هشت دری A	سفال و استخوان	عصر آهن	رودبار	خورگام	حشمت آباد	۱۱۶۶	کیدونگ بای، جهانی و باقریان ۱۳۸۶
۲۲	هشت دری B	سفال و استخوان	عصر آهن	رودبار	خورگام	حشمت آباد	۱۱۶۹	کیدونگ بای، جهانی ۱۳۸۶
۲۳	هشت دری C	فاقد مواد فرهنگی	؟	رودبار	خورگام	حشمت آباد	۱۱۶۹	کیدونگ بای، جهانی و باقریان ۱۳۸۶
۲۴	غار لیارود A	سفال و استخوان	عصر آهن	لنگرود	اتاقور	لیارود	۵۰۲	جهانی ۱۳۸۴: جهانگیر ۱۳۸۶
۲۵	غار لیارود B	سفال و استخوان	عصر آهن	لنگرود	اتاقور	لیارود	۴۸۹	جهانی ۱۳۸۴: جهانگیر ۱۳۸۶
۲۶	گرمابدشت خانه	سفال و استخوان	عصر آهن	رودسر	رحیم آباد	گرمابدشت	۷۲۸	جهانی ۱۳۸۴: جهانگیر ۱۳۸۶

غارهای باستان‌شناختی گیلان / ۱۲۹

ردیف	عنوان اثر (غار / پناهگاه)	آثار فرهنگی بجا مانده	دوره های مشهود	موقعیت			بررسی اثر به تفکیک سال
				شهرستان	بخش	روستا	
۲۷	آسیابدره	فلاقد سفال		رودسر	رحیم آباد	آسیابدره	۱۲۸۷
۲۸	جواهردشت A	سفال و استخوان	عصر آهن؟	رودسر	چابکسر	جواهردشت	۲۰۰۶ عابدی ۱۳۸۵: کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۷
۲۹	جواهردشت B			رودسر	چابکسر	جواهردشت	۱۹۶۷ عابدی ۱۳۸۵: کیدونگ بای، باقریان و جهانی ۱۳۸۷
۳۰	آسمان رود	سفال و استخوان	عصر آهن	رودسر	رحیم آباد	مایستان	۱۱۸۰
۳۱	لوانی	سفال، استخوان و سنگ		سیاهکل	دیلمان	لوعلی	۱۹۶۰ جهانی و موسوی ۱۳۸۳
۳۲	پناهگاه صخره‌ای اسک	سفال و استخوان	عصر آهن	املش	راتکوه	اسک	۱۳۴۴ جهانی ۱۳۸۶
۳۳	کاکرود	سفال و استخوان	عصر آهن	املش	راتکوه	کاکرود	۱۷۷۷ جهانی ۱۳۸۷، هیات مشترک ایران و کره جنوبی، ۱۳۸۶
۳۴	گیلارکش	سفال و استخوان	عصر آهن	سیاهکل	دیلمان	گیلارکش	۱۷۵۹ جهانی و موسوی ۱۳۸۴
۳۵	اسپهبدان	سفال و استخوان	عصر آهن	رودبار	خورگام	شاه شهیدان	۱۸۹۳
۳۶	پناهگاه صخره‌ای اسپهبدان	سفال		رودبار	خورگام	شاه شهیدان	۱۹۰۷
۳۷	غار سرچشمه			لاهیجان		سرچشمه	۱۷۶ جهانی، ۱۳۸۸
۳۸	غار شلاش	سفال و استخوان؟		رضوانشهر	مرکزی	هفت خونی	۱۸۰۵ حسینی نسب، ۱۳۸۲
۳۹	پناهگاه صخره‌ای ذکابر	سفال و استخوان	عصر آهن	رودبار	عمارلو	ذکابر	فلاحیان، ۱۳۸۲
۴۰	غار ولی گورد			رودبار	عمارلو	گورد	۱۰۱۰ فلاحیان، ۱۳۸۲
۴۱	پناهگاه صخره‌ای A, B کوچ اسلکی خرم کوه	سفال		رودبار	جیرنده	خرم کوه	فلاحیان، ۱۳۸۲
۴۲	تونل دستکند شاهجان دیلمان			سیاهکل	دیلمان	شاهجان	
۴۳	غار ناوه بویه	سفال و استخوان	عصر آهن	املش	راتکوه	بویه	۱۵۶۸ اصلاهی و عابدی
۴۴	غار بز طلاین بویه		عصر آهن	املش	راتکوه	بویه	اصلاهی و عابدی، ۱۳۸۹، جهانی، بیگلری و شیرنگ ۱۳۹۲،
۴۵	غار قلابسربویه	سفال و استخوان	عصر آهن	املش	راتکوه	بویه	اصلاهی و عابدی ۱۳۸۹ جهانی بیگلری و شیرنگ، ۱۳۹۲،

ردیف	عنوان اثر (غار / پناهگاه)	آثار فرهنگی بجا مانده	دوره های مشهود	موقعیت			ارتفاع (متر)	بررسی اثر به تفکیک سال
				شهرستان	بخش	روستا		
۴۶	پناهگاه صخره‌های آب جیرگن	سفال و استخوان		املش	راتکوه	بویه	۱۰۳۵	اصلاهی و عابدی ۱۳۸۹
۴۷	غار بوز خانه	فاقد سفال		فومن	ماسوله	منطقه کهنه ماسوله	۲۵۰۰	گزارش، مربوط به صعود غارشناس ایران و دانشگاه آزاد رشت
۴۸	غار تاریخی تاوه لاسی	سفال و استخوان	عصر آهن	فومن	قلعه رودخان	ارتفاعات		جهانی و رامین، ۱۳۸۲
۴۹	پناهگاه صخره‌ای تاج دربند	فاقد سفال	نامعلوم	رودبار	بخش رشت آباد ویلوکات	منطقه سی دشت	۱۳۳۹	همرنگ، ۱۳۸۵
۵۰	غار درفک	سفال	عصر آهن	رودبار	منطقه خورگام	منطقه درفک		ستوده، ۱۳۴۸
۵۱	غار ورین	سفال و استخوان	عصر آهن	رودسر	بخش رحیم آباد	روستای ورین		ستوده ۱۳۴۸، جهانی، ۱۳۸۶
۵۲	غار گنج خانه	سفال و استخوان		تالش	بخش مرکزی	منطقه سوباتان	۱۸۳۲	خلعتیری و غفاری، ۱۳۸۶
۵۳	غار دلبران A	سفال		رودسر	رحیم آباد	دلبران		
۵۴	غار دلبران B	سفال		رودسر	رحیم آباد	دلبران	۱۸۲۰	
۵۵	غار دلبران C	سفال		رودسر	رحیم آباد	دلبران	۱۸۱۸	
۵۶	غار پیشکلجان A	سفال		سیاهکل	دیلمان	پیشکلجان	۱۸۱۸	جهانی ۱۳۸۶، جهانی ۱۳۸۷
۵۷	غار پیشکلجان B	سفال		سیاهکل	دیلمان	پیشکلجان	۱۸۲۸	جهانگیر ۱۳۸۶، جهانی ۱۳۸۷
۵۸	غار پیشکلجان C	سفال		سیاهکل	دیلمان	پیشکلجان	۱۸۴۱	جهانگیر ۱۳۸۶، جهانی ۱۳۸۷
۵۹	غار پرچکوه A			رودسر	بخش رحیم آباد	پرچکوه	۱۸۳۴	عابدی ۱۳۸۳، جهانی، کیدونگ بای و باقریان ۱۳۸۶
۶۰	غار پرچکوه B	سفال؟		رودسر	بخش رحیم آباد	پرچکوه	۱۸۵۱	عابدی، جهانی و کیدونگ بای ۱۳۸۶
۶۱	غار پرچکوه C	سفال و استخوان					۱۸۵۲	جهانی و کیدونگ بای ۱۳۸۶
۶۲	پناهگاه سنگی دیمان	سفال و استخوان		رودسر	بخش رحیم آباد	روستای دیمان	۴۴۵	رامین، ۱۳۹۴
۶۳	غار کھیل	سفال و استخوان		استارا	بخش حیران	روستای اق مسجد		جهانی، ۱۳۸۷
۶۴	دعا کوه			سیاهکل	دیلمان	روستای کمنی		
۶۵	غار دوستاخ خانه	سفال		استارا	بخش حیران	روستای گیلده		جهانی، ۱۳۸۷

غارهای باستان‌شناختی گیلان / ۱۳۱

ردیف	عنوان اثر (غار / پناهگاه)	آثار فرهنگی بجا مانده	دوره های مشهود	موقعیت			بررسی اثر به تفکیک سال
				شهرستان	بخش	روستا	
۶۶	غار چهل ستون			سیاهکل	دیلمان	روستای پیشکلجان	سهیلی، ۱۳۹۲
۶۷	غار ارکم			رودسر	اشکور	ارکم	
۶۸	غار فوشه			فومن		روستای فوشه	
۶۹	غار تنیان			صومعه سرا		روستای تنیان	
۷۰	پناهگاه دستکند چنبول دشت			املش	بخش رانکوه	روستای شیرچاک	جهانی و دیگران، ۱۳۹۴
۷۱	پناه گره پره شی			املش	رانکوه	شیرچاک	جهانی و دیگران، ۱۳۹۴
۷۲	پناهگاه صخره ای دستکند گیله سر ماسوله			فومن	ماسوله	ارتفاعات ماسوله	صابر سیبونی، ۱۳۹۱
۷۳	پناهگاه صخره ای دستکند گیله سر ماسوله			فومن	ماسوله	ارتفاعات ماسوله	صابر سیبونی، ۱۳۹۱
۷۴	پناهگاه صخره ای دستکند گیله سر ماسوله			فومن	ماسوله	ارتفاعات ماسوله	صابر سیبونی، ۱۳۹۱
۷۵	غار چشمه باد			رودبار	منجیل	ارتفاعات منجیل	
۷۶	غار دستکند هفت خم تله سیاه کوه	سفال و استخوان		املش	رانکوه	سیاه کوه	جهانی، ۱۳۸۷
۷۷	پناهگاه صخره ای دستکند لبار سنگ بن			املش	رانکوه	شیرچاک	جهانی، ۱۳۹۳
۷۸	تونل دستکند میگال			سیاهکل	دیلمان	میگال	جهانی، علی تالش، ۱۳۸۷
۷۹	پناهگاه صخره ای می کشان	سفال دوره تاریخی و اسلامی	دوره تاریخی	فومن	قلعه رودخان	دایلاسر	جهانی، ۱۳۸۲
۸۰	تونل دستکند ملومه	سفال کشف و استخوان بر اساس روایت های محلی	تاریخی	سیاهکل	دیلمان	ملومه	جهانی و موسوی، ۱۳۸۳
۸۱	غار طیولا			عصر اهن	رودسر	رحیم آباد طیولا	
۸۲	پناهگاه دستکند طیولا			عصر اهن تا دوره اسلامی	رودسر	رحیم آباد طیولا	رامین، ۱۳۹۰
۸۳	زاعه های باستانی باغ سر	سفال و ...		عصر اهن تا دوره های تاریخی	رودسر	رحیم آباد باغ سر	رامین، جهانی و ۱۳۹۰

ردیف	عنوان اثر (غار / پناهگاه)	آثار فرهنگی بجا مانده	دوره های مشهود	موقعیت			ار تفاع (متر)	بررسی اثر به تفکیک سال
				شهرستان	بخش	روستا		
۸۴	غار آویشو			ماسال		روستای سیاهمرد		
۸۵	غار خراب دره چال کمنی			سیاهکل	دیلمان	روستای کمنی		
۸۶	غار کش کوه			سیاهکل	دیلمان	تالش کول	ستوده، ۱۳۴۸	
۸۷	غار حاجت خانه B			سیاهکل	دیلمان	روستای کمنی		
۸۸	غار حاجت خانه B							
۸۹	غار سید سرا	سفال واستخوان حیوانی	عصر آهن	املش	راتکوه	سید سرا	جهانی ۱۳۸۷، واکبری، ۱۳۹۴	
۹۰	پناهگاه صخره ای سید سرا	سفال واستخوان حیوانی	عصر آهن	املش	راتکوه	سید سرا	جهانی واکبری، ۱۳۹۴	
۹۱	غار شمشیرزن (اشکاف ته سنگ) دایلاسر	استخوان وسفال	عصر آهن؟	فومن	قلعه رودخان	منطقه دایلاسر	جهانی ورامین، ۱۳۸۲	
۹۲	غار شمشیرزن (اشکاف ته سنگ ملومه)	استخوان وسفال	عصر آهن	سیاهکل	دیلمان	ملومه	جهانی وموسوی، ۱۳۸۳	
۹۳	غار پلنگمفاری			رودبار	منجیل	هرزه ویل	فرجام، ۱۳۹۵	
۹۴	غار خرخس			رودبار	منجیل	هرزه ویل	فرجام، ۱۳۹۵	
۹۵	پناهگاه های چادر مقر	سفال واستخوان حیوانی		سیاهکل	دیلمان	روستای نیاول (بالای روستای نیاول)	جهانی ورنوفه، ۱۳۹۳	
۹۶	پناهگاه صخره ای گرماور		دوره های مختلف از عصر آهن تاجدید	سیاهکل	دیلمان	گرماور (پایین صخره قلعه گرماور)	جهانی، بیگری وشیدرنگ جهانی، ۱۳۹۲، ودیگران، ۱۳۹۴	
۹۷	پناهگاه صخره ای موسی کلایه	سفال دوره های مختلف تاریخی		املش	راتکوه	حد فاصل بین ملکوت وموسی کلایه	جهانی قنبری ورنوفه، ۱۳۹۳	
۹۸	غار های دستکند لسبو (A, B, C)	سفال	دوره های مختلف	رودسر	بخش رحیم آباد	لسبو (بالای روستای	رامین، عابدی، ۱۳۹۴	
۹۹	پناهگاه صخره ای کشایه		دوره های مختلف	رودسر	بخش رحیم آباد	روروستای کشایه	رامین، عابدی، ۱۳۹۴	
۱۰۰	پناهگاه دستکند سرده دره			رودسر	رحیم آباد	روستای سرده دره	رامین، عابدی، ۱۳۹۴	
۱۰۱	غار پلمسان			رودسر	رحیم آباد	روستای پلمسان (روبروی روستای کلرود)	رامین، عابدی، ۱۳۹۴	

کتابنامه

الف) فارسی

اصلانی قاسم‌آبادیان، قاسم. (۱۳۸۹). گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین حریم محوطه باستانی بویه املش، مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده). باقریان، محمدرضا و کیدونگ بای. (۱۳۸۶). گزارش فصل اول بررسی‌های باستان‌شناختی دوران سنگ در گیلان، هیأت مشترک ایران و کره جنوبی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).

بیگلری، فریدون. (۱۳۸۵). مطالعه مجموعه مصنوعات سنگی محوطه پارینه‌سنگی قدیم گنج‌پر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. (منتشر نشده).

بیگلری، فریدون، ولی جهانی، مرجان مشکور، آلن آرگان، سونیا شیدرنگ و کمال طاهری. (۱۳۸۵). شواهد نویافته از دوره پارینه‌سنگی قدیم در گیلان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال بیست و یکم، شماره اول، پاییز و زمستان ۸۵ شماره پیاپی ۴۱، صص ۳۷ - ۳۰.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). غار دریند: کشف مدارکی جدید از دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم در غرب البرز، استان گیلان، یازدهمین همایش انجمن زمین‌شناسی ایران، صص ۱۶۹۵-۱۶۸۷، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

بیگلری، فریدون؛ جهانی، ولی؛ مشکور، مرجان و صارم امینی. (۱۳۹۳). «گمانه‌زنی در مکان پارینه‌سنگی قدیم غار دریند رشی، رودبار، گیلان» در مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهم‌آیی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران، به‌کوشش کورش روستایی و مهران غلامی، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، صص: ۱۰۱-۱۰۴

بیگلری، فریدون و حسین عبدی. (۱۳۸۰). گزارش بررسی مقدماتی پناهگاه صخره‌ای نخل‌وشت در منطقه عمارلو گیلان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پانزدهم، شماره اول و دوم، پاییز و زمستان ۷۹ و بهار ۸۰ شماره پیاپی ۳۰-۲۹، صص ۷۲-۶۸  
توحیدی، فائق. (۱۳۸۸). آشنایی با میراث فرهنگی. سبحان نور با همکاری سازمان

میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

جهانی، ولی و کیدونگ بای. (۱۳۹۳). شواهدی از استقرار بشر اولیه در غارهای باستانی گیلان با تاکید بر معرفی غارهای باستانی حوزه فرهنگی اشکورات، در کتاب مجموعه مقالات نخستین همایش اشکورشناسی به کوشش دکتر عباس پناهی، رشت، فرهنگ‌ایلیا.

جهانی، ولی و محمود موسوی. (۱۳۸۳). بررسی‌های باستان‌شناختی در شهرستان سیاهکل به مرکزیت دیلمان و پیرکوه. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گیلان. چاپ نشده.

جهانی، ولی و مسعود اکبری. (۱۳۹۴). گزارشی از مکان‌های نو یافته در حوزه البرز غربی (ارتفاعات املش و دیلمان). در کتاب باستان‌شناسی املش؛ نگرشی بر پژوهش‌های باستان‌شناسی حوزه فرهنگی املش ۱۲۸۵-۱۳۹۳. به کوشش ولی جهانی. رشت: بلور.

جهانی، ولی. (۱۳۸۷). باستان‌شناسی املش، معرفی جغرافیا و آثار تاریخی املش (بخش مرکزی و رانکوه). رشت: فرهنگ‌ایلیا.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). *جاذبه‌های تاریخی گیلان*. رشت: فرهنگ‌ایلیا.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۴). *باستان‌شناسی املش؛ نگرشی بر پژوهش‌های باستان‌شناسی*

حوزه فرهنگی املش. رشت: بلور.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۵). *باستان‌شناسی گیلان (از آستارا تا هوسم) تهران: بنیاد*

موقوفات افشار.

حمیدی، مسعود. (۱۳۹۰). معرفی منطقه درفک به عنوان یک ژئوپارک در کشور. بی‌نا. خلعتبری، محمدرضا. (۱۳۸۴). گزارش بررسی شناسایی باستان‌شناختی شهرستان تالش، ج ۱، آرشیو میراث فرهنگی گیلان. (چاپ نشده).

صابر سیبونی، محمد. (بی‌تا). «پناهگاه‌های صخره‌ای دشته گیله‌سر». مجله میراث گیلان؛ مجموعه مقالات پژوهش باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گیلان، صص: ۳۶-۳۳.

فلاحیان، یوسف. (۱۳۸۲). گزارش جامع بررسی و شناسایی در حوزه‌ی رودخانه‌ی

- شاهرود (عمارلو)، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی میراث فرهنگی کشور.  
\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴). نگاهی اجمالی به دستاوردهای باستان‌شناسی، بررسی و شناسایی در حوزه‌ی رودخانه شاهرود (عمارلو)، گزارش‌های باستان‌شناسی (۴)، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۲۰۸ - ۱۹۹.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). نشانه‌های اولیه از استقرارهای دوران نوسنگی در غار چپک نوده فاراب، فصلنامه‌ی فرهنگ گیلان، سال هفتم، بهار و تابستان، شماره ۲۶-۲۵، صص ۸۲-۷۷.
- قریب، عبدالکریم و ابراهیم امین سبحانی، بهمن رضایی (پی‌تا). صعود مشترک کمیته غارشناسی ایران و دانشگاه آزاد اسلامی. گزارش اداری.  
ملک شه میرزادی، صادق. (۱۳۷۸). ایران در پیش از تاریخ؛ باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سیه شهرنشینی. تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.  
میرابوالقاسمی، محمدتقی. (۱۳۶۹). گیلان از آغاز تا انقلاب مشروطه، رشت: هدایت و وحدتی نسب، حامد. (۱۳۸۸). گزارش دومین فصل از بررسی‌های پارینه سنگی استان گیلان، دو فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۸۸، صص ۲۴-۱۵.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۹). مروری بر پژوهش‌های پارینه سنگی در البرز شمالی، مجموعه مقالات همایش ملی چشم‌انداز باستان‌شناسی شمال کشور در دهه‌ی آینده، به کوشش: سیدمهدی موسوی کوهپر، حسن هاشمی و محمد قمری فتیده، ج اول، ۹-۱، نوشهر: موسسه آموزش عالی مارلیک نوشهر.
- وحدتی نسب، حامد، کیدونگ بای، محمدرضا باقریان، هانیونگ لی، ولی جهانی، رحمت نادری و نسیم جمشیدی. (۱۳۸۷). گزارش دومین فصل از بررسی‌های پارینه سنگی استان گیلان، هیأت مشترک ایران و کره جنوبی، ارائه مقاله در دهمین کنگره باستان‌شناسی ایران، ۲۳-۲۰ آذر، بندر عباس، استان هرمزگان، (منتشر نشده).  
همرنگ، بهروز. (۱۳۸۳). گزارش بررسی و شناسایی شهرستان رودبار. گیلان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. (چاپ نشده).



(ب) غیر فارسی:

- Angel, J. L. (1952). *The Human Skeletal Remains from Hotu Cave, Iran*, Proceedings of the American Philosophical Society, 96, pp 258–269.
- Biglari, F., and Abdi, H. (2003), *Discovery of Two Probable Late Paleolithic Sites at Amarlou, The Gilan Province, Caspian Basin*, In T. Ohtsu, J. Nokandeh, and K. Yamauchi (eds), Preliminary Report of the Iran-Japan Joint Archaeological Expedition to Gilan, First Season, 2001, Tehran: ICHTO and Tokyo: MECC, pp 92–96.
- Biglari, F., Heydari, S. and Shidrang, S., (2004), *The Lower Paleolithic site of Ganj Par in the Gilan Province, Iran, A preliminary Report*, In T. Ohtsu, J. Nokandeh, and K. Yamauchi (eds), Preliminary Report of the Iran-Japan Joint Archaeological Expedition to Gilan, Third Season, 2002, Tehran: ICHTO and Tokyo: ME, pp 76–84.
- Biglari, F., Heydari, S. and Shidrang, S., (2004), *Ganj Par: The First Evidence for Lower Paleolithic Occupation in the Southern Caspian Basin, Iran*, Antiquity: Vol. 78, No. 302, Project Gallery. Online:  
<http://62.189.20.34/projgall/biglari/index.html>.
- Biglari, F. (2005), *Ganj Par: New Evidence for Distribution of the Acheulian into Iran*, 2005 ASOR Annual Meeting Abstract Book, Philadelphia: American School of Oriental Research, p 23.
- Biglari, F. and Shidrang, S., (2006), *The Lower Paleolithic Occupation of Iran*, Near Eastern Archaeology 69 (3–4), pp 160–168.
- Biglari, F. & Jahani, V., (2012), *The pleistocene human settlement in Gilan? Southwest. Evraisian prehistory vol.8, №1-2. Cambridge, Caspian sea: resent research*, pp 3-28.
- Bai, K., Baghareyan, M., and Jahani, V., (eds), *Preliminary Report of the Iran-Korea Joint Archaeological Expedition to Gilan, First Season, and too, season, 2005-2007*, Tehran: ICHTO and Korea.
- Chang, I., and Jahani, V., (2010), *A study of Iranian pottery sherds from the Chapalak cave in Gilan province, Iran (Current Archaeological studies of Northern Iran)* congress Iranian Art and Archaeology, thememrial vol, theran 1972-pp133-136

## نماینه

پیشگیل جان ۸۴، ۸۶	آبشار ۲۶
تالش ۲۳	آستارا ۱۹، ۲۱
تالش کول ۸۰	آغوزبن کندسر ۹۶
تماجان دره ۱۲۱	آق مسجد ۱۹
تونکابن ۳۶، ۴۹	آویشو ۲۵
توچال ۵۲	ابزار ۳۴، ۳۸، ۴۲، ۵۱، ۶۱، ۶۶
توتال ۷۶	آرگم ۱۰۱
تونل دشت کند ملومه ۷۶	اسپهبدان ۴۷، ۴۸، ۸۰
جلال آباد ۲۸	استلاکتیت ۵۲، ۵۶، ۷۰
جو کوهلیک ۳۶	استلاگمیت ۵۱، ۵۲، ۵۶، ۷۰
چشمه ۱۹، ۴۲، ۱۰۱	استخوان ۳۴، ۴۲، ۴۵، ۶۱، ۶۳، ۷۳
چشمه‌ی چاکی ۷۰	۷۶، ۸۶، ۸۸، ۹۸-۹۵، ۱۰۲، ۱۰۴
چنبول دشت ۱۱۲، ۱۱۳	۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۲
حشمت‌آباد ۶۱، ۶۳	اسک ۱۲۳
خلوشت ۴۱	اشکور ۹۵، ۹۸، ۱۰۱
خورگام ۵۲	اکوجان ۸۰
دای لاسر ۳۰	املش ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۲۱
درفک ۵۲	ایستی سو ۲۲
دره‌ی دربند ۳۶، ۵۱، ۵۸	بویه ۱۰۴، ۱۰۸
دریاچه ی نئور ۲۳	پاکده ۶۱
دشت ویل ۳۶	پناهگاه اسپهبدان ۴۸
دلیجان ۹۸	پناهگاه صخره‌ای ۲۹، ۳۰، ۴۱، ۹۰
دوره‌ی اسلامی ۲۳، ۴۸، ۵۰، ۷۶، ۱۰۴	پناهگاه صخره‌ای اسک ۱۲۳
دوره‌ی آهن ۱۹، ۲۲، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۸	پناهگاه صخره‌ای آسیاب‌دره ۱۰۰
۶۱، ۷۳، ۷۶، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۸-۹۶	پناهگاه صخره‌ای پرشی ۱۱۲
۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۰	پناهگاه صخره‌ای پیرکوه ۸۴
۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳	پناهگاه صخره‌ای تاج دربند ۵۱
دوره‌ی برنز ۱۰۸، ۱۱۰	پناهگاه صخره‌ای ذکابر ۵۱
دوره‌ی پارینه سنگی ۶۶	پناهگاه صخره‌ای سیدسرا ۱۱۴
دوره‌ی پارینه سنگی قدیم ۳۸	پناهگاه صخره‌ای وادار ۱۲۰
دوره‌ی پلیستوسن میانی ۳۸	پناهگاه عروس تله ملومه ۷۶
دوره‌ی پیش از تاریخ ۱۲۱	پناهگاه‌های صخره‌ای کشمش ۱۱۳
دوره‌ی پیش از تاریخ ۶۱	پیرکوه ۶۵، ۷۵، ۷۷، ۸۴

سیاه‌کوه ۱۱۶	دوره‌ی تاریخی ۴۸، ۵۸، ۶۱، ۶۶
سیاه‌مرد ۲۵	دوره‌ی سنگ ۵۲
سیاه‌مزگی ۲۷	دوره‌ی نوسنگی ۳۴
سی‌دشت ۳۶، ۵۸	دیارجان ۶۸، ۱۱۴، ۱۱۷
شاندرمن ۲۵	دیلمان ۷۶، ۸۰، ۸۶، ۱۱۴، ۱۱۷
شمشیر ۹۵	دیورش ۴۹
شمشیرزن ۳۰	رانکوه ۱۱۶، ۱۱۷
شیرچاک ۶۸، ۱۱۲، ۱۲۰	رحمت‌آباد ۵۸، ۹۰، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰
شیرکوه ۴۹	رستم‌آباد ۳۶، ۴۴
طالکوه ۵۱	رشی ۳۷
عمارلو ۳۲، ۶۹	رضوان‌شهر ۲۴
غار آرگم ۱۰۱	رکن‌آباد ۲۸
غار اسب (اسب کرنی) ۵۵	رودبار ۳۲، ۴۱، ۴۷، ۸۰
غار اسب طویله ۹۰	رودخانه‌ی دیورش ۴۹
غار اسپهبدان ۴۷	رودخانه‌ی ذکابری ۵۱
غار استقراری ۱۱۷	رودخانه‌ی گیلارکش ۷۵
غار اسکابن ۶۱	رودخانه‌ی مالجان ۴۴
غار اشتیاف (خریزه) ۵۵	رودخانه‌ی یسن ۷۹
غار اققی ۷۷	رودسر ۹۰، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰
غار آبدر ۵۸	زره ۹۵
غار آسمان‌رود ۹۸	ساروج ۹۰
غار آویشو ۲۵	سازه‌دست‌کن زیرزمینی میکال ۸۰
غار بابو ۵۸	ستون‌های آهکی ۲۶
غار بزطلابن ۱۰۴	سجیران ۹۱
غار بوزخانه ۲۸	سرچشمه ۸۷
غار تاوه‌لاس ۲۷	سفال ۹، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۳
غار توچال ۵۲	۳۴، ۳۸، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱
غار چپلک ۳۲	۵۸، ۶۱، ۶۳، ۶۶، ۷۳، ۷۶، ۷۹، ۸۲
غار چشمه‌باد ۵۵	۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۶، ۹۷، ۹۸
غار چهل‌ستون ۸۶	۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲
غار حاجت‌خانه ۸۰	۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳
غار خانقاه ۲۱	سُم‌ام ۱۱۳
غار خون‌فوشه ۳۱	سنگ آهن ۸۷
غار درفک ۵۲	سویاتان ۲۳
غار دزدخانه ۱۰۲	سیاهکل ۶۵
غار دعاکوه ۸۰	سیاهکلرود ۹۷

- غار دوستاخ‌خانه ۲۲  
 غار دیارجان ۷۲  
 غار دیورش ۴۹  
 غار رزگردن ۹۶  
 غار رودخانه‌ای ۵۶  
 غار زندان ۲۲  
 غار سرچشمه ۸۷  
 غار سلوک‌دره ۹۵  
 غار سنگاب ۶۱  
 غار سیاه (سیاه‌کرنی) ۵۵  
 غار سیدسرا ۱۱۷  
 غار شلاش ۲۴  
 غار صخره‌ای ۱۹  
 غار طبیعی ۵۶  
 غار طلائین گورج ۱۱۷  
 غار قلایسر بویه ۱۰۸  
 غار کاکرود ۱۲۱  
 غار کبوتر ۵۵  
 غار کش‌کوه ۸۰  
 غار کُهیِل ۱۹  
 غار گل‌لوک سجیران ۹۱  
 غار گنج‌خانه ۲۳  
 غار گیلارکش ۷۵  
 غار لار ۵۵  
 غار لوآلی ۷۷  
 غار نوچا ۵۲  
 غار نیاز‌خانه ۸۰  
 غار وُزبِن ۹۵  
 غار ولی‌گورد ۵۸  
 غار هفت‌خَم تله سیاه‌کوه ۱۱۶  
 غار یرشلمان ۶۵  
 غار یلی‌بولاغی ۵۵  
 غارنوردی ۵۱، ۴۷، ۲۸، ۲۶، ۲۵  
 غارهای باستانی لیارود ۸۸  
 غارهای پیشکیل جان ۸۴  
 غارهای تاریخی دیارجان ۶۸  
 غارهای جواهردشت ۹۷  
 غارهای دربند ۳۶  
 غارهای درفک ۵۲  
 غارهای دستی ۸۷  
 غارهای دلیجان ۹۸  
 غارهای رودخانه‌ای ۳۲، ۳۷  
 غارهای ریزش ۳۱  
 غارهای طبیعی ۳۲، ۳۷، ۴۵، ۷۷، ۸۷  
 غارهای عمودی درفک ۵۵  
 غارهای مالحان ۴۴  
 غارهای معدنی ۸۷  
 غارهای هشت‌دُری ۶۳  
 غارهای یخی ۵۲  
 فوشه ۳۱  
 فومن ۲۷  
 قلعه‌بین ۲۳  
 قلعه‌دهنه ۲۷  
 قلعه‌رودخان ۲۷، ۳۱  
 قندیل ۲۶  
 کاکرود ۱۲۱  
 کشمش ۱۱۳  
 کلیشم ۳۲  
 کوه بوز‌خانه ۲۸  
 کوه داش‌بلاغی ۲۸  
 کوه درفک ۴۹  
 کوهیل‌گر ۳۶  
 گرمابدشت ۱۰۱  
 گنج ۲۳  
 گنج‌خانه ۲۳  
 گورج ۱۱۷  
 گورستانی باستانی ۶۶  
 گولک ۷۶  
 گیری ۹۰، ۹۱  
 گیلارکش ۷۵  
 گیلده ۲۲  
 لاهیجان ۸۷

میکال ۷۶، ۸۰

می‌کشان ۳۰

نوچا ۵۲

نوده فاراب ۳۲

وَرَبِن ۹۵

ولی گورد ۵۸

هرزویل ۵۵

هفت‌خونی ۲۴

پوشلمان ۶۵

لنگرود ۸۸

لوآلی ۷۷

لیما ۹۵

ماسال ۲۵

ماسوله ۲۹، ۲۸

مته‌خانی ۳۰

مصنوعات سنگی ۴۵، ۴۲، ۳۸

مکان نوسنگی ۴۱

ملومه ۷۶

### **Archaeological caves of Guilan**

The most recent archaeological and palaeontological explorations on Guilan marks that human has been living in this part of Iran since almost 230 thousands years ago. Researches in the past few years in several pre-historic areas and some rock and stone shelters and caves of Guilan corroborate the previous statement.

Discovered stone tools and human bones which belong to thousands years ago ascertain that the history of human habitation in Guilan is far beyond our imaginations.

In the following book archaeological caves and stone shelters of each city of Guilan are introduced from west to east. In every item, age and found historical and cultural objects such as potteries, stones and bones are discussed with details. Since the volume of this book was limited, only the most important caves of each city were selected and deliberated. At the end of the book, a list of caves of Guilan which were discovered up to 2013 is also indicated.

مجموعه کتاب‌های  
دانشنامه فرهنگ و تمدن گیلان

۱. قلعه‌های گیلان (چاپ دوم) / ولی جهانی
۲. گاه‌شماری گیلانی (چاپ دوم) / مسعود پورهادی
۳. جغرافیای طبیعی گیلان (چاپ دوم) / دکتر ناصر عظیمی دوبخشری
۴. جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (۱) (چاپ دوم) / محمد بشرا - طاهر طاهری
۵. تاریخ ارمنیان گیلان (چاپ دوم) / فرامرز طالبی
۶. تمدن مارلیک (چاپ دوم) / بهروز هم‌رنگ
۷. نهضت جنگل (از آغاز تا فرجام) (چاپ دوم) / فریدون شایسته
۸. گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی (چاپ دوم) / هوشنگ عباسی
۹. معماری خانه‌های گیلان (چاپ دوم) / مزگان خاکپور
۱۰. زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی) (چاپ دوم) / دکتر محرم رضایتی
۱۱. گیلان در سفرنامه‌های سیاحان خارجی / محمود نیکویه
۱۲. دیلمیان / سیدرضا فندرسکی
۱۳. جاذبه‌های تاریخی گیلان / ولی جهانی ت (موجود نیست)
۱۴. زیارتگاه‌های گیلان / قاسم غلامی
۱۵. باورهای عامیانه‌ی مردم گیلان / محمد بشرا - طاهر طاهری
۱۶. زبان گیلکی / مسعود پورهادی (موجود نیست)
۱۷. تاریخ گیلان (پیش از اسلام) / قربان فاخته (موجود نیست)
۱۸. تاریخ گیلان (پس از اسلام) / قربان فاخته
۱۹. فرهنگ عامیانه‌ی زیارتگاه‌های گیلان / م. پ. جکتاجی
۲۰. امام‌زاده‌های گیلان / قاسم غلامی
۲۱. جغرافیای تاریخی گیلان / دکتر شهرام امیرانتخابی
۲۲. انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه / هومن یوسفدی
۲۳. جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (۲) / محمد بشرا، طاهر طاهری
۲۴. صنایع دستی گیلان / فاطمه تهی‌دست
۲۵. نقاشی‌های دیواری بقعه‌های گیلان / احمد محمودی‌نژاد
۲۶. سیر تحولات تاریخی اسلام در گیلان / سید محمدتقی میرابوالقاسمی
۲۷. جغرافیای انسانی و اقتصادی گیلان / دکتر ناصر عظیمی دوبخشری
۲۸. تناثر گیلان (۱) / فرامرز طالبی
۲۹. تناثر گیلان (۲) / فرامرز طالبی
۳۰. درآمدی بر تاریخ ادبیات گیلان / هوشنگ عباسی
۳۱. زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودباری) / دکتر جهان‌دوست سبزه‌علی‌پور
۳۲. طب سنتی گیلان (گیله تجروبه) / محمد بشرا

۳۳. سوغات گیلان / م. پ. جکتاجی
۳۴. آیین‌های گذر در گیلان (از تولد تا مرگ) / محمد بشرا، طاهر طاهری
۳۵. راه‌های تاریخی گیلان / بهروز هم‌رنگ
۳۶. فرهنگ خوراک مردم گیلان / مسعود پورهادی
۳۷. خانه‌های تاریخی گیلان / دکتر نیکروز میرهن شفیعی
۳۸. سینما در گیلان / کریم کوچکی‌زاد
۳۹. بازی‌های محلی گیلان / اباذر غلامی
۴۰. زندگی زنان گیلان / شادی پیروزی، هادی میرزائزاد موحد
۴۱. گیلان در انقلاب مشروطه / هومن یوسفدهی
۴۲. تمدن املش / ولی جهانی
۴۳. بررسی و طبقه‌بندی افسانه‌های مردم گیلان (۱) / دکتر علی تسلیمی
۴۴. بررسی و طبقه‌بندی افسانه‌های مردم گیلان (۲) / دکتر علی تسلیمی
۴۵. تاریخ شیلات در گیلان / افشین پرتو
۴۶. تاریخ مطبوعات گیلان / رضا نوزاد
۴۷. کوه‌های گیلان / نیما فرید مجتهدی
۴۸. سیر تاریخی دین و مذهب در گیلان / دکتر عباس پناهی
۴۹. کشت برنج در گیلان / دکتر ناصر عظیمی دوبخشری
۵۰. عکاسان و عکاسخانه‌های گیلان / کفایت آریایی‌فر
۵۱. شیوه‌های سنتی و فرهنگ کشاورزی در گیلان (برنج و چای) / طاهر طاهری
۵۲. شیوه‌های سنتی و فرهنگ کشاورزی در گیلان (گندم، زیتون و ...) / طاهر طاهری
۵۳. جاذبه‌های طبیعی گیلان (۱) / محمد دهدار درگاهی، نیما فرید مجتهدی
۵۴. جاذبه‌های طبیعی گیلان (۲) / محمد دهدار درگاهی، نیما فرید مجتهدی
۵۵. جاذبه‌های طبیعی گیلان (۳) / محمد دهدار درگاهی، نیما فرید مجتهدی
۵۶. بازارهای هفتگی (دوره‌ای) گیلان / محمد بشرا
۵۷. بررسی و طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌های گیلکی / محمد پرحلم
۵۸. سیر تاریخی عرفان و تصوف در گیلان / دکتر عباس پناهی
۵۹. تعزیه در گیلان (۱) / فرامرز طالبی، عزت‌اله صمصام
۶۰. تعزیه در گیلان (۲) / فرامرز طالبی، عزت‌اله صمصام
۶۱. تحلیل و بررسی تاریخ‌نگاری محلی گیلان / زهرا حُسن مصفا
۶۲. پوشاک مردم گیلان / فرشته تالش انسان‌دوست
۶۳. موسیقی گیلان (۱) / حامد پورشعبان
۶۵. رودهای گیلان / نیما فرید مجتهدی
۶۶. ماهیان گیلان / کیوان عباسی



تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

First edition in Iran 2017  
Nashr-e Farhang-e Ilia  
[www.farhangeilia.com](http://www.farhangeilia.com)  
Printed in Iran



تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

Vali Jahani  
Archaeological caves of Gilan

67

The Encyclopedia of Gilan  
Culture and Civilization

